



مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اسلام پرورش های روان شناختی

اسلام پرورش های روان شناختی

دوفصلنامه علمی - ترویجی

سال پنجم، شماره اول، پیاپی ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸

صاحب امتیاز: مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت مدیر مسؤول: دکتر محمد جواد زارعان
سردبیر: دکتر محمدرضا احمدی جانشین سردبیر: محمد فرهوش
مدیر اجرایی: هادی ارشاد حسینی

دورنگار: ۰۲۵۳۲۹۲۲۲۳۹

پست الکترونیکی: pajooresh.ueae@gmail.com

صندوق پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

پایگاه اینترنتی: ipr.ueae.ir

نشانی: قم، بلوار شهید صدوقی، خیابان شهید شهبازی، پلاک ۱۳ کد پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا)

دکتر هادی بهرامی احسان دانشگاه تهران
حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد جواد زارعان مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت
آیت الله سید محمد غروی راد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
دکتر علی فتحی آشتیانی دانشگاه بقیة الله عجل الله تعالی فرجه
حجة السلام و المسلمین دکتر محمد کاویانی آرانی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
حجة السلام و المسلمین دکتر رحیم نارویی نصرتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام
حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمود نوذری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بر اساس مصوبه شورای اعطای مجوزها و امتیازهای عملی و در طی نامه شماره ۲۰۲ به تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۵ درجه علمی فصل نامه از علمی - تخصصی به علمی - ترویجی ارتقا یافت.

این فصل نامه در پایگاه اطلاع رسانی Noormags، SID و پرتال جامع علوم انسانی نمایه شده است.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله

مقدمه

فصلنامه «اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی» فصلنامه‌ای علمی و چندرشته‌ای است که با هدف ارایه نتایج مطالعات و پژوهش‌های علمی، فراهم آوردن زمینه تبادل افکار و اطلاعات، ترویج مباحثات علمی بین پژوهشگران و محققان حوزه‌های مختلف علمی: روان‌شناسی، مشاوره، مددکاری اجتماعی، تعلیم و تربیت، دین و ... منتشر می‌شود. این فصلنامه در گستره مسائل روان‌شناختی، در دو سطح بنیادی و کاربردی، مقاله‌هایی را می‌پذیرد که از ساحت دینی نیز برخوردار باشد. فصلنامه، به زبان فارسی منتشر می‌شود.

نوع مقالات مورد پذیرش

- گزارش یک پژوهش علمی؛
- تحلیل علمی با هدف ارائه مفاهیم و الگوهای جدید؛
- نقد علمی مقالات منتشر شده در فصلنامه (در قالب نامه به سردبیر)؛
- گزارش کوتاه علمی؛
- مطالعه موردی؛

ساختار مقاله بایستی به شرح زیر تنظیم و ارسال گردد

- عنوان مقاله: عنوان باید گویا و کوتاه باشد.
- نام، نام خانوادگی، مرتبه علمی، وابستگی سازمانی، شهر، کشور و ایمیل پژوهشگر/ پژوهشگران؛
- چکیده: در این قسمت، مطالب اصلی مقاله شامل هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت فشرده (حداکثر ۲۰۰ کلمه) بیان می‌شود.
- کلید واژه‌ها: از میان واژه‌های اصلی مقاله، بین ۳ تا ۵ واژه مشخص شوند.
- نکته: موارد فوق هم به زبان فارسی و هم لاتین بارگذاری شود.
- مقدمه: بیان مسأله، هدف، تبیین ضرورت انجام تحقیق و فرضیه‌ها (سؤال‌ها)؛
- روش: جامعه آماری، روش نمونه‌برداری، گروه نمونه، ابزار(های) پژوهش، فرایند اجرای پژوهش و روش تحلیل داده‌ها؛
- یافته‌ها: یافته‌های حاصل از روش‌های آماری، جدول‌ها (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودارها (شماره و عنوان در زیر آن). کلیه جدول‌ها و نمودارها باید به زبان فارسی تهیه شوند. همچنین اعداد داخل جدول‌ها باید به زبان فارسی باشد و برای اعداد اعشاری از نقطه (.) استفاده شود.
- نکته: تعداد جداول متناسب با حجم مقاله باشد و فایل جداول علاوه بر متن اصلی به

صورت جداگانه بارگذاری شود.

• بحث و نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری، مقایسه یافته‌های پژوهشی با پیشینه پژوهش و تبیین آن‌ها؛

• منابع (شامل منابع فارسی و لاتین): ارائه کامل کلیه منابعی که در متن مقاله از آن‌ها استفاده و به آن‌ها ارجاع شده است به ترتیب حروف الفبا. تنظیم منابع، مطابق الگوی راهنمای APA به شرح ذیل انجام شود:

۱. کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار اصلی)، **عنوان کتاب**، شماره جلد، نام و

نام خانوادگی مترجم، سال انتشار ترجمه، نوبت چاپ، محل انتشار: انتشارات.

۲. مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، **نام نشریه**، سال / دوره، شماره، صفحات.

۳. پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، **عنوان پایان‌نامه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد / دکترا، رشته، دانشگاه.

۴. گزارش: نام سازمان (سال انتشار)، «**نام گزارش**».

۵. اینترنت: نام خانوادگی، نام (تاریخ اخذ مطلب): نشانی کامل سایت.

• ضمایم (در صورت لزوم)

نکات قابل توجه در ارائه مقالات

۱. مقاله ارسالی نباید قبلاً در جای دیگری به چاپ رسیده باشد و نیز نباید به طور همزمان برای بررسی و چاپ به مجله دیگری ارسال شده باشد.

۲. مقاله باید با نرم‌افزار Microsoft Word، قلم Mitra، اندازه ۱۴ و فاصله خطوط ۱، تهیه و به وسیله ایمیل، برای فصل‌نامه ارسال شود. شماره تلفن برای دسترسی آسان و سریع دفتر مجله به نویسنده مسؤول مقاله نیز قید گردد.

۳. حجم مقاله از ۹۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.

ملاحظات

• فصلنامه در رد، اصلاح یا ویرایش مقاله آزاد است.

• اصطلاحات علمی و اسامی خاص مقاله‌ها مطابق روش فصلنامه یکسان‌سازی می‌شود.

• مسؤولیت صحت و محتوای مقاله و حفظ حقوق دیگر مؤلفان بر عهده نویسنده مسؤول آن است.

فهرست مطالب

شکل‌گیری اختلال وسواس - اجباری طهارت و نجاست بر اساس منابع اسلامی.....۷

حسین علی پور / رحیم ناروئی نصرتی / محمدرضا احمدی

پیش‌بینی افکار خودکشی بر اساس کاستی خداآگاهی و حرمت خود دانشجویان...۲۹

محمد حیدری / رضا مهکام / مسعود نورعلیزاده میانجی

رابطه مثبت‌نگری مادران با عزت‌نفس نوجوانان با توجه به دین‌داری مادران.....۵۵

حسین صادقیان / جعفر جدیری / حسن تقیان

مهارت‌های گفتاری و شنیداری از منظر آموزه‌های دینی.....۷۷

اسماعیل فدوی صومعه سرائی / محمدرضا احمدی / جعفر هوشیاری

رابطه دین‌داری و کمال‌گرایی والدین با سبک فرزند‌پروری والدین.....۱۰۳

حسن شکری / محمدرضا جهانگیرزاده / علی صادقی سرشت

راهکارهای درمان اختلال خودشیفته‌مبتهی بر رویکرد شناختی-رفتاری و آموزه‌های اسلامی.....۱۲۳

حسین رادمرد / محمد صادق شجاعی

شکل گیری اختلال وسواس - اجباری طهارت و نجاست بر اساس منابع اسلامی

Formation of obsessive-compulsive disorder based on Islamic sources

حسین علی پور / کارشناس ارشد راهنمایی و مشاوره، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.
رحیم نارویی نصرتی / استادیار گروه روان شناسی مؤسسه علمی و پژوهشی امام خمینی (عج)، قم، ایران.
محمد رضا احمدی / استادیار گروه روان شناسی مؤسسه علمی و پژوهشی امام خمینی (عج)، مدیر گروه رشته روان شناسی اسلامی مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.

Hussein Alipour / Master of Guidance and Counseling, Institute of Higher Education, Ethics and Education, Qom, Iran. h.alipour555@gmail.com

Rahim Narouei Nosrati / Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Scientific and Research Institute, Qom, Iran.

Muhammad Reza Ahmadi / Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Scientific and Research Institute, Director of the Department of Islamic Psychology, Institute of Higher Education, Ethics and Education, Qom, Iran.

ABSTRACT

This study was carried out entitled 'The Study of the Obsessive-Compulsive Disorder of Ritual Ablution (Taharat and Nejasat) and Its Therapeutic Ways Based on Islamic Sources'. In order to achieve the aims of the study, it was done through the descriptive-analytical method; after the compilation, formulation, classification, summarization, and explanation of the concept, the collected data was divided into manageable and interpretable parts.

The findings showed that the obsessive-compulsive disorder is one in which the people suffering from it confront with a lot of stubborn thoughts, and it makes them do some jobs repeatedly. There are some theories on the obsessive-compulsive disorder in psychology. The main theories on the etiology and therapeutic ways of this disorder include (1) biological theory, (2) the theory of Janet and psychoanalytic theory, (3) behavioral theory, (4) cognitive theory, and (5) technical eclectic theory. These theories are useful for the treatment of manifestations of the

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی چگونگی شکل گیری اختلال وسواس - اجباری طهارت و نجاست بر اساس منابع اسلامی است. بدین منظور این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شد که پس از طی فرایند منبع شناسی و دسته بندی منابع و سپس تدوین، تنظیم، طبقه بندی، تلخیص و بیان مفهوم انبوهی از داده های گردآوری شده از این منابع و کاهش آنها به بخش های قابل کنترل و تفسیر، مبانی نظری این اختلال از منابع اسلامی استخراج شده و در مرحله بعد از مبانی نظری به دست آمده، چرخه شکل گیری این اختلال به دست آمد.

disorder. The manifestations of obsessive-compulsive disorder are cleaning, checking, primary obsessive slowness, mixed rituals, ritual ablutions. Among Islamic religious communities, there is a less obsessive disorders in cleanliness, and in the Islamic societies, there is a cleaning obsessive disorder in the ritual ablutions. Some materials were considered Najis (impure) in Islam. According to Islamic rulings, being Najis is different from being dirty; that is, to worship, a Muslim person should be free from Nejasat. The unawareness of the delicacies of this religious belief causes some people suffer from the obsessive-compulsive disorder of the ablutions. This study examines the Islamic approach to the obsessive-compulsive disorder of the ablutions in the fields of etiology and diagnostic criteria and therapeutic ways.

Keywords: obsessive-compulsive, Taharat, Najasat, Islamic sources.

یافته‌های پژوهش نشان داد که بر اساس منابع اسلامی این اختلال دارای چرخه شکل‌گیری شش مرحله‌ای بدین ترتیب است: ۱. قرار گرفتن در موقعیت وسواس - اجباری طهارت و نجاست؛ ۲. انتخاب؛ ۳. وسوسه و اضطراب؛ ۴. تمایل به وسواس؛ ۵. انجام عمل وسواسی؛ ۶. بازگشت به ابتدای چرخه و قرار گرفتن در موقعیت وسواس - اجباری طهارت و نجاست.

کلیدواژه‌ها: شکل‌گیری، وسواس - اجباری، طهارت و نجاست، منابع اسلامی.

مقدمه

اختلال وسواس - اجباری^۱ با وسواس فکری یا عملی یا هر دو مشخص می‌شود. وسواس‌های فکری شامل افکار، تمایلات یا تصورات مکرر و پایداری هستند که به شکل مزاحم و ناخواسته تجربه می‌شوند، حال آنکه وسواس‌های عملی (اجبارها)، رفتارهای تکراری یا فعالیت‌های ذهنی تکراری هستند که فرد احساس می‌کند باید آنها را در پاسخ به یک وسواس فکری یا بر طبق قوانینی که باید به دقت اجرا شوند، انجام دهد (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۹۴، ص ۲۵۳).

وسواس‌های عملی به صورت‌های بسیاری از جمله موارد ذیل نمودار می‌شوند:

۱. وسواس - اجباری‌های پاکیزگی.^۲

۲. آیین واریسی.^۳

1 Obsessive-compulsive disorder.

2. Cleaning compulsions.

3. Checking rituals.

۳. اعمال ذهنی^۱.

۴. آیین‌های ترکیبی^۲ (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۸۱، ص ۶۸۷؛ استکتی و پیگت، ۱۳۸۹، ص ۵۷-۵۹).

تا پایان سال ۱۹۸۰ دانشمندان گمان می‌کردند اختلال وسواس - اجباری، اختلالی نادر است. ولی تحقیقات در حوزه‌های تحت پوشش همه‌گیرشناسی، در خارج و داخل ایالت متحده نشان داد که وسواس - اجباری تا دو برابر اختلال وحشت‌زدگی بدون وسعت‌هراسی شیوع دارد (ناروئی نصرتی، ۱۳۸۸، ص ۳۴-۳۵). این اختلال بیشتر در نوجوانی و جوانی شروع می‌شود، هر چند ممکن است در کودکان نیز دیده شود. شیوع آن در هر دو جنسیت مرد و زن یکسان است. بیماران مبتلا به اختلال وسواس - اجباری معمولاً هوشی بالاتر از حد متوسط دارند (پورافکاری، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۰۲۱).

طبق تخمین برخی از پژوهشگران، اختلال وسواس - اجباری در ده درصد از بیماران سرپایی مطب‌ها و درمانگاه‌های روان‌پزشکی یافت می‌شود. اختلال وسواس - اجباری چهارمین بیماری روان‌پزشکی پس از فوبیا، اختلال‌های مرتبط با مواد و اختلال افسردگی اساسی است. طبق بررسی‌های همه‌گیرشناسی انجام شده در اروپا، آسیا و آفریقا ثابت شده که این ارقام در تمام حوزه‌های فرهنگی یکسان است (سادوک و سادوک، ۱۳۹۰، ص ۱۸۲). در نتیجه این اختلال یکی از شایع‌ترین اختلال‌ها در دنیاست. از سوی دیگر نمود پاکیزگی شایع‌تر می‌باشد (سادوک و سادوک، ۱۳۹۰، ص ۱۸۷).

در مورد سبب‌شناسی این اختلال شاید قدیمی‌ترین نظر مربوط به قرن پنجم قبل از میلاد باشد. بقراط این باور یونانیان را که خدایان بیماری‌های جسمانی و اختلال‌های روانی شدید را به عنوان عذاب بندگان سرکش فرو می‌فرستند، رد کرد و اعلام داشت این بیماری‌ها علل طبیعی دارند (ناروئی نصرتی، ۱۳۸۸، ص ۴۸).

اخیراً وراثت، به صورت یکی از مهم‌ترین زمینه‌های پژوهش در وسواس درآمده است (سادوک و سادوک، ۱۳۹۰، ص ۱۸۳؛ هالجین و ویتبورن، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۹۵). اگرچه ژن یا ژن‌های مخصوصی در ارتباط با وسواس، آن‌گونه که مورد تأیید همه محققان باشد، معرفی نشده است. طبق محتوای اولیه وسواس‌ها ممکن است مناطق مغزی که نیاکان ما را به

1 . Compulsive thought alone.

2 . Mixed rituals.

نظافت کردن و واری کردن وامی داشتند، همان مناطقی باشند که در وسواس - اجباری مختل می‌شوند (سادوک و سادوک، ۱۳۸۹، ص ۱۸۳).

سه دیدگاه زیستی که یکی از آنها با ارزیابی ساختار و کارکرد مغز به تغییر در مغز افراد وسواسی خبر می‌دهد (سلیگمن، والکر و روزنهان، ۱۳۸۹، ص ۲۲۷؛ سادوک و سادوک، ۱۳۸۹، ص ۱۸۳)؛ دیگری اختلال وسواس - اجباری را به سطح پایین فعالیت سروتونین نسبت می‌دهد (دادستان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۶۶-۱۶۷؛ سادوک و سادوک، ۱۳۸۹، ص ۱۸۲) و سومی آن را به نوعی افزایش کنش‌وری در ناحیه‌هایی از مغز وابسته می‌سازد، می‌توانند با یکدیگر پیوند یابند (دادستان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۶۷). لذا از دهه ۱۹۸۰ به بعد، محققان بر روی این ناپهنجاری‌های نورویولوژیک به عنوان مشخصه وسواس توافق کردند (استکتی و پیگت، ۱۳۸۹، ص ۷۶).

در نظریه روان‌تحلیل‌گری، اعتقاد بر این است که وسواس به علت تضادهای روان‌شناختی ناخودآگاه شکل می‌گیرد (سلیگمن، والکر و روزنهان، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۲۴-۲۲۵؛ شمس، ۱۳۸۸، ص ۴۲-۴۳).

به نظر ژانه^۱ اختلال اصلی در مبتلایان به وسواس کاهش انرژی روانی آنها به صورت مرضی می‌باشد، کاهش انرژی روانی فروپاشی سازمان کارکردهای روان را که به طور معمول جریان دارد، به وجود می‌آورد. این فروپاشی عالی‌ترین کارکردهای روان به خصوص اراده و توجه را دچار اختلال می‌کند. وقتی این کارکردهای عالی روان دچار اختلال شده یا از بین می‌روند، کارکردهای سطح پایین‌تر، جنبی و ابتدایی‌تر روان به ویژه هیجانانگیز به همراه همبسته‌های روانی، امعائی و احشائی و حرکتی آنها از کنترل خارج می‌شوند (ناروئی نصرتی، ۱۳۸۸، ص ۵۲-۵۳).

طبق نظریه رفتاری فکری وسواسی محرک‌های شرطی هستند، یک محرک نسبتاً خنثی از طریق فرایند شرطی شدن پاسخگر^۲ و با جفت شدن با رخدادهایی که طبیعتاً مضر و اضطراب‌برانگیز هستند با ترس و اضطراب پیوستگی پیدا می‌کند. شخص درمی‌یابد که عمل خاصی موجب کاهش اضطراب وابسته به یک فکر وسواسی می‌گردد. رهایی و آرامش حاصل از رفع اضطراب که به عنوان سائق منفی عمل می‌شود. تدریجاً این عمل به علت

1 Janet.

2 . Respondent conditioning.

کاهش یک سائق دردناک ثانوی (اضطراب) به صورت یک الگوی رفتاری آموخته شده ثابت در می‌آید (سادوک و سادوک، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۰۶).

نظریه شناختی روی الگوهای تفکر ناسازگارانه تأکید می‌کند و اعلام می‌دارد که این الگوها در ایجاد و ادامه نشانه‌های وسواس - اجباری دخالت دارند. افراد مبتلا به وسواس - اجباری گرایش دارند به رویدادهای اضطراب‌آور در محیطشان واکنش افراطی نشان دهند (هالچین و ویتبورن، ۱۳۸۹، ص ۲۹۶؛ استکتی و پیگت، ۱۳۸۹، ص ۵۰). در نظریه شناختی اعتقاد بر این است که عامل اصلی تداوم اختلال وسواس در خطاها و شیوه‌های نادرست ارزیابی افکار مزاحم نادرست و تلاش بیهوده در جهت کنترل آنهاست (شمس، ۱۳۸۸، ص ۵۸-۵۹).

اندیشمندان اسلامی نیز در زمینه اسباب ایجاد وسواس نظراتی مطرح کرده‌اند. گیلانی (۱۰۸۷) ریشه وسواس را با توجه به تعالیم قرآن و روایات، شیطان و القانات شیطانی بیان می‌دارد. این قول را اکثر اندیشمندان اسلامی نیز مطرح کردند که شاید علتش تصریحات قرآن و روایات بر این موضوع باشد. احمد نراقی (۱۲۴۵ق) سبب داخلی جربزه، را هم اضافه کرد. حجازی (۱۳۸۶ق) توارث، سن خاص، نوع جنسیتی، عوامل محیطی، شغل، تصادفات جسمی، تشنج اعصاب، اعتماد شدید به غیر، هیجان دموی با اختلاط ذهن، و عدم سلامت عقل را به عنوان اسباب وسواس مطرح کرد. زمانی (۱۳۶۸) اضطراب روحی، ضعف مزاجی، عدم اعتدال و عدم علم به وظایف شرعی را به عنوان اسباب وسواس مطرح کرد. ارگانی بهبهانی (۱۳۷۶) همکاری قوه تخیل با شیطان، بعضی از امراض جسمی که در گذشته در اثر بعضی بیماری‌ها عارض شده، وابستگی کودکان به والدین و عدم اعتماد به نفس را به عنوان اسباب وسواس مطرح کرده است. صالح مدرسه‌ای (۱۳۷۷) ضعف ایمان و کوچک شمردن وسواس را مطرح کرد. فقیهی (۱۳۸۲) توجه افراطی به غرائز و عدم رشد عقلانی را اضافه کرد. شاکر اردکانی (۱۳۸۴) شک و دودلی را مطرح کرد که شیطان فقط به این عامل درونی دامن می‌زند. رئوفی (۱۳۸۷) احتیاط در مواردی که یقین به طهارت چیزی وجود دارد را افزود. مظاهری (۱۳۸۸) تبدیل شدن جهل متردد (شک) به حالت در انسان را سبب وسواس می‌داند. و در پایان ناروئی نصرتی (۱۳۸۸) قائل است وسواس بر اثر واحدهای ایمانی تردیدآمیز و توهمی به عنوان واحدهای ایمانی صحیح آغاز می‌شود و با عمل به آنها روان دگرگون می‌گردد و به وجودی تبدیل می‌شود که در اصطلاح تخصصی گویند فرد دچار وسواس می‌باشد، لذا با توجه به این سبب‌شناسی طرح جامع خودیابی اسلامی در درمان

وسواس - ناخودداری را برای درمان ارائه می‌دهند که شعار آن این است که «ایمان بیاور، عمل کن، انکار کن (کفر بورز) و اجتناب کن تا روزبه‌روز سالم‌تر شوی»، و این چهار جمله را شعار تمام عیار این درمان می‌دانند که از اصلی‌ترین آموزه‌های دینی به ویژه آموزه‌های اسلام حاصل شده است. بنابراین در مورد وسواس - اجباری طهارت و نجاست که نمودی از وسواس - اجباری است اندیشمندان اسلامی این عوامل را به عنوان سبب مطرح نمودند. در این بین برخی از اندیشمندان از جمله فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۱) و محمدمهدی نراقی (متوفی ۱۱۶۹) در زمینه سبب‌شناسی وسواس قائل به مراحل متصل می‌باشند، این دو اندیشمند قائلند: «قلب مانند آینه‌ای است که هر تصویری را منعکس می‌کند و از طرفی راه‌های ورودی قلب عبارت‌اند از: ظاهری و باطنی؛ راه‌های ظاهری حواس پنج‌گانه‌اند و راه‌های باطنی خیال و شهوت و غضب و اخلاق مرکب در مزاج می‌باشند. و قلب دائماً در حال تأثر از این اسباب است. خاص‌ترین اثری که در قلب ایجاد می‌شود خواطرند؛ خواطر از اذکار و افکار در قلب عارض می‌شود. خواطر رغبت را تحریک می‌کنند، رغبت عزم را و عزم نیت را و نیت اعضای بدن را. خواطری که رغبت را تحریک می‌کنند دو قسمند: دعوت‌کننده به خیر و دعوت‌کننده به شر. این خواطر حادثند و نیاز به سبب دارند و چون حوادث مختلفی‌ند پس سبب آنها نیز مختلف است. سبب خواطر دعوت‌کننده به خیر فرشته و سبب خواطر دعوت‌کننده به شر شیطان است. قلب بر اساس نوع خلقتش قابلیت پذیرش هر دو دعوت را به‌طور مساوری دارد؛ ترجیح هر کدام از دو دعوت بستگی به پیروی از هوی و هوس یا عدم پیروی از آن دارد؛ یعنی اگر از شهوت و غضب پیروی کرد قلب مرتع شیطان می‌شود و اگر مقابله کرد محل فرشتگان می‌شود. خواطر دعوت‌کننده به خیر الهام و خواطر دعوت‌کننده به شر وسواس نام دارند منتهی مشکل این‌جاست که یکی از حیل‌های شیطان این است که بعضی از خواطر را که در واقع دعوت‌کننده به شر هستند طوری جلوه می‌دهد که شخص خیال می‌کند دعوت‌کننده به خیر هستند و شیطان هم اکثر افراد را از این طریق به زمین می‌زند. لذا فرد باید هر خاطری که به ذهنش می‌آید توقف کند تا بداند که از ناحیه فرشته است یا از ناحیه شیطان و باید با نور بصیرت و تقوا بنگرد نه با هوی و هوس و فقط با نور تقوی است که می‌تواند پی‌ببرد که از کدام خواطر است. و اینکه فرد از کثرت وسواس نجات پیدا نمی‌کند مگر اینکه جلوی درهای خواطر را سد کند چه درهای بیرونی که حواس باشند و چه درهای درونی که شهوت و غضب و علائق باشند» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۴۷-۵۹)؛

نراقی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۷۸-۱۸۶). امام خمینی علیه السلام هم قائل به مراحل متصل است که البته با نگاه قبل متفاوت است. ایشان قائلند: «قلب انسانی لطیفه‌ای است که متوسط است بین عالم دنیا و آخرت. یک وجهه آن به عالم دنیا است، و بدان وجهه تعمیر این عالم کند، و یک وجهه آن به عالم آخرت و غیب است، و بدان وجهه تعمیر عالم آخرت و ملکوت نماید. صور دنیاییه از مدارک حسیه ظاهریه و بعضی مدارک باطنه، مثل خیال و وهم، در آن انعکاس پیدا کند، و صور اخروییه از باطن عقل و سرّ قلب در آن انعکاس پیدا کند. و اگر وجهه دنیاییه قلب قوّت گرفت و توجه آن یکسره به تعمیر دنیا شد و همش منحصر شد در دنیا و مستغرق شد در ملاذّ بطن و فرج و سایر مشتتهیات و ملاذّ دنیاییه، به واسطه این توجه باطن خیال مناسبتی پیدا کند به ملکوت سفلی که به منزله ظلّ ظلمانی عالم ملک و طبیعت است و عالم جنّ و شیاطین و نفوس خبیثه است. و به واسطه این تناسب القائاتی که در آن شود القائات شیطانیه است، و آن القائات منشأ تخیلات باطله و اوهام خبیثه گردد. و نفس چون بالجمله توجه به دنیا دارد، اشتیاق به آن تخیلات باطله پیدا کند و عزم و اراده نیز تابع آن گردد و یکسره جمیع اعمال قلبیه و قالبیه از سنخ اعمال شیطانیه گردد، از قبیل وسوسه و شک و تردید و اوهام و خیالات باطله، و ارادات بر طبق آن در ملک بدن کارگر گردد. و اعمال بدنیّه نیز بر طبق صور باطنیه قلب گردد، چه که اعمال عکس و مثال ارادات، و آنها مثال و عکس اوهام، و آنها عکس وجهه قلوب است، پس، چون وجهه قلب به عالم شیطان بوده، القائات در آن از سنخ جهالات مرکبه شیطانیه گردد، و در نتیجه از باطن ذات وسوسه و شک و شرک و شبهات باطله طلوع کرده تا ملک بدن سرایت کند» (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸، ص ۳۹۹-۴۰۰).

بنابراین هر چند این سه اندیشمند در مقام بیان اسباب ایجاد اختلال وسواس - اجباری طهارت و نجاست نیستند، اما از بیان ایشان به طور ضمنی و کلی مستفاد است که ایشان قائلند اسباب متعددی با هم رابطه دارند و هر کدام در موضعی به خصوص و در مرحله‌ای خاص و به طور مرتبط و متصل وارد عمل می‌شود تا این اختلال ایجاد شود.

در کشور ایران و به‌ویژه در میان جمعیت‌های مذهبی، این نمود به شکل پاکیزگی کمتر وجود دارد و اغلب به شکل طهارت و نجاست می‌باشد (نارویی نصرتی، ۱۳۸۸، ص ۲۹). این مسئله به‌خاطر این است که جامعه ایران اسلامی است و بالطبع مردم به رعایت موازین اسلامی می‌پردازند که از جمله مهمترین موازین اسلامی عبادات است که بدون رعایت طهارت و نجاست ورود به بسیاری از آنها ممکن نیست. و چون عده‌ای از مردم به‌خاطر عدم

درک صحیح و کامل دستورات شرع و نیز برخی عوامل دیگر گرفتار وسواس - اجباری در این حیطه شده‌اند.

و از طرفی با اینکه اندیشمندان در زمینه وسواس - اجباری بر اساس منابع اسلامی آثاری تدوین کرده‌اند ولی در ارتباط با نمود خاص وسواس - اجباری طهارت و نجاست، پژوهش مستقلی ارائه نداده‌اند، و به علاوه برخی از ایشان مطالبی هم که ارائه کرده‌اند با بررسی کامل آموزه‌های اسلامی در مورد اختلال وسواس - اجباری نبوده است، بلکه به خاطر مشابهت اسمی که بین اسم این اختلال با کلمه وسواس مذکور در منابع اسلامی وجود دارد، این اختلال را مساوی با آن گرفته‌اند و این تشابه اسمی سبب شده که اختلال وسواس - اجباری با وسوسه‌های شیطانی مشتبه شود (مظاهری، ۱۳۹۲، ص ۱۱؛ شاکر اردکانی، ۱۳۸۴، ص ۲۴)، و در نتیجه مطالب و راهکارهایی را در راستای مقابله با همین وسواس برای کمک به افراد دچار اختلال وسواس با استفاده از منابع اسلامی مطرح کرده‌اند (مظاهری، ۱۳۹۲، ص ۲۸؛ شاکر اردکانی، ۱۳۸۴، ص ۲۸). در نتیجه به طور کامل و خاص به این نمود از این اختلال بر اساس منابع اسلامی نپرداخته‌اند.

این نکته هم شایان توجه است که مراجعین مذهبی به خاطر مذهبی بودن، با تکنیک‌ها و راهکارهای مذهبی بهتر ارتباط برقرار می‌کنند و اگر راهکارهایی بر اساس منابع اسلامی استخراج شود در درمان ایشان بسیار کمک‌کننده خواهد بود.

با توجه به مطالب مذکور، پژوهش در مورد چیستی و علل این نمود بر اساس منابع اسلامی ضرورت می‌یابد تا بتوان به کمک آن راهکارهای درمانی را از منابع اسلامی استخراج نمود. بنابر آنچه مطرح شد پژوهشگر بنا دارد در این پژوهش به بررسی شکل‌گیری این اختلال بر اساس منابع اسلامی بپردازد.

روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شد که پژوهشگر پس از طی فرایند تدوین، تنظیم، طبقه‌بندی، تلخیص و بیان مفهوم انبوهی از داده‌های گردآوری شده، با کاهش آنها، به بخش‌های قابل کنترل و تفسیر دست یافت (هومن، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶). پژوهشگر به گونه نظام‌دار، هرگونه موضوعات عمده، مسائل یا درونمایه‌های عمده‌ای را که در سوابق وجود دارد اعم از کتب آسیب‌شناسی روانی و کتب تدوین شده در زمینه وسواس و مقالات

و پایان‌نامه‌ها و رساله‌های علمی و منابع اسلامی اعم از آیات و روایات استخراج کرد، که البته در استخراج از نرم‌افزارهای رایانه‌ای نیز بهره برد. بعد از استخراج و دسته‌بندی منابع و بررسی پیشینه پژوهش در دومین گام، به رمزگذاری هرگونه الگوی نظام‌دار در یادداشت‌ها و ملاحظه انجام تحلیل محتوای عمیق آنها پرداخت. آنگاه با سنجش امکانات معنایی متن از میان آنها بر اساس شواهد و دلایل کافی، معنای متعین یا مرجح را برگزید، و در ادامه با به‌کارگیری استدلال و استفاده از صورت‌های منطقی و قیاسی به استدلال پرداخت و در نهایت به کشف مشروط واقع در زمینه نظر اسلام در مورد مبانی نظری این مسئله و سپس سبب‌شناسی پرداخت (علی‌پور و حسنی، ۱۳۹۰، ص ۷۲).

یافته‌های پژوهش

از آنجا که پرسش اساسی این پژوهش بررسی سبب‌شناسی اختلال وسواس - اجباری طهارت و نجاست می‌باشد، یافته‌های پژوهش به بررسی این مسئله می‌پردازد. یافته‌های پژوهشگر در زمینه سبب‌شناسی و تبیین شکل‌گیری این اختلال منوط به بیان مبانی آن بر اساس منابع اسلامی می‌باشد، بنابراین پژوهشگر در ذیل به تبیین این مبانی از نظر منابع اسلامی می‌پردازد:

۱- دو ساحتی بودن انسان

از نظر اسلام انسان موجودی مرکب از روح و بدن می‌باشد. روح و بدن دو واقعیت و جوهر مجزای از همدیگر می‌باشند (طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۷-۲۱). بدن به واسطه مرگ تدریجاً متلاشی می‌شود ولی روح این‌گونه نیست. حیات بالاصاله از آن روح است و تا روح به بدن متعلق است، بدن نیز از وی کسب حیات می‌کند و هنگامی که روح علقه خود را برید بدن از کار می‌افتد و «روح» همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۷-۲۱۸).

۲- اختیار انسان از جمله قابلیت‌های قلب

در منابع اسلامی روح به صورت مجازی، «قلب» نامیده شده است، آیه «خدا شما را به سوگندهای بیهوده‌تان بازخواست نمی‌کند ولی به آنچه قلب‌هایتان مرتکب شده مؤاخذه می‌نماید، و خدا آمرزنده و بردبار است»^۱، از شواهدی است که دلالت می‌کند بر اینکه مراد

۱. لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ فَلَوْلَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (بقره، ۲۲۵).

از قلب خود آدمی یعنی خویشتن او و نفس و روح او است، چون مُدرک واقعی خود انسان است و درک خود یکی از مصادیق کسب و اکتساب است، که جز به خود انسان نسبت داده نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۳۷). از جمله قابلیت‌های قلب انسان اختیار است. برای اینکه آدمی بتواند چیزی را انتخاب کند، شرایطی لازم است که نخستین آن، این است که موضوعات مورد انتخاب را «بشناسد» (مصباح، ۱۳۸۸، ج ۱/۱-۳، ۲، ص ۳۸۷-۳۸۸). در قرآن کریم در آیه دوم سوره انسان پس از ذکر آفرینش آدمی از نطفه آمیخته، به حکمت این آفرینش و هدف آن که مورد آزمایش قرار گرفتن اوست، اشاره می‌کند؛ یعنی بر سر چند راه قرار می‌گیرد تا زمینه برای «ابتلاء» و انجام مسئولیت وی، فراهم گردد. سپس می‌فرماید: به او توان ادراک دادیم، او را شنوا و دانا آفریدیم. با توجه به ربط این کلمات، در می‌یابیم که برای «ابتلاء» سمع و بصر لازم است. به هر حال، این نکته از آیه برمی‌آید که: برای اینکه انسان مورد آزمایش قرار گیرد، و هدف آفرینش وی در این جهان تأمین شود، باید دارای قدرت شناخت باشد؛ دیگر اینکه گرایش‌های متضادی در زمینه آن موضوعات داشته باشد تا زمینه‌ای برای انتخاب و اختیار، فراهم شود؛ سوم اینکه قدرت انتخاب داشته باشد تا بین گرایش‌های متضاد، یکی را انتخاب کند. بنابراین حرکت اختیاری انسان، مبتنی بر سه امر میل، آگاهی و قدرت است. این مثلث، زمینه را برای اختیار انسان فراهم می‌کند.

در انسان ممکن است چند خواست بیدار باشد و انسان بتواند به همه آنها پاسخ دهد، اما گاهی ناچار است میلی را بر دیگری برگزیند؛ یعنی انسان «توانایی و قدرت گزینش» دارد. گزینش در جایی مطرح می‌گردد که چند خواست متعارض در مقام ارضاء وجود داشته باشد و انسان مجبور باشد یکی را ارضاء و دیگری را فدای آن کند. انسان توانایی دارد که در برابر میل‌های درونی خود ایستادگی کند و فرمان آنها را اجرا نکند (مصباح، ۱۳۸۸، ج ۱/۱-۳، ۲، ۱، ص ۴۱۴-۴۱۶). این توانایی را انسان به حکم یک نیروی دیگر دارد که از آن به «اراده» تعبیر می‌شود (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۲۵-۲۷). در اینجا برای مقدم شدن یکی بر دیگری، عوامل گوناگونی مؤثر است و مهم‌تر از همه، عامل «شناخت» و «آگاهی» می‌باشد. در تعارض دو خواست، به‌طور طبیعی آنکه راحت‌تر یا رجحانی دارد برگزیده می‌شود، اما گاهی در اینکه کدام یک واقعاً رجحان دارد، دچار تردید می‌شود و ممکن است اشتباه کند و آنکه واقعاً رجحان دارد را انتخاب نکند، در اینجا اهمیت «شناخت» معلوم می‌گردد تا آدمی بتواند به‌کمک آن تلاش کند بین خواست‌هایی که بر زندگی‌اش اثر می‌گذارد مراتبی را قائل شود و

رجحان و اهمیت برخی را نسبت به برخی دیگر تمیز دهد تا بتواند زندگی عاقلانه‌ای داشته باشد (مصباح، ۱۳۸۸، ج ۱/۱-۳، ۱، ۲، ص ۴۱۴-۴۱۶). و اما در بحث اینکه به هنگام تضاد خواست‌ها، چه چیزی موجب ترجیح می‌شود و چه ملاکی سبب‌گزینش میلی توسط عقل و عدم‌گزینش میل دیگر می‌شود، باید گفت: «اصل انتخاب‌ها لذت است»؛ زیرا لذت‌طلبی تکویناً در خلقت انسان نهاده شده است و هدف‌نهایی و سعادت‌نهایی انسان نیز می‌باشد، که طبعاً ملاک انتخاب انسان قرار خواهد گرفت که این مطلب از آیات قرآن کریم مستفاد است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۶۸-۱۷۱) پس باید گفت: «اصل انتخاب‌ها لذت یا اجتناب از الم است» (مصباح ۱۳۸۸، ج ۱/۱-۳، ۱، ۲، ص ۴۲۲).

بنابراین انسان چون به نیروی «عقل» و «اراده» مجهز است، قادر است در مقابل میل‌ها مقاومت و ایستادگی نماید و خود را از تحت تأثیر نفوذ جبری آنها آزاد نماید و بر همه میل‌ها «حکومت» کند، انسان می‌تواند همه میل‌ها را تحت فرمان عقل قرار دهد و برای آنها جیره‌بندی کند و به هیچ میلی بیش از میزان تعیین‌شده ندهد. این توانایی بزرگ از مختصات انسان است و در هیچ حیوانی وجود ندارد و همین است که به انسان حق «انتخاب» می‌دهد و همین است که انسان را به صورت یک موجود «صاحب اختیار» درمی‌آورد. انسان آنجا که به عقل و اراده متکی می‌شود، نیروهای خویش را جمع‌وجور می‌کند و نفوذهای خارجی را قطع می‌نماید (مصباح، ۱۳۸۸، ص ۲۵-۲۷). امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «عقل صاحب لشکر خداست و هوی قائد لشکر شیطان است و نفس انسان بین این دو در حال کشیده شدن است هر کدام از این دو پیروز شد، نفس در اختیار او قرار می‌گیرد»^۱ (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ص ۵۰). این روایت اولاً به وجود امیال و جاذبه‌های متعدد درونی انسان دلالت دارد همان چیزی که زمینه اختیار و انتخاب را در انسان فراهم می‌کند و ثانیاً این قلب و نفس است که مورد کشمکش قرار می‌گیرد و اصولاً این جبهه‌گیری‌ها در انسان برای این است که نفس انتخاب کند و این انتخاب ممکن نیست مگر با داشتن قدرت انتخاب که همان اراده است؛ ثالثاً علاوه بر وسوس شیطان که از خارج وجود انسان می‌آید در درون انسان نیز چیزهایی قرار داده شده است که به سبب آنها انسان به وسوس شیطان میل می‌کند که فرمانده آنها هوی است، و هوی ضد عقل می‌باشد.

۱. العقل صاحب جيش الرحمن والهوى قائد جيش الشيطان والنفس متجاذبه بينهما، فإيهما غلب كانت في حيزه.

۳- نقش عمل اختیاری انسان در قلب

بعد از اینکه انسان اراده کرد، در اینجا عمل و رفتار از انسان حتماً سر می‌زند و عمل حتمی است. وقتی از امام رضا علیه السلام در مورد مشیت و اراده پرسیده شد حضرت فرمودند: «مشیت اهتمام به چیزی است و اراده اتمام آن چیز است»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۸، ص ۳۵۵). بنابراین بین اراده و سر زدن عمل و رفتار فاصله‌ای نیست، انسان تا اراده کرد عمل رخ می‌دهد. از طرف دیگر عمل و رفتار اثرپذیری را تشدید می‌کند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «کسی که عملی کند به سوی آنچه عمل کرده است مشتاق می‌شود»^۲ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۵۲). بنابراین عمل به انگیزه و میلی که مورد تشویق خواطر شر بود شوق به انجام آن عمل را بیشتر می‌کند و عمل به انگیزه و میلی که مورد تشویق خواطر خیر بود شوق به انجام آن عمل را نیز تشدید می‌کند. لذا قلب بر اثر عمل دگرگونی بیشتری می‌یابد ولی درست در مسیر قضاوتی که در وقت عمل در قلب وجود دارد (ناروئی نصرتی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۵-۱۱۶). بنابراین در بحث ما یعنی وسواس - اجباری طهارت و نجاست نیز همین مسئله اتفاق می‌افتد و وقتی شخص اعمال اجباری مثل طهارت گرفتن را انجام داد نسبت به انجام دوباره آن احساس شوق می‌کند و گویا میل به انجام دوباره تشدید می‌شود.

۴- تأثیرپذیری قلب

قلب انسان قابلیت تأثر و تغییر و انقلاب دارد، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «قلب را در حقیقت به خاطر این قلب نامیده‌اند، که منقلب و دگرگون می‌شود، حکایت قلب حکایت پری است که در یک دشت به بیخ درختی آویخته شده و باد آن را زیر و رو می‌کند»^۳ (الهندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۴۱)، در این روایت حضرت به صراحت به انقلاب قلب اشاره می‌کنند و با تشبیه آن به پری این مطلب را واضح‌تر می‌کنند. قلب ابتدا از طریق حواس پنج‌گانه در هنگام ارتباط با موقعیت‌ها و اشیاء خارجی متأثر می‌شود (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۴۷-۵۹). حضرت علی علیه السلام فرمودند: «قلب کتاب چشم است»^۴ (امام علی علیه السلام، ۱۳۹۳، ص ۵۲)؛ به این معنا که وقتی قلب با اشیاء خارجی از طریق چشم و حس بینایی ارتباط برقرار می‌کند، از

۱. الامام الرضا علیه السلام - لما سئل عن المشیئة والاراده -: المشیئة: الاهتمام بالشیء، والاراده: اتمام ذلك الشیء.

۲. من عمل اشتاق.

۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: انما سمی القلب من تقلبه، انما مثل القلب مثل ریشه بالفلاہ تعلقت فی اصل شجره تقلبها الريح ظهرا لبطن.

۴. القلب مصحف البصر.

آنها متأثر شده و تصاویر آنها را چون کتابی که در آن اطلاعات ثبت است در خود ثبت می‌کند. و نیز فرمودند: «قلب، چشمه حکمت است و گوش راه ورودی آن»^۱ (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ص ۶۶)؛ یعنی از طریق گوش و شنیدن است که قلب متأثر می‌شود و چشمه جوشان حکمت در آن شروع به جوشیدن می‌کند. و نیز فرمود: «قلب خزینه دار زبان است»^۲ (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ص ۶۶)؛ یعنی آنچه بر زبان جاری می‌شود از خزینه قلب سرچشمه می‌گیرد و آنچه که انسان از طریق حواسش در قلب وارد کرده و با متأثر کردن قلب آنها را ذخیره کرده است از طریق زبان به ابرازش می‌پردازد. بنابراین قلب مانند آینه‌ای است که هر تصویری را منعکس می‌کند یا مانند حوضی است که هر نهری که به آن وصل باشد آب همان نهر را در خود جای می‌دهد (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۴۷-۵۹).

۵- الهامات و وسوس قلب

بعد از برخورد قلب از طریق حواس با موقعیت‌ها و اشیاء بیرونی و تأثر از آنها، نوبت به نوع و محتوای تأثر می‌رسد. نوع تأثر قلب بستگی به خواطر و افکاری دارد که متناسب با تأثرات قلبی از موقعیت‌های بیرونی در قلب شکل گرفته است، این خواطر از خارج قلب وارد می‌شود، اگر خواطر شر باشد قلب تأثر منفی پیدا می‌کند و اگر خواطر خیر باشد قلب تأثر مثبت پیدا می‌کند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «همانا قلب دارای دو گوش است: روح ایمان در او نجوای خیر می‌کند و شیطان نجوای شر می‌کند، پس هر یک از آن دو بر دیگری پیروز شود او را مغلوب خود می‌کند»^۳ (حمیری قمی، ۱۳۵۹، ص ۱۷). بنابراین خواطر به دو قسم خوب و بد یا خیر و شر تقسیم می‌شوند که خواطری که محرک انسان به خیر است را «الهام» و خواطری که محرک انسان به شر است را «وسوسه» می‌نامند (نراقی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۲۸-۱۳۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۴۷-۵۹).

۶- شیطان عامل وسوس و خواطر شر قلب

بنابر آنچه مطرح شد عامل خواطر خیر فرشته و عامل خواطر شر شیطان است، در اختلال وسواس - اجباری طهارت و نجاست چون «اختلال» است پس شر است و عامل آن شیطان

۱. القلب ينبوع الحكمة، والاذن مغیضها.

۲. القلب خازن اللسان.

۳. ان للقلب اذنين: روح الايمان يساره بالخير، والشيطان يساره بالشر، فایهما ظهر علی صاحبه غلبه.

است. «شیطان» در معنای اصلی مفهوم وصفی دارد یعنی «شریر»، در قرآن کریم شیطان به همین معنی به کار رفته است، جز اینکه گاهی در اثر غلبه استعمال در مورد خود «ابلیس» به کار رفته است^۱ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۴۲-۴۴۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱/۱-۱/۲، ص ۲۹۷). تماس شیطان با انسان و اعمال انسان از راه تسویل و وسوسه و اغواء است؛ یعنی در فکر او القائاتی می‌کنند و در نتیجه او را گمراه می‌سازند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۷۸). دو راه از راه‌هایی که شیطان از طریق آنها القای وسوسه می‌کند:^۲ یکی «آمدن شیطان از سمت راست» است، به این معنا که وی آدمی را از راه دینداری بی‌دین می‌کند، و او را در بعضی از امور دینی وادار به افراط نموده به چیزهایی که خداوند از آدمی نخواسته تکلیف می‌کند؛ و دوم «آمدن از سمت چپ» است که منظور از «سمت چپ» بی‌دینی می‌باشد، به این معنا که فحشا و منکرات را در نظر آدمی جلوه می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۶-۳۷)، بعد این دو راه را به وسیله «زینت دادن»^۳ تقویت می‌کند، زینت دادن شیطان عمل آدمی را به این است که به وسیله تهییج عواطف درونی مربوط به آن عمل، در دل آدمی القاء می‌کند که عمل بسیار خوبی است، و در نتیجه انسان از عمل خود لذت می‌برد و قلباً آن را دوست می‌دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۲۷-۱۲۹؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۲۴). با این بیان روشن می‌شود وسواس - اجباری طهارت و نجاست از مصادیق آمدن شیطان از سمت راست است؛ به این معنا که طهارت و نجاست که از جمله آداب اسلامی است وقتی همراه با افکاری مثل وظیفه‌شناسی در واقع القای وسوسه از سمت راست شده است و وقتی همراه با افکاری مثل وظیفه‌شناسی افراطی - بیش از آنچه در شرع مقدس آمده است - در مورد طهارت گرفتن می‌شود و شخص از اینکه فکر می‌کند فرد وظیفه‌شناسی است و دارد وظیفه‌اش را بهتر انجام می‌دهد احساس لذت بردن به او دست می‌دهد که این یعنی گرفتار حيله زینت دادن شیطان شده است.

اصولاً ذات وسواس با پریشانی و اضطراب همراه است، همچنان که قرآن کریم درباره اضطراب آور بودن وسوسه شیطان می‌فرماید: «ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ»؛^۴ یعنی وسواس شیطان آزار و اذیت و اضطراب و پریشانی را دارد.

نکته مهم دیگر اینکه وسواس تمام شدنی نیست و این دلیل ادامه چرخه وسواس در

۱. كَانِ مِنَ الْحَيِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ (كهف، ۵۰).

۲ اعراف، ۱۷: «ناگهان بندگان تو را از چهار طرف محاصره می‌کنم تا از راحت به در برم».

۳. وَإِذْ زَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ (انفال، ۴۸).

۴. «فقط شیطان است که پیروان خود را می‌ترساند» (آل عمران، ۱۷۵).

شخص گرفتار به وسواس - اجباری طهارت و نجاست است. امام صادق علیه السلام فرمود: «... با شکستن نماز، شیطان پلید را به خودتان عادت ندهید که با این کار او را به طمع می‌اندازید؛ زیرا شیطان خبیث است و بدان چه عادتش دهند، عادت می‌کند...»^۱ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۳۵۸). اگرچه این روایت در مورد موضوع نماز مطرح شده است، ولی چون حضرت کلامشان را با دلیل (فان الشیطان خبیث یعتاد لما عود) همراه کردند و دلیل هم طبق قاعده قابلیت عمومیت‌دهی دارد، لذا موارد دیگر از جمله وسواس - اجباری طهارت و نجاست را شامل می‌شود. به علاوه این روایت به صراحت یکی از عوامل استمرار وسوسه شیطان را مطرح می‌کند که عادت شیطان است به آن چیزی که عادتش دهند.

۷- تحریک‌پذیری انسان در موقعیت هیجان‌زا

در قرآن کریم جریان حضرت موسی علیه السلام آمده است که وقتی از کوه طور برمی‌گشت خداوند متعال به او خبر داد که قومش گوساله‌پرست شده‌اند و اینجا صحبتی از غضب و اندوه ایشان نشده است،^۲ ولی وقتی آمد و با موقعیت مواجه شد و دید که قومش گوساله‌پرست شدند بسیار عصبانی شد و الواح را انداخت و موی سر برادرش را گرفت.^۳ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند برادرم موسی را رحمت کند، شنونده مثل بیننده نیست، خداوند به او خبر داده بود که قومش دچار فتنه می‌شوند و می‌دانست که خبر خداوند راست است و الواح را به همین جهت در دست گرفته بود. همین که به سوی قوم بازگشت و آنها را بر آن حال دید، خشمگین شد و لوحه را افکند!» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۳). بنابراین اطلاع پیدا کردن به یک مطلبی غیر از مشاهده و احساس آن است، و هر کدام حکم جداگانه‌ای دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۲۵). بنابراین ظهور و بروز و مواجهه با آنچه در خارج واقع است، اثر هیجانی شدیدتری دارد. در بحث ما یعنی وسواس - اجباری طهارت و نجاست

۱. لما سئل عن كثرة شك الرجل في عدد الركعات حتى لا يدري كم صلى ولا ما بقي عليه: يعيد، قلنا له: فانه يكثر عليه ذلك كلما عاد شك؟ قال: بئس في شكه. ثم قال: لانعودا الخبيث من انفسكم بنقض الصلاه فطمعوه، فان الشيطان خبيث يعتاد لما عود، فليمض احدكم في الوهم، ولا يكثرن نقض الصلاه، فانه اذا فعل ذلك مرات لم يعد اليه الشك. قال زرار: ثم قال: انما يريد الخبيث ان يطاع، فاذا عصي لم يعد الي احدكم.

۲. قَالَ قَائِلًا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَصْلَهُمُ السَّامِرِيُّ؛ «خداوند متعال فرمود: ما قوم تو را بعد از تو، آزمودیم و سامری آنها را همراه ساخت» (طه، ۸۵).

۳. وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسْفًا قَالَ بِنُصْرَةِ خَلْفَتُنِي مِنْ بَعْدِي أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَاللَّيْلِ الْأَلْوَحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ؛ «و هنگامی که موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت، گفت: پس از من، بد جانشینانی برابم بودید، آیا در مورد فرمان پروردگارتان عجله نمودید؟ سپس الواح را افکند و سر برادر خور را گرفت و با عصبانیت به سوی خود کشید» (اعراف، ۱۵۰).

نیز این مسئله جاری است. بنابراین موقعیت وسواسی، اضطراب و پریشانی شخص را که هیجان متناسب با وسواس است را شدیدتر می‌کند. یافته‌های این پژوهش که مستفاد از مبانی نظری مذکور است، گویای این حقیقت است که اسباب مختلفی سبب ایجاد این اختلال می‌شوند که این اسباب به صورت چرخه این اختلال را ایجاد و باعث استمرار آن می‌شوند که در ذیل به ذکر مراحل ایجاد و استمرار این اختلال پرداخته شده است.

مرحله اول: قرار گرفتن در موقعیت وسواس - اجباری طهارت و نجاست

وقتی شخص در موقعیت وسواسی قرار می‌گیرد، مثلاً در وقت طهارت گرفتن در دست شویی و شستن به اندازه شرعی، حداقل زمینه دو انتخاب را دارد:

مرحله دوم: انتخاب

این دو انتخاب عبارت‌اند از: ۱. دوباره بشوید؛ ۲. دوباره نشوید و به همان شسته‌اش اکتفا کنید، و شخص حکم طهارت و نجاست را صحیح و تمام و کمال ممکن است نداند و لذا در انتخاب دقیق دچار ابهام شود.

مرحله سوم: وسوسه و اضطراب

در این هنگام عامل بیرونی فعال می‌شود؛ یعنی قلبش به وسیله وسواس شیطان متأثر می‌شود و خواطر شیطانی شروع می‌شود و چون ذاتاً وسوسه با پریشانی و ترس و نگرانی همراه است، حالت نگرانی و اضطراب به انسان دست می‌دهد، محتوای وسوسه شیطان هم خواطری افراطی در مورد انجام وظیفه شرعی است؛ چرا که همان‌گونه که در مبنای ششم بیان شد شیطان از سمت راست که دین است فرد را وسوسه می‌کند و از طرفی این وسواس‌ها متناسب با موقعیت وسواسی می‌باشند؛ یعنی وسواسی از این قبیل: آیا با این شستن من، بدنم پاک شد؟ نکند بدنم پاک نشده باشد در نتیجه نماز باطل بشود؟ نکند بدنم پاک نشده باشد و خدا مرا به خاطر اینکه دستورش را انجام ندادم به جهنم ببرد؟ و از این قبیل.

مرحله چهارم: تمایل به وسواس

تا اینجا پریشانی و نگرانی ایجاد شده و شخص برای نجات از پریشانی و نگرانی ناشی از

وسواس کمی متمایل به انجام اعمال وسواسی شده است، و برای اینکه شخص تمایلش به انجام عمل وسواسی بیشتر شود انجام این عمل وسواسی طوری زینت داده می‌شود که گویا تنها عاملی که سبب نجات از نگرانی و پریشانی و اضطراب است همین عمل وسواسی است و غیر از آن نیست، و این هنر زینت دادن شیطان است که کاری که فکرش و انجامش باعث وسواس و شدت وسواس است را طوری جلوه می‌دهد که شخص وسواسی گمان می‌کند عامل نجات او از پریشانی است، لذا به آن متمایل تر می‌شود. و با افکاری چون: باید خیلی احتیاط کنم و پررنگ کردن روایات مربوط به احتیاط در موردی که محکوم به طهارت است (رئوفی، ۱۳۸۷، ص ۲) و نیز با القائاتی در مورد شخصیت فرد که مثلاً تو آدم بسیار مقیدی هستی و نسبت به دیگران تقید بیشتری داری (اسلامی نسب، ۱۳۷۸، ص ۷۳-۷۷)، توسط شیطان رنگ و لعاب و زینت پیدا می‌کند. علت اینکه اینگونه افکار از ناحیه شیطان است، جنبه افراط آن است که در مبنای ششم ذیل آمدن شیطان از سمت راست توضیح داده شد. از طرف دیگر در جنبه درونی فرد، چون ممکن است شخص وسواسی افراط‌کاری در استفاده از قوه عاقله و سوگیری افراطی در شناختن احکام دین داشته باشد - که همان صفت رذیله جریزه است - و لذا از عقلش پیروی نمی‌کند و در واقع پیروی هوای نفس در جنبه افراط می‌کند. بنابراین با سوگیری افراطی و دقت‌های اضافی و بی‌مورد (معتمدی، ۱۳۸۸، ص ۱)، فکر می‌کند با دوباره شستن دیگر خیالش راحت می‌شود که بدنش پاک شده است، در نتیجه تمایل به دوباره شستن پیدا می‌کند. علاوه بر این دو عامل، عامل سوم خود موقعیت وسواسی است که باعث تشدید هیجان نسبت به وسواس و خواطر شیطانی می‌شود و نگرانی و اضطراب و پریشانی را چند برابر می‌کند و منجر به تمایل بیشتر در انتخاب این مورد می‌شود.

این در حالی است که انتخاب دوم (یعنی عدم دوباره نشستن) چون حق است لذا موضوع وسوسه شیطان قرار نمی‌گیرد و از زینت دادن شیطان هم خبری نیست و از جنبه درونی هم با اینکه این انتخاب مطابق حکمت است و در واقع پیروی عقل و دستور شرع است، ولی چون شخص وسواسی در فکرش سوگیری افراطی در دیدن احکام دین دارد، خیلی به آن تمایلی نشان نمی‌دهد؛ چرا که نسبت به آن احساس لذت یا عدم المی هم ندارد تا به وسیله اش نگرانی‌های ناشی از وسواس را برطرف کند، هرچند واقع این است که در صورتی که این گزینه را انتخاب کند وسواس شیطان کمتر می‌شود.

مرحله پنجم: انجام عمل وسواسی

با این اوصاف شخص وسواسی انتخاب اول یعنی دوباره شستن را اراده می‌کند و اراده هم تمام کار است؛ یعنی تا اراده کرد اعمال اجباری را که دوباره شستن است بروز می‌دهد و خود انجام رفتار وسواسی شوق به عمل و رفتار وسواسی را زیادتر می‌کند.

مرحله ششم: بازگشت به ابتدای چرخه

ایجاد شوق از انجام عمل وسواسی و بالا رفتن هیجانات منفی زمینه را برای استمرار این چرخه فراهم می‌کند. و بدین ترتیب چرخه وسواس - اجباری طهارت و نجاست مطرح شده بر اساس منابع اسلامی ادامه می‌یابد.

در شکل ذیل این مراحل نمایش داده شده است:



بحث و نتیجه‌گیری

حاصل اینکه پژوهشگر پس از بررسی منابع اسلامی، به بیان مبانی نظری شکل‌گیری اختلال وسواس - اجباری طهارت و نجاست بر اساس منابع اسلامی پرداخته و هشت مبنا را استخراج کرده است، و با کمک این مبانی، چرخه شکل‌گیری و استمرار اختلال وسواس - اجباری طهارت و نجاست را بر اساس منابع اسلامی استخراج کرده است. این چرخه از شش

مرحله تشکیل شده است: ۱. قرار گرفتن در موقعیت وسواس - اجباری طهارت و نجاست؛ ۲. انتخاب؛ ۳. وسوسه و اضطراب؛ ۴. تمایل به وسواس؛ ۵. انجام عمل وسواسی؛ ۶. بازگشت به ابتدای چرخه و قرار گرفتن در موقعیت وسواس - اجباری طهارت و نجاست برای بار بعدی. از بین اندیشمندان فیض کاشانی و امام خمینی علیه السلام وسواس را به شکل مرحله به مرحله و چرخه‌ای مطرح کردند که از این نظر هماهنگ با نتایج این پژوهش است، ولی ایشان نحوه وسوسه شیطان و اثرپذیری انسان را مد نظر داشتند، درحالی‌که منظور پژوهشگر بررسی شکل‌گیری اختلال وسواس - اجباری طهارت و نجاست بوده است که با زاویه دید دیگر و با این حیثیت به پژوهش پرداخته است. البته بعضی از مراحل که ایشان مطرح کردند با نظر پژوهشگر متفاوت است؛ چرا که مبانی نظری آن مراحل را که ایشان مطرح کردند، پژوهشگر نیافت، ولی پژوهشگر بر اساس مبانی نظری که دست یافت و بیان کرد، چرخه وسواس را مطرح کرده است. محققین دیگر به یک یا چند مورد از عوامل ایجاد وسواس اشاره کرده‌اند و ترتیب و مراحل ایجاد آن را مطرح نکرده‌اند. نراقی (نراقی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۹۰، ۶۵۰) قائل است علاوه بر سبب خارجی وسواس که شیطان است، سبب داخلی وسواس در انسان جریزه است. شاکر اردکانی ریشه وسواس را شک و تردید و دودلی می‌داند و قائلند شیطان قسم خورده به شک و تردید دامن می‌زند (شاکر اردکانی، ۱۳۸۴، ص ۲۴) که با نتایج این پژوهش هماهنگ است. رثوفی گوید: وسواس از اینجا شروع می‌شود که این شیء را که محکوم به طهارت است، انسان بخواهد احتیاط نموده و آب بکشد، همین احتیاط گام اول شیطان است که برای انحراف او برداشته شده است (رثوفی، ۱۳۸۷، ص ۲۵). بنابراین ریشه بیرونی وسواس را شیطان معرفی می‌کنند که با نتایج این پژوهش هماهنگ است. معتمدی مهم‌ترین علت وسواس را ندانستن موازین شرعی و در نتیجه دقت‌های اضافی و بی‌مورد می‌داند (معتمدی، ۱۳۸۸، ص ۱) که با نتایج این پژوهش هماهنگ است. مظاهری قائل است گاهی شک برای انسان به یک حالت تبدیل می‌شود که به صاحب آن در اصطلاح فقه، «کثیرالشک» یا «شکاک» و در اصطلاح عرف «وسواسی» می‌گویند. وسوسه جهل مرکب است و یکی از راه‌های شیطان برای گمراه کردن مقدسین است (مظاهری، ۱۳۹۲، ص ۱۰-۱۲) که با نتایج این پژوهش هماهنگ است.

زمانی برای پیدایش وسواس عوامل مختلفی را مطرح می‌کند که عبارت‌اند از: شیطان، اضطراب روحی خود شخص، ضعف مزاجی شخص، عدم اعتدال و عدم علم (زمانی، ۱۳۸۷،

ص ۲۹-۷۸)، اگرچه بعضی از آنها مانند شیطان و عدم اعتدال با نتایج این پژوهش هماهنگ است، ولی پژوهشگر با بعضی از آنها از جمله ضعف مزاجی موافق نیست؛ چرا که دلیلی برای آن نیآورده‌اند و پژوهشگر هم نیافته است. ارگانی بهبهانی سبب وسواس را همکاری قوه تخیل با شیطان می‌داند به علاوه وراثت، سنین [خاصی از عمر]، نوع از نظر زن و مرد [نوجوان - جوان - میان سال و غیره]، عوامل مؤثر در محیط‌زیست و نوع کار و موادی که مبتلایان با آن سر و کار دارند، مثل مواد شیمیایی و معدنی و گازی که روی جسم و عقل اثر می‌گذارد، امراض جسمی و عقلی که در گذشته و دوران طفولیت در اثر بعضی بیماری‌ها و تب‌ها عارض شده است، وابستگی کودکان به والدین و اعتماد به نفس پایین (ارگانی بهبهانی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۷) را فقط نام می‌برد و هیچ بحثی در اثبات سببیت آنها نمی‌کنند که بعضی از آنها با نتایج این پژوهش موافق است و مواردی هم که مخالف است صرفاً نام برده شده و هیچ بحثی و دلیلی برای آنها اقامه نشده، لذا مورد پذیرش پژوهشگر نیست. صالح مدرسه‌ای ضعف ایمان و کوچک شمردن وسواس را سبب وسواس می‌داند (صالح مدرسه‌ای، ۱۳۷۷، ص ۲۲)، البته دلیلی نمی‌آورد. لذا پژوهشگر چون دلیلی بر سببیت آنها نیافت با آنها مخالف است. فقیهی وجود اضطراب (حالات شدید روحی)، اختلالات جسمی (مانند سوء هاضمه)، توجه افراطی به غرائز (شهوات و امیال کاذب)، عدم رشد عقلی، ضعف اراده و عدم اعتماد به نفس را فقط نام می‌برند (فقیهی، ۱۳۸۹، ص ۲۵) که پژوهشگر چون دلیلی بر سببیت مواردی که موافق این پژوهش نیست نیافت، لذا با آنها مخالف است. حجازی منشأ وسواس را توارث، سن خاص، نوع، عوامل محیط، شغل، تصادفات جسمی، تشنج اعصاب، اعتماد شدید به غیر، هیجان دموی با اختلاط ذهن، اشارات شیطان، عدم سلامت عقل، اعتماد شدید داشتن به غیر را نام می‌برد و توضیح مختصری می‌دهد ولی صحت یا سقم آنها را بررسی نمی‌کند (حجازی، ۱۳۶۶، ص ۲۲) که البته بعضی از آنها که با نتایج این پژوهش موافق است و مواردی که موافق نیست، چون استدلالی بر سببیت آنها اقامه نشده است، لذا مورد پذیرش پژوهشگر نیست.

منابع

- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (۱۳۹۳)، قم: امیرالمؤمنین (ع).
- ارگانی بهبهانی، محمود (۱۳۷۹)، شناخت و درمان وسوسه و وسواس در اسلام، قم: مجمع ذخائر اسلامی.

- استکتی، گیل و بیگت، تریزا (۱۳۸۹)، *اختلال وسواس (جدیدترین راهبردهای ارزیابی و درمانی)*، ترجمه حبیب‌الله قاسم‌زاده، ۱۳۸۹، تهران: ارجمند.
- اسلامی‌نسب، علی (۱۳۷۸)، *راهنمای عملی درمان وسواس برای وسواسی‌ها*، تهران: شفابخش.
- انجمن روان‌پزشکی آمریکا (۱۳۸۱)، *DSM-IV-TR*، (محمدرضا نیکخو، هامایاک آوادیس یانس)، تهران: سخن.
- انجمن روان‌پزشکی آمریکا (۱۳۹۴)، *راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی DSM-5*، (فرزین رضاعی، علی فخرایی، آتوسا فرمند، علی نیلوف ری، ژانت هاشمی‌آذر، فرهاد شاملو)، تهران: ارجمند.
- پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۸۹)، *فرهنگ جامع روان‌شناسی - روان‌پزشکی و زمینه‌های وابسته (انگلیسی - فارسی)*، ج ۲، تهران: معاصر.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، *غررالحکم و دررالکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- حجازی شهرضائی، سیدمهدی (۱۳۶۶)، *الوسواس و علاجه*، قم: مؤلف.
- حمیری قمی، عبدالله بن جعفر (۱۳۵۹)، *قرب الاسناد*، تهران: کتابخانه نینوا.
- خمینی رحمته‌الله، سیدروح‌الله (۱۳۷۸)، *شرح چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله.
- دادستان، پریرخ (۱۳۸۷)، *روان‌شناسی مرضی تحولی: از کودکی تا بزرگسالی*، تهران: سمت.
- رثوفی، مرتضی (۱۳۸۷)، *وسواس*، قم: قدس.
- زمانی، مصطفی (۱۳۸۷)، *وسواس (پیدایش، رشد، علاج)*، قم: برگ شقایق.
- سادوک، بنیامین جیمز، سادوک، ویرجینیا آلکوت (۱۳۹۰)، *خلاصه روان‌پزشکی*، ترجمه فرزین رضاعی، ۱۳۹۰، تهران: ارجمند.
- سلیگمن، مارتین و والکر، الین و روزنهان، دیوید (۱۳۸۹)، *آسیب‌شناسی روانی*، ترجمه رضارستمی و سیامک طهماسبی و جمیله زارعی، ۱۳۸۹، تهران: ارجمند.
- شاگردکانی، سیداسماعیل (۱۳۸۴)، *نکته‌هایی درباره وسواس و راه درمان آن*، قم: فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام.
- شمس، گیتی (۱۳۸۸)، *شناخت وسواس و علایم آن: راهنمای عملی شناسایی علایم وسواس*، تهران: قطره.
- صالح مدرسه‌ای، فاطمه (۱۳۷۷)، *یاد خدا آرامش بخش دل‌ها (نگاهی به وسوسه و وسواس)*، قم: حضور.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ۱۳۷۴، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۹)، *شیعه در اسلام*، قم: دارالتفسیر.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۰، تهران: ناصر خسرو.
- علی‌پور، مهدی، حسنی، سیدحمیدرضا (۱۳۹۰)، *پارادایم اجتهاد علم دینی «پاد»*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- فقیه‌ی، علی نقی (۱۳۸۹)، *با وسواس چه کنیم؟*، قم: سماء قلم.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۷)، *محنة البیضاء*، ج ۶، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم (۱۴۰۴)، *تفسیر قمی*، ج ۱، قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گیلانی، عبدالرزاق (۱۳۷۷)، *شرح مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه*، قم: پیام حق.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، *بحار الانوار*، ج ۷۸، لبنان: الوفاء.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸)، *معارف قرآن: خداشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی (مشکات)*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (۴): انسان در قرآن*، تهران: صدرا.
- مظاهری، حسین (۱۳۹۲)، *راهکارهای عملی درمان وسواس به انضمام احکام و استفتائات*، قم: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء علیها السلام.
- معتمدی، مهدی (۱۳۸۸)، *نجات از وسواس و شیطان*، قم: نهاوندی.
- نارویی نصرتی، رحیم (۱۳۸۸)، *اثر بخشی روش درمانگری خودیابی اسلامی در درمان وسواس ناخودداری*، پایان نامه دکتری روان‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- نراقی، محمدمهدی (۱۳۸۷)، *جامع السعادات*، قم: اسماعیلیان.
- نراقی، ملاحمد (۱۳۷۷)، *معراج السعاده*، قم: دارالهجره.
- هالچین، ریچارد پی. و ویتبورن، سوزان کراس (۱۳۸۹)، *آسیب‌شناسی روانی (ویراست چهارم)*، دیدگاه‌های بالینی درباره اختلال‌های روانی بر اساس *DSM-IV-TR*، ج ۱، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ۱۳۸۹، تهران: روان.
- هندی، علاءالدین علی‌المتقی بن حسام‌الدین (۱۴۰۹)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، ج ۱، بیروت: الرساله.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۵)، *راهنمای عملی پژوهش کیفی*، تهران: سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

اسلام پرورش های روان شناختی

سال پنجم، شماره اول، پیاپی ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸ (ص ۲۹-۵۴)

پیش بینی افکار خودکشی بر اساس کاستی خداآگاهی و حرمت خود دانشجویان

Predicting suicidal ideation based on students' lack of self-awareness and self-esteem

محمد حیدری / کارشناس ارشد مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.
رضا مهکام / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.
مسعود نورعلیزاده میانجی / استادیار گروه روان شناسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

Mohammad Heydari / Master of the Institute of Higher Education, Ethics and Education, Qom, Iran.

mh1611369@gmail.com

Reza Mahkam / Assistant Professor of Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.

Massoud Noor Alizadeh Mianji / Assistant Professor, Department of Psychology, Shahed University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

The purpose of this study was to predict suicidal ideation based on self-awareness and self-esteem. The method of this research is descriptive correlation and regression analysis. The statistical population of this study included male and female students of one of the universities of Birjand in 13991397-.

The sample of this study was 375 people who were selected by available sampling method. Measurement tools were God-awareness scales (Noor Alizadeh, 2011), suicidal ideation (Beck, 1961) and self-esteem (Cooper Smith, 1957).

Findings showed that there is a significant negative relationship between self-awareness and self-esteem and suicidal ideation. The findings also show that the rate of suicidal ideation, self-esteem and

چکیده

هدف این پژوهش پیش بینی افکار خودکشی بر اساس خداآگاهی و حرمت خود بود. روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و تحلیل رگرسیونی است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان زن و مرد یکی از دانشگاه های بیرجند در سال ۱۳۹۹.۱۳۹۸ بوده است. نمونه این پژوهش تعداد ۳۷۵ نفر بودند که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری، مقیاس های خداآگاهی (نورعلیزاده، ۱۳۹۰)، افکار خودکشی (بک، ۱۹۶۱) و حرمت خود (کوپر اسمیت، ۱۹۵۷) بودند. یافته های پژوهش نشان داد بین خداآگاهی و حرمت خود و افکار خودکشی رابطه معنی دار منفی وجود دارد. همچنین یافته ها حاکی از آن است که میزان افکار خودکشی، حرمت خود و خداآگاهی در میان

self-awareness is higher among women than men, and this figure was much higher among single people than married people. Based on the findings, it is predicted that by promoting self-awareness and self-respect, it is possible to increase the mental health of individuals and prevent and counteract the formation of suicidal ideation. It is suggested that in future research, God-awareness package be applied to a group of people vulnerable to suicidal ideation and its effectiveness on reducing suicidal ideation be evaluated.

KEYWORDS: God-awareness, self-esteem, suicide ideas, piety, depression

زنان بیشتر از مردان است و این آمار در میان افراد مجرد به مراتب بیشتر از افراد متأهل بوده است. بر اساس یافته‌ها پیش‌بینی می‌شود که با ارتقای خداآگاهی و حرمت خود می‌توان بهداشت روانی افراد را افزایش داد و از شکل‌گیری افکار خودکشی پیشگیری و با آن مقابله کرد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده بسته خداآگاهی بر گروهی از افراد آسیب‌پذیر به افکار خودکشی اجرا شود و اثربخشی آن بر کاهش افکار خودکشی ارزیابی شود.

کلیدواژه‌ها: خداآگاهی، حرمت خود، افکار خودکشی، دانشجویان.

مقدمه

افکار خودکشی یک عامل پیش‌گویی‌کننده مهم برای اقدام به خودکشی است، لذا می‌توان عواملی که باعث اقدام به خودکشی می‌شوند را تأثیرگذار بر به وجود آمدن افکار خودکشی دانست (میرزایی و علیزاده، ۱۳۹۲). خودکشی دارای عواملی همچون عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و به‌ویژه عوامل و انگیزه‌های روانی و همچنین علل جسمی و منشأهای ژنتیکی نیز دارند (حسن‌زاده، ۱۳۸۷). از جمله دیگر عوامل تأثیرگذار بر افکار خودکشی را می‌توان شرایط سنی خاص، مجرد بودن، دوری از خانواده، جداسدن از متعلقات و وابستگی‌های چندین ساله، رویارویی با مشکلات اقتصادی، اجبار در پدیدار کردن استقلال نسبی یا کامل، مشکلات درسی، زندگی با دوستان جدید و آینده کاری و زندگی نامعلوم و غیره نام برد (محمدی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱).

بنا بر اطلاعات موجود، خودکشی یکی از ده علت مهم مرگ و میر در جهان است. آمار بالای اقدام‌کنندگان به خودکشی، کشورهای مختلف جهان را بر آن داشته است تا فعالیت‌های زیادی را در ارتباط با شناخت علل مؤثر بر اقدام به خودکشی متمرکز نمایند. این کشورها فراتر

از تهیه آمار و مطالعات همه‌گیرشناختی، برای پیشگیری از خودکشی، اقدامات مؤثری انجام داده‌اند که دستاوردهای باارزشی داشته است (کاربردی، ۱۳۷۹).

قرائن و شواهد تجربی نشان می‌دهد که نسبت خودکشی در بین مذاهب، مختلف است. در بین اغلب گروه‌های مذهبی در آمریکا، بالاترین نسبت خودکشی در بین پروتستان‌ها، و پایین‌ترین نسبت، در بین مسلمانان گزارش شده است. وجه مشترک مذاهب این است که درجه بالای دین‌داری با کاهش خطر خودکشی همراه است. در سال ۱۸۷۹ دروکیم برای اولین بار پیشنهاد کرد که وفاداری معنوی در بهزیستی هیجانی سهم دارد.

در ایران، مذهب به عنوان یک عامل حمایتی در شرایط تنش‌زا محسوب می‌شود. در مطالعه‌ای که در شهر ساری بین دو گروه از کسانی که خود را مسموم کرده بودند و گروه کنترل که به دلایل دیگری به بیمارستان مراجعه کرده بودند، مسئله خودکشی، خطر و عمل مذهبی بین دو گروه مقایسه شد و تفاوت معنی‌داری بین درجه قصد خودکشی و نمرات عمل مذهبی به دست آمد (ضرغامی و همکاران، ۲۰۰۸).

عوامل زیادی زمینه‌ساز اقدام به خودکشی و افکار مربوط به آن می‌باشند: از جمله عوامل مرتبط با افکار خودکشی، عواملی از سبک پردازش شناختی است که بدینی در مورد آینده، حرمت خود پایین و خودکارآمدی پایین را می‌توان در این مقوله جای داد. این عوامل تأثیر خود را بر سلامت روان افراد گذاشته و باعث بالا یا پایین رفتن آن می‌شوند (امیری و همکاران، ۱۳۹۵). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افسردگی یکی از عوامل مهم ایجاد افکار خودکشی و در نتیجه اقدام به خودکشی است. بر اساس نظریه مسندمهارگری سلامت، حرمت خود بر ارتقای بهزیستی روان‌شناختی و کاهش نشانه‌های افسردگی اثر دارد. حرمت خود در کاهش نشانه‌های افسردگی نیز نقش دارد. کوپر اسمیت (۱۹۶۷) در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسید که حرمت خود بالا، فرد را در مقابل انواع مشکلات و تنیدگی‌ها و از جمله افسردگی مقاوم خواهد ساخت. در پژوهش فرنهام و چنگ (۲۰۰۰) نشان داده شد، حرمت خود پایین به طور معناداری با سطح پایین شادکامی و سطح بالای افسردگی در ارتباط است. بر اساس یافته‌های برخی پژوهش‌ها (آلوی و دیگران، ۲۰۰۸؛ سومار و بومیستر، ۲۰۰۲)، افراد افسرده با داشتن بازخورد منفی نسبت به خود، نه تنها به رفع نیازهای اساسی روان‌شناختی‌شان تمایل ندارند، بلکه با حساسیت زیادتری نیز به حمایت اجتماعی می‌نگرند (مرادی و چراغی، ۱۳۹۴).

کوتاهی در ارزیابی افکار خودکشی‌گرایانه، ممکن است با خطرات بسیاری چون از دست دادن بخشی از نیروهای مولد جامعه روبه‌رو گردد. بلکه به دلیل بیماری‌ها، معلولیت‌ها و آسیب‌های جسمی و روحی و روانی - اجتماعی ناشی از آن، بهداشت روانی اعضای خانواده قربانیان را مخدوش نموده و تأثیرات بسیار سوئی بر فضای زندگی اجتماعی می‌گذارد (میرزایی و علیزاده، ۱۳۹۲). لذا بررسی عوامل افکار خودکشی که خود قدمی مهم در جهت کاهش این افکار و حتی کنترل و از بین بردن آنها با برنامه‌ریزی در مورد بسته‌های آموزشی و پژوهشی در زمینه عوامل تأثیرگذار در از بین بردن و حتی پیشگیری از افکار خودکشی می‌باشد، کمک شایانی می‌کند.

افکار خودکشی به عنوان یکی از قوی‌ترین عوامل خطر برای خودکشی موفق می‌باشد و شناسایی گروه‌های در معرض خطر، نقش مهمی را در پیشگیری از خودکشی دارد (مدبر، ابراهیم، کاظمی، فلاحی خشک‌ناب، ۱۳۹۳). واسرمن، جیانگ و راسموسن در تحقیق خود چنین عنوان می‌کنند که واژه افکار خودکشی، به افکار زودگذر نسبت به بی‌ارزش بودن زندگی و آرزوی مرگ تا طرح‌های عملی برای نابودی خود اشاره دارد (واسرمن، جیانگ و راسموسن، ۱۹۹۰). برخورداری از سطح سلامت روانی و معنوی نقش مهمی در کاهش افکار خودکشی ایفا می‌کند (رحیمی و اسداللهی، ۱۳۹۳). در این بین سازه «خداآگاهی» به عنوان برترین شاخصه‌های دین‌داری و معنویت که با سلامت روانی ارتباط دارد (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۴)، می‌تواند مطرح باشد.

آموزه‌های اسلامی برقراری ارتباط با خدا و ذکر و یاد او را عامل گشایش و تعالی روانی دانسته‌اند که آثار روان‌شناختی و سلامت بخشی بسیاری را به همراه دارد (گیلانی، ۱۴۳۴). جیمز (۱۳۷۲) ارتباط و اتصال با قدرت لایزال الهی را آرام‌بخش و یونگ (شریفی‌نیا، ۱۳۸۸) اعتقاد به اینکه «خداوند در همه جا حضور دارد» را در فرایند درمان، سلامت‌آفرین می‌دانند. در تحقیق گرلی (۱۹۷۵) که با ۱۴۶۰ شرکت‌کننده درباره تجربه عرفانی تقرب و احساس معنوی حضور (امر متعالی) انجام گرفت، کسانی که چنین تجربه‌هایی را گزارش کرده بودند، از سلامت روانی مثبتی برخوردار بودند.

اگر خداآگاهی به صورت سرشتی جزو ساختار وجودی و روانی انسان باشد، و در رأس شاکله و سازمان شخصیتی او قرار داشته باشد، که در این رأس به نظام روانی اش توحید یافتگی و انسجام می‌بخشد، غفلت و خدانان‌آگاهی، برابر خواهد بود با نبود انسجام در شخصیت و ساختار روانی انسان، در نتیجه ناسازگاری و ناکنشوری در رفتار ظاهری او. از همین رو،

آموزه‌های اسلامی، ناآگاهی را مهمترین عامل به هم ریختگی نظام روانی انسان می‌دانند، که این وضعیت با ایجاد اختلال در مهم‌ترین سازه‌های روان‌شناختی؛ یعنی نظام شناختی، و به طبع آن در نظام‌های هیجانی و رفتاری رخ می‌دهد (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۶).

شاید بتوان چنین گفت که تجربه عرفانی تقرب و احساس معنوی که گریلی در مورد آن گفته است، همان «خداآگاهی» است که نورعلیزاده آن را به شناخت، توجه و احساس حضور خدا، پیوستگی و تعلق به خدا و همچنین تعلق به خدا و تداوم بخشی با ارتباط ناگستنی با او تعریف کرده است.

در کشورهای مسلمان، شریعت اسلام مطابق با منطق قرآن، خودکشی را فعلی حرام، ممنوع و به تبع آن مرتکب شونده آن را دارای مجازات و عقوبت اخروی دانسته است. در آیه ۲۰۹ سوره نساء چنین مقرر شده «یکدیگر را نکشید، همانا خداوند به شما بسیار مهربان است». امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «همانا ممکن است مؤمن به هر بلایی مبتلا شود و به هر (نوع) مرگی بمیرد، اما هیچ‌گاه خود را نمی‌کشد». همچنین ایشان در حدیث دیگری عاقبت فردی که اقدام به خودکشی کرده است را جهنم دانسته‌اند. پایه‌های نظام حقوق اسلام بر مبنای عقیدتی و اخلاقی استوار است. فرد مؤمن در زندگی اجتماعی و در مواجهه با مسائل و مشکلات روزمره، با تلاش و کوشش و نیروی ایمان، هیچ‌گاه از الطاف و مرحمت پروردگار ناامید نخواهد شد تا اقدام به خودکشی نماید (میرزایی و علیزاده، ۱۳۹۲).

آثار روان‌شناختی «خداآگاهی»

سازمان‌یابی و انسجام شخصیت

عامل اساسی یکپارچگی، انسجام و در رأس آن، وحدت نظام روانی، خداآگاهی است. به گفته مزلو، «تجربه‌های اوج یا عرفانی» (شولتز، ۱۳۹۴) و جیمز، «دین‌داری» (آذربایجانی، ۱۳۸۷) و آلپورت، «جهت‌گیری درونی مذهبی» (دهقانی، ۱۳۸۶)، بهترین عامل برای انسجام شخصیت و کسب هویت یکپارچه است، که مهمترین عامل سلامت روانی نیز می‌باشد.

نورعلیزاده میانجی (۱۳۹۶) به نقل از مالبرانش می‌گوید:

... حقیقت، روح انسان بوده و به ظاهر به تن پیوسته است. هنگامی که فرد، از این هسته مرکزی شخصیت خود، آگاهی یابد و به او تقرب جوید، به سازمان‌یابی، توحید یافتگی، انسجام و یکپارچگی «خود»، که کارکرد مهم خودآگاهی است، دست می‌یابد. البته باید

گفت که این هسته مرکزی شخصیت خود، جدا از خدا نیست و جلوه‌ای از انوار الهی است. این‌گونه افراد خداآگاه، به این سطح از خودآگاهی می‌رسند که همه ابعاد وجودی خود را به صورت گسترده جست‌وجو می‌کنند و همه ابعاد روان‌شناختی‌شان را اعم از شناخت‌ها، هیجان‌ها و رفتارها و در نتیجه گرایش‌ها، احساس‌ها و کارکردها را مطابق با محوریت «خود» جهت یافته در مسیر توحید، شکل و گسترش می‌دهند و فعال می‌سازند. اثربخشی خودآگاهی خداآگاهانه در تحول، سازمان‌یابی و یکپارچگی «خود»، به عنوان هسته مرکزی شخصیت، از مهم‌ترین فرایندهای اثرگذاری خداآگاهی بر خودآگاهی است.

بهداشت روانی

در آموزه‌های اسلامی، از برقراری ارتباط با خدا و ذکر و یاد او به عامل گشایش و تعالی روانی یاد شده که ره‌آورد آن، آثار روان‌شناختی و سلامت‌بخشی فراوان دارد (شهید ثانی، ۱۴۰۰). از نظر قرآن، دوری از منبع هستی‌بخش، و غفلت از یاد خدا (خداناآگاهی)، باعث اضطراب و نارضایتی در زندگی می‌شود: *مَنْ أَعْرَضَ عَنِ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا*؛ «هرکس از یاد من رویگردان شود، زندگی [سخت و] تنگی خواهد داشت». در مقابل، این ایمان به خدا و ذکر اوست که دل‌ها را آرام می‌کند و آرامش و اطمینان خاطر را به ارمغان می‌آورد: *أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ*؛ «آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد».

ویلیام جیمز، ارتباط با قدرت لایزال الهی را آرام‌بخش می‌داند (قائنی، ۱۳۷۲). و یونگ اعتقاد به حضور همه جایی خداوند را در فرایند درمان، سلامت‌آفرین می‌پندارد (شریفی‌نیا، ۱۳۸۸). در پژوهش پولنر (۱۹۸۹) آشکار شد که تقرب به خدا با رضایت و خشنودی از زندگی هم‌بستگی دارد.

واقعاً چگونه خودآگاهی خداآگاهانه به شخصیت و روان انسان سلامتی می‌بخشد؟ اگر شخصیت انسان شبیه یک کوه یخی باشد و ضمیر ناخودآگاه آدمی، نُه‌دهم کوه یخ مستور و مخفی در آب را تشکیل دهد، اگر گم‌گشتگی شخصیت در تیرگی روابط خودآگاه و ناخودآگاه و ناپیدایی خودِ واقعی تلقی گردد، اگر اولین گام خودآگاهی، انتقال موضوعات و مسائل درون‌ناهیاری یا نیمه‌هشیار با سطح هشیار باشد، آنگاه معنا و اهمیت خودآگاهی معلوم و روشن می‌گردد. خداآگاهی و ذکرالله، به طور خاص؛ یعنی با خبر کردن، خبر گرفتن و توجه کردن ارادی و معتمدانه روان‌هشیار و خودآگاه، از آن چیزی که در ناہشیار آدمی

وجود دارد. ذکر؛ یعنی اعتراف به حضور خدا. به محض اینکه خدای حاضر در ناخودآگاه آدمی، اما غایب از سطح آگاه (هشیار) ذهن به یاد آورده می‌شود، ناگاه ابهام‌ها از بین می‌رود، انسان گم‌گشته خود را بازمی‌یابد، از احساس پوچی و تهی بودن (خلأ وجودی) می‌رهد، طعم معناداری هستی‌اش را می‌چشد و احساس تعالی به او دست می‌دهد. در مقابل، زمانی که از خدا غافل و ناآگاه می‌شود، «اضطراب وجودی» همه وجود او را فرا می‌گیرد. اضطراب وجودی - که به معنای احساس تنهایی، از خودبیگانگی، ناامیدی، بی‌معنایی و خلأ وجودی است - خود منشأ روان‌آزردگی و اضطراب روزمره‌ای است، که سلامتی روانی را به خطر می‌اندازد (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۶).

تنظیم رفتار و خودمهارگری

به دنبال خودآگاهی، توجهات، حالات و کیفیات نفسانی خاصی در انسان پدید می‌آید که به مقتضای این حالات و کیفیات مخصوص و توجهاتی که به صفات الهی می‌یابد، در چهارچوب موقعیت‌های خاص محیطی، رفتارهایی نظم‌یافته در او شکل می‌گیرد. در حقیقت، افراد خداآگاه به سبک خودآگاهی خاص خود، فرایند خودنظم‌بخشی را در خود فعال می‌سازند و رفتار خود را با معیارها و استانداردهای الهی تنظیم می‌کنند. رفتارهای افراد با توجه به درجات خداآگاهی‌شان، و شکوفایی «خود» قدسی آنها، از مراتب گوناگون نظم‌یافتگی و تعالی برخوردار است (طبرسی، ۱۳۷۲).

قرائن و شواهد تجربی نشان می‌دهد که نسبت خودکشی در بین مذاهب، مختلف است. در بین اغلب گروه‌های مذهبی در آمریکا، بالاترین نسبت خودکشی در بین پروتستان‌ها، و پایین‌ترین نسبت، در بین مسلمانان گزارش شده است. وجه مشترک مذاهب، این است که درجه بالای دین‌داری با کاهش خطر خودکشی همراه است. در سال ۱۸۷۹ دروکیم برای اولین بار پیشنهاد کرد که وفاداری معنوی در بهزیستی هیجانی سهم دارد (پسکو سولیدو و جوجیانا، ترجمه علی‌بابایی، ۱۳۸۵). در ایران، مذهب به عنوان یک عامل حمایتی در شرایط تنش‌زا محسوب می‌شود. در مطالعه‌ای که در شهر ساری بین دو گروه از کسانی که خود را مسموم کرده بودند و گروه کنترل که به دلایل دیگری به بیمارستان مراجعه کرده بودند، مسئله خودکشی، خطر و عمل مذهبی بین دو گروه مقایسه شد و تفاوت معنی‌داری بین درجه قصد خودکشی و نمرات عمل مذهبی به

دست آمد (ضرغامی و همکاران، ۲۰۰۸).

در خلال نیم قرن گذشته، حرمت خود به عنوان یکی از سازه‌های اصلی شخصیت همواره مورد توجه روان‌شناسان بوده است. ویلیام جیمز از کسانی است که نخستین بار بر ضرورت حرمت خود و نقش تعیین‌کنندگی آن شکل‌های متعدد رفتار آدمی، تأکید کرد. اوج مطالعات در این باره و قلمداد کردن آن به مثابه یک سازه شخصیتی، در آثار انسان‌گرایانی مانند راجرز و مازلو دیده می‌شود (شجاعی، ۱۳۸۳).

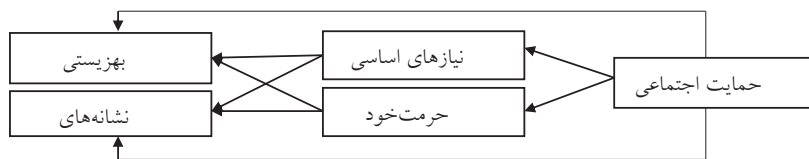
در ادبیات دینی، از این امر به عزت نفس و کرامت نفس تعبیر می‌شود (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲). در واقع این سازه در متون دینی به احساس ارزشمندی نسبت به خود، بدون مقایسه و احساس برتری نسبت به دیگری، که در آن شخص نسبت به صاحب اصلی ارزش آگاه است، لذا از اموری که منافای با مقام و منزلت اوست اجتناب می‌کند، تعریف شده است (بنیانی، ۱۳۹۲). این همان مفهومی است که روان‌شناسان از آن به «ارزیابی فرد از خویشتن» تعریف کرده‌اند (قائدی و جوشن‌لو، ۱۳۸۷). این فضیلت از جمله فضایی است که آثار زیادی بر آن مترتب بوده و به همین جهت از دنیا و آنچه در آن است، بهتر است. آثاری مانند ثبات و پایداری، تحمل سختی‌ها و ناملایمات، انسان برخوردار از این فضیلت چون کوه استواری است که بادهای نمی‌توانند او را به لرزه درآورند. به طور کلی این فضیلت دارای آثاری است و هر اثر آن به نوبه خود دارای آثار دیگری است و اگر این فضیلت را ام‌الفضایل نامید، سخن‌گرافی گفته نشده است. و اگر این فضیلت جز آزادگی و خویشتن‌داری اثری دیگر نداشت، برای این فضیلت کافی بود. راز این مطلب این است که فرد گنه‌کار ابتدا خود را کوچک و خوار می‌کند، سپس دست به گناه می‌آلاید (مظاهری، ۱۳۸۸). حرمت خود از یک سو، یکی از بزرگ‌ترین فضیلت‌های اخلاقی است و از سوی دیگر، محرک آدمی در اجرای دیگر برنامه‌های اخلاقی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر شرافت نفس علاوه بر آنکه خود از نظر فردی، صفت نیکو است، می‌تواند ضامن اجرای صفت‌های پسندیده دیگر در محیط خانواده و اجتماع باشد (فضل‌اللهی قمشی، ۱۳۹۲). قرآن کریم کرامت انسان را مورد اهتمام بسیار قرار داده است. نخست آنکه او را جانشین خدا دانسته چنان‌که می‌فرماید: *وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً* «و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت». نفس همین خلیفه بودن، بدون در نظر گرفتن مستخلف، می‌تواند نقش بسزایی در افزایش حرمت نفس داشته باشد؛ دوم آنکه انسان را مسجود فرشتگان قرار داده است: *فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةَ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ*؛

«پس فرشتگان همگی یکسره سجده کردند». انسان مخلوقی است که تمام فرشتگان با آن عظمت و علو شأن و قرب الهی، مأمور به سجده بر او شدند و چه کرامتی برای انسان از این بالاتر خواهد بود. در نهایت تاج کرامت را بر سر انسان نهاده است، آنجا که فرموده: وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ؛ «و به راستی ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم». در روایات نیز با بیان این نکته که بهای انسان جایی کمتر از بهشت برین نیست، به او گوشزد می‌کند که چنین کرامت و جایگاه رفیعی در انتظار اوست و برای چنین مکان و هدفی خلق شده است، پس نباید شأن خود را پایین آورده و خود را به کمتر از بهشت بفروشد (فضل‌اللهی قمی، ۱۳۹۲). «أَلَا أَنَّهُ لَيْسَ لَأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا» (نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶).

با این نگاه به کرامت انسان است که انسان قدر خود را خواهد دانست و تن به هر کاری نمی‌دهد و خود را مهار می‌کند. در این مورد امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «جان تو گرامی‌تر از آن است که به هر کار پست و فرومایه‌ای تن دهی. کرامت روح در آن است که به پست ننگری، اگرچه کار پست در تو رغبت ایجاد کند و محبوبت باشد» (تمیمی آمدی، قرن ۵ ه. و در مورد دیگر می‌فرمایند: «بزرگوarter از آن باش که به پستی تن دهی، هر چند تو را به مقصود برساند؛ چون در این داد و ستد، ضرر می‌کنی؛ زیرا عمر گرانمایه‌ات را داده‌ای و در مقابل چیز ارزنده‌ای نصیب تو نشده و برای جهان سرمدی توشه‌ای جمع نکرده‌ای».

مطابق نظریه مسندمه‌ارگری سلامت (راتر، ۱۹۶۶)، حرمت خود بر ارتقای بهزیستی روان‌شناختی و کاهش نشانه‌های افسردگی اثر دارد. حرمت خود در کاهش نشانه‌های افسردگی نیز نقش دارد. کوپر اسمیت (۱۹۶۷) در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسید که حرمت خود بالا، فرد را در مقابل انواع مشکلات و تنیدگی‌ها و از جمله افسردگی مقاوم خواهد ساخت. در پژوهش فرهنگ و چنگ (۲۰۰۰) نشان داده شد، حرمت خود پایین به طور معناداری با سطح پایین شادکامی و سطح بالای افسردگی در ارتباط است. بر اساس یافته‌های برخی پژوهش‌ها (آلوی و دیگران، ۲۰۰۸؛ سومار و بومیستر، ۲۰۰۲)، افراد افسرده با داشتن بازخورد منفی نسبت به خود، نه تنها به رفع نیازهای اساسی روان‌شناختی‌شان تمایل ندارند، بلکه با حساسیت زیادتری نیز به حمایت اجتماعی می‌نگرند (مرادی و چراغی، ۱۳۹۴).

نمودار علی رابطه حرمت خود با افسردگی



هرچند پژوهش‌های زیادی در زمینه بررسی عوامل تأثیرگذار بر افکار خودکشی انجام شده است، ولی بررسی در مورد وجود رابطه بین خداآگاهی و حرمت خود با افکار خودکشی به چشم نمی‌خورد. بنابراین پژوهش کنونی به هدف بررسی رابطه خداآگاهی و حرمت خود با افکار خودکشی و پیش‌بینی افکار خودکشی دانشجویان از روی میزان خداآگاهی و حرمت خود آنها انجام گرفته است.

روش پژوهش

این تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان دانشگاه شوکت بیرجند که در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۸ مشغول به تحصیل بودند، تشکیل می‌دهند. با استعلام صورت گرفته از اداره آمار دانشگاه، کل دانشجویان در حال تحصیل در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹، ۱۲۰۰۰ نفر می‌باشند.

با توجه به جدول مورگان^۱ (۱۹۷۰م)، به عنوان یک ابزار استاندارد برای تعیین حجم نمونه که برای جامعه ۱۵۰۰۰ نفری، ۳۷۵ نفر را کافی دانسته، با توجه به اینکه جامعه مورد پژوهش ۱۲۰۰۰ می‌باشند، با رعایت جوانب احتیاط ۳۷۵ نفر از دانشجویان دانشگاه شوکت بیرجند، نمونه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش، شیوه نمونه‌گیری در دسترس بوده است. روش اجرای این پژوهش به این صورت بوده است که پرسش‌نامه‌ها به یکدیگر پیوست شده، با یک خودکار در کاور گذاشته شده و به تعداد ۴۰۰ عدد در اختیار دانشجویان گذاشته شد و در نهایت تعداد نمونه مورد نیاز (۳۷۵ نفر) نمره‌گذاری و استخراج صورت گرفت.

ابزارهای اندازه‌گیری عبارت‌اند از: مقیاس خداآگاهی نورعلیزاده (۱۳۹۰)، پرسش‌نامه

حرمت خود کوپر اسمیت^۱ (۱۹۵۷) و پرسش نامه افکار خودکشی بک^۲.

مقیاس خداآگاهی در سال ۱۳۹۰ توسط نورعلیزاده میانجی به پشتوانه تحلیل‌های نظری و دین‌شناختی سازه خداآگاهی و آموزه‌های وحیانی و مستندهای اسلامی (قرآنی و حدیثی) جامع‌نگر و با رعایت اصول آزمون‌سازی در ۲۵ ماده و با پاسخ‌نامه‌ای به صورت چهار درجه‌ای لیکرتی تهیه شده است. این مقیاس به سه شیوه روایی، محتوایی^۳ و صوری بر اساس کارشناسی متخصصان در حوزه دینی و روان‌شناسی، روایی ملاکی^۴ با خرده مقیاس حضور خداانگاره^۵ لارنس^۶ (۱۹۹۷)، به میزان توافق بالای (R=۰/۷۰۸) و روایی سازه با بررسی ساخت درونی آن روایی‌سنجی شد و هر یک از گزاره‌ها همبستگی معنادار و مطلوبی با نمره کل داشتند. اعتباریابی این مقیاس به سه شیوه بازآزمایی (R=۰/۷۷)، همسانی درونی آلفای کرونباخ (۰/۹۰۵) و دونیمه‌سازی (با ضریب اسپرمن- براون و گاتمن، برابر با ۰/۹۱) انجام گرفت. در نتیجه مقیاس خداآگاهی از ویژگی‌های روان‌سنجی (اعتبار^۷ و روایی^۸) رضایت‌بخش و در سطح بالایی برخوردار است (نورعلیزاده، ۱۳۹۴).

پرسش‌نامه حرمت خود کوپر اسمیت^۹ (۱۹۵۷) شامل ۵۸ ماده چهارگزینه‌ای است که احساسات، عقاید یا واکنش‌های فرد را توصیف می‌کند. این پرسش‌نامه مشتمل بر پنج خرده مقیاس عمومی در ۲۶ ماده، اجتماعی در ۸ ماده، خانوادگی در ۸ ماده، آموزشگاهی در ۸ ماده، و دروغ در ۸ ماده، می‌باشد (فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸). فرم کوتاه شده این پرسش‌نامه فرم B نامیده می‌شود و ۲۵ پرسش دارد (شجاعی، ۱۳۸۷). بررسی‌ها در ایران و خارج از ایران بیانگر آن است که این آزمون از اعتبار و روایی قابل قبولی برخوردار است. هرز^{۱۰} و گولن^{۱۱} (۱۹۹۹) ضریب آلفای ۰/۸۸ را برای نمره کلی آزمون گزارش کرده‌اند. همچنین جهت سنجش روایی بین نمره کل آزمون با خرده مقیاس روان‌آزردگی در آزمون شخصیت آیسنک،

1. Coopersmith Self-esteem Inventory.

2. Beck Suicide Scale Ideation.

3. Content validity.

4. Criterion related.

5. Presence subscale God image.

6. Lawrence, J.

7. Reliability.

8. Validity.

9. Coopersmith Self-esteem Inventory.

10. Herz, L.

11. Gullone, E.

روایی و آگرایی منفی و معنادار و با خرده مقیاس برون‌گرایی همگرایی مثبت معنادار به دست آمده است. ادmondson^۱ و همکاران (۲۰۰۶) نیز ضریب همسانی درونی ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ را برای آزمون حرمت خود کوپر اسمیت گزارش کرده‌اند. پورشافعی (۱۳۷۰) با روش دو نیمه کردن، ضریب ۰/۸۷ را گزارش کرده است (فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸).

پرسش‌نامه افکار خودکشی بک^۲، یکی از ابزارهای مورد استفاده برای مطالعات مربوط به افکار خودکشی می‌باشد که به منظور آشکارسازی و اندازه‌گیری شدت نگرش و طرح‌ریزی برای ارتکاب به خودکشی تهیه شده است. این مقیاس یک ابزار خودسنجی ۱۹ سؤالی است و بر اساس سه درجه‌ای نقطه‌ای از صفر تا دو تنظیم شده است (نمره صفر یعنی هیچ، نمره یک یعنی تا حدودی و نمره ۲ یعنی زیاد). پنج سؤال اول، میل آزمودنی به زنده بودن یا مردن را اندازه می‌گیرد. سؤال ۶ تا ۹ خودکشی منفعل و سؤال‌های ۱۰ تا ۱۹ خودکشی فعال را می‌سنجد. همبستگی درونی این آزمون ۰/۸۹ و پایایی بین‌آزماینده ۰/۸۳ گزارش شده است. در ایران نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ، اعتبار ۰/۹۵ و با روش دونیمه کردن ۰/۷۵ گزارش شده است (انیسی و همکاران، ۱۳۸۳). حیدری شرف و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود، ضریب آلفای کرونباخ را محاسبه و ۰/۸۲ به دست آوردند.

برای تجزیه و تحلیل داده علاوه بر شاخص‌های آمار توصیفی از شاخص‌های آمار استنباطی از جمله همبستگی پیرسون استفاده می‌گردد. همچنین به منظور پیش‌بینی متغیر ملاک (افکار خودکشی) از تحلیل رگرسیون ساده بهره گرفته می‌شود.

یافته‌ها

متغیرهای این تحقیق عبارت‌اند از: متغیر خداآگاهی به عنوان متغیر مستقل و افکار خودکشی به عنوان متغیر وابسته. شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مذکور به صورت جدول ذیل می‌باشد:

1. edmondson, J.

2. Beck Suicide Scale Ideation.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

حرمت خود		خداآگاهی					افکار خودکشی			متغیرها				
۲۶-۵۰	۲۵-۰	بالا (۱۰۰)	خوب (۷۵)	متوسط (۵۰)	پایین (۲۵)	آماره‌ای خودکشی (۲۰-۳۸)	دارد (۶-۱۹)	ندارد (۰-۵)	خصوصیت دموگرافیک					
	۹۱	۲۴	۴۵	۶۴	۵	۱	۷	۵۲	۵۶	مجرد	کارشناسی	زن	جنسیت	
	۳۶	۱۰	۱۶	۲۹	۰	۱	۲	۱۶	۲۸	متاهل				
	۳۰	۴	۱۲	۲۱	۲	۱	۰	۱۵	۱۹	مجرد	ارشد			
	۲۱	۱	۱۰	۱۰	۲	۰	۲	۹	۱۱	متاهل				
	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	مجرد	دکتری			
	۲	۰	۰	۴	۰	۰	۱	۱	۲	متاهل				
	۱۲۱	۲۸	۵۸	۸۵	۷	۲	۷	۶۷	۷۶	مجرد	جمع			
	۵۹	۱۱	۲۶	۴۳	۲	۱	۵	۲۶	۴۱	متاهل				
	۱۰۷	۲۳	۴۷	۷۸	۱	۱	۴	۵۶	۶۷	مجرد	کارشناسی			مرد
	۵	۲	۱	۴	۱	۱	۱	۱	۵	متاهل				
	۳	۱	۳	۱	۰	۰	۰	۰	۴	مجرد	ارشد			
	۱۲	۳	۴	۹	۰	۰	۰	۴	۱۱	متاهل				
	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	مجرد	دکتری			
	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	متاهل				
	۱۱۰	۲۴	۵۰	۷۹	۱	۱	۴	۵۶	۷۱	مجرد	جمع			
	۱۷	۵	۵	۱۳	۱	۱	۱	۵	۱۶	متاهل				
	۳۰۷	۶۸	۱۳۹	۲۲۰	۱۱	۱۷	۱۵۴	۲۰۴	جمع کل					
	۳۷۵	۳۷۵					۳۷۵			N				

جدول ۱ نشان‌دهنده این است که هر کدام از جنسیت‌های مذکر و مؤنث در مقاطع تحصیلی مختلف (کارشناسی، ارشد و دکتری) در هر کدام از متغیرهای پژوهش، چه میزان نمره را به خود اختصاص داده‌اند. این جدول بر اساس داده‌ها تنظیم شده است و می‌توان به صورت درصدی هم مشخص کرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین آمار افرادی که دارای افکار خودکشی هستند به ترتیب، زنان مجرد (۱۷/۸۶٪) و بعد از آن مردان مجرد (۱۴/۹۳٪) و در مرتبه بعدی زنان متأهل (۶/۹۳٪) و بعد از آن مردان متأهل (۱/۳۳٪)

هستند. در واقع میزان افراد مبتلا به افکار خودکشی در میان زنان بیشتر از مردان است (۲۴/۷۹٪ < ۱۶/۲۶٪). همان‌طور که در جدول مشخص است، این میزان در کارشناسی، بیشتر از ارشد و در ارشد بیشتر از دکتری مورد مشاهده است. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین آمار افرادی که دارای خداآگاهی بالا هستند به ترتیب، زنان مجرد (۱۵/۴۶٪) و بعد از آن مردان مجرد (۱۳/۳۳٪) و در مرتبه بعدی زنان متأهل (۶/۹۳٪) و بعد از آن مردان متأهل (۱/۳۳٪) هستند. در واقع میزان خداآگاهی در میان زنان به مراتب بالاتر از مردان است (۲۲/۳۹٪ < ۱۴/۶۶٪).

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، میزان حرمت خود کسانی که بین نمره ۵۰-۲۶ (متوسط به بالا) را کسب کرده‌اند در میان زنان نسبت به مردان، بالاتر بوده است (۴۹/۹۹٪ < ۳۳/۸۶٪). این نتیجه با این معنا است که زنان نسبت به مردان، از حرمت خود بالاتری برخوردارند. در این مورد پژوهشگر تحقیق همسویی یافت نکرده است.

در این تحقیق به دنبال بررسی این سؤال که آیا رابطه‌ای بین میزان خداآگاهی و حرمت خود و افکار خودکشی وجود دارد یا نه؟ از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. همبستگی بین خداآگاهی، حرمت خود و افکار خودکشی

متغیرها	آماره	افکار خودکشی	خداآگاهی	حرمت خود
افکار خودکشی	ضریب همبستگی پیرسون	۱,۰۰۰۰۰		
	سطح معنی‌داری	-----		
خداآگاهی	ضریب همبستگی پیرسون	-۰,۲۹۸۳۷	۱,۰۰۰۰۰	
	سطح معنی‌داری	۰,۰۰۰۰۰	-----	
حرمت خود	ضریب همبستگی پیرسون	-۰,۳۷۸۴۵	۰,۴۵۵۵۵	۱,۰۰۰۰۰
	سطح معنی‌داری	۰,۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰	-----

بر اساس ضریب همبستگی محاسبه‌شده بین میزان خداآگاهی (۰/۲۹۶۳۷)، حرمت خود و افکار خودکشی، مشخص می‌شود که بین خداآگاهی و حرمت خود با افکار خودکشی، رابطه منفی و معناداری وجود دارد به نحوی که با افزایش خداآگاهی و حرمت خود، افکار خودکشی

کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر هر چه افراد توجه‌شان به خدا و حضور او در لحظه لحظه زندگی بیشتر بوده و در تمام شئون زندگی او را دخیل دانسته و با توجه به رفتارهای خود را تطبیق دهند، و حرمت خود بالاتری داشته باشند، میزان بی‌معنی بودن، احساس پوچی و بی‌هدفی و افسردگی که از عوامل مهم به وجود آورنده افکار خودکشی است، کاهش می‌یابد. با توجه به اینکه متغیر وابسته در این تحقیق افکار خودکشی و متغیرهای مستقل خداآگاهی و حرمت خود می‌باشند، نتایج رگرسیون خطی به صورت جدول زیر می‌باشد:

جدول ۳. تحلیل رگرسیون پیش‌بینی افکار خودکشی از روی خداآگاهی و حرمت خود

متغیر مستقل	ضریب β	آماره t	سطح معنی‌داری
عدد ثابت	۲۰,۴۴	۱۱,۳۷	۰,۰۰
خداآگاهی	-۰,۰۷	-۲,۹۸	۰,۰۰
حرمت خود	-۰,۲۳	-۵,۷۴	۰,۰۰
		۰,۹۳	
آماره F مدل		۳۶,۲۸۷	
درجه معنی‌داری آماره F مدل		۰,۰۰۰	

نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد متغیر خداآگاهی و حرمت خود، تأثیر معنی‌دار و منفی بر متغیر وابسته؛ یعنی افکار خودکشی دارند. به نحوی که با افزایش خداآگاهی و حرمت خود در افراد، افکار خودکشی کاهش می‌یابد و بر عکس. همچنین با توجه به R^2 بالا و معنی‌داری آزمون F آزمون مدل رگرسیون تحقیق، می‌توان گفت متغیرهای پیش‌بین تحقیق به خوبی تغییرات متغیر ملاک؛ یعنی افکار خودکشی را پیش‌بینی نموده و توضیح می‌دهند.

بحث و نتیجه‌گیری

به دنبال پاسخ به این پرسش که «نقش خداآگاهی و حرمت خود در پیش‌بینی افکار خودکشی چیست؟»، همبستگی متغیر خداآگاهی و حرمت خود با افکار خودکشی مورد سنجش قرار گرفت و یافته‌های فرضیه اصلی مورد پژوهش را مورد تأیید قرار داد و نشان داد که بین این دو متغیر با افکار خودکشی، رابطه معنی‌داری منفی و معکوس وجود دارد؛ به نحوی که با افزایش خداآگاهی و حرمت خود، افکار خودکشی کاهش می‌یابد. همچنین نتایج نشان داد که کاستی در خداآگاهی و حرمت خود دانشجویان توانایی پیش‌بینی افکار خودکشی آنها را دارد.

در میان پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه‌های مرتبط و نزدیک به مفاهیم خداآگاهی، شواهدی وجود دارد که این یافته‌ها را تأیید می‌کند. از جمله آن می‌توان به نتایج ضرغامی و همکاران (۲۰۰۸) اشاره کرد. قرائن و شواهد تجربی آنها نشان می‌دهد که نسبت خودکشی در بین مذاهب، مختلف است. در بین اغلب گروه‌های مذهبی در آمریکا، بالاترین نسبت خودکشی در بین پروتستان‌ها، و پایین‌ترین نسبت، در بین مسلمانان گزارش شده است. وجه مشترک مذاهب، این است که درجه بالای دین‌داری با کاهش خطر خودکشی همراه است. در مطالعه‌ای که در شهر ساری بین دو گروه از کسانی که خود را مسموم کرده بودند و گروه کنترل که به دلایل دیگری به بیمارستان مراجعه کرده بودند، مسئله خودکشی، خطر و عمل مذهبی بین دو گروه مقایسه شد و تفاوت معنی‌داری بین درجه قصد خودکشی و نمرات عمل مذهبی به دست آمد (ضرغامی و همکاران، ۲۰۰۸).

مطابق با ادبیات پژوهشی در خصوص رابطه بین خودکشی و دین‌داری، دین عامل دفاعی در برابر افسردگی و خودکشی است. آنچه که در این خصوص مورد توجه است، تعهد دینی و تعلق داشتن است. تنها بودن و یا احساس ناخواسته بودن (عیسی‌زاده، ۱۳۸۹)، افسردگی و تفکر خودکشی را افزایش می‌دهد. خودانتقادی و ناامیدی هم در افسردگی و هم در عمل خودکشی، یک عامل اساسی است. یک چنین افرادی با خودتحقیری مزمن و اسنادهای ناامیدانه، خود را می‌توانند ببخشند. الگوی فکری منفی، دید شخص نسبت به خود و آینده و دنیا را رنگ‌آمیزی می‌کند. خودکشی گاهی با گناه مذهبی و ترس نیز همراه است. این باور که گناه نابخشودنی است، همراه با ناامیدی است و این می‌تواند تفکر خودکشی را مشخص سازد. امروزه بر اساس مطالب ذکر شده در خصوص دین‌داری و خودکشی، بحث بخشندگی را به عنوان مهمترین روش درمانی مورد توجه قرار داده‌اند (اکسلاین و همکاران، ۲۰۰۰).

دین کارکردهای انطباقی مهمی دارد؛ منبع مهمی برای رسیدن به معنی در زندگی، تداوم یک حس خوش‌بینی و امید، مقابله با مشکلات زندگی و یکپارچگی در شخصیت است، و موجب انسجام زندگی می‌شود. دینداری، رفتارهای سبک زندگی سالم را تسریع می‌کند (هاتوی، ۲۰۰۳). چه رابطه‌ای بین دین‌داری و شخصیت می‌تواند وجود داشته باشد که بتوان از آن طریق خودکشی را نیز پیش‌بینی کرد؟ پیرس و لیتل^۱ (۲۰۰۳)، به نقل از: واندایک

و ایلاس، ۲۰۰۷) دین‌داری را به عنوان تعهد فرد به دین، ایمان به آن و آموزه‌هایش دانسته و بیان می‌کنند که این اعتقاد در نگرش‌ها و رفتارهای فرد نیز باید منعکس شود. محمدی و محرابی‌زاده هنرمند (۱۳۸۵) در خصوص دین‌داری، چهار بُعد را مطرح ساخته‌اند: بُعد اعتقادی، که عبارت است از: باورهایی که انتظار می‌رود پیروان آن دین به آنها اعتقاد داشته باشند، مثل اعتقاد به روز قیامت؛ بُعد تجربه‌ای یا عواطف دینی که ناظر بر عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهری روحانی همچون خداست؛ بُعد پیامدی یا آثار دینی که ناظر بر تأثیر باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان آن دین است؛ بُعد مناسکی یا اعمال دینی که شامل اعمال دینی مشخص همچون نماز، عبادت، شرکت در آیین‌های دینی خاص که انتظار می‌رود پیروان هر دین آنها را به جای می‌آورند (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۶). همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهد باورهای معنوی هدف زندگی را برای فرد روشن می‌کنند و مایه تسلی در شرایط دردناک و تهدیدکننده هستند. آنها باعث می‌شوند فرد رویدادهای غیرمنتظره را به عنوان رویدادهای کمتر از تهدیدکننده ارزیابی کند و قادر باشد رویدادهای غیرقابل تغییر را بپذیرد. از این دیدگاه، فرد زمان که با نیروی بزرگ‌تری در ارتباط است و اهداف و ارزش‌های بالاتری دارد، دارای عملکرد بهتری است. یکی دیگر از پیامدهای معنوی بودن، احساس قدرت و آرامش درونی بیشتر است. در شرایط دشوار، معنویت ممکن است تنها منبع دست یافتن به آرامش یا پذیرش موقعیت باشد (حیدری شرف و همکاران، ۱۳۹۵).

وقتی که این ابعاد در فرد تقویت می‌یابد که در رأس آنها خداآگاهی قرار می‌گیرد، فرد از افکار انتحاری و خودکشی دوری می‌کند. ایمان دینی، آثار و فواید فراوانی برای انسان‌ها در جامعه دارد. به تعبیر استاد مطهری: ایمان مذهبی تنها یک سلسله تکالیف برای انسان علی‌رغم تمایلات طبیعی تعیین نمی‌کند، بلکه قیافه جهان را در نظر انسان تغییر می‌دهد. عناصری علاوه بر عناصر محسوس در ساختمان جهان ارائه می‌دهد و جهان خشک و سرد مکانیکی و مادی را به جهان جاندار و ذی‌شعور و آگاه تبدیل می‌کند. برخی از آثار ایمان دینی عبارت‌اند از: - بهجت و انبساط: ایمانی که علاوه بر معرفت، حاوی عنصر تسلیم باشد، بی‌شک انبساط و بهجتی در مؤمن می‌آفریند که پیامد آن، خوش‌بینی به جهان هستی است. ایمان مذهبی، از آن جهت که تلقی انسان را نسبت به جهان، شکل خاصی می‌دهد؛ به این نحو که آفرینش

را هدفدار، و هدف را خیر و تکامل و سعادت معرفی می‌کند، طبعاً دید انسان را نسبت به کل نظام هستی و قوانین حاکم بر آن، خوش بینانه می‌سازد (مطهری، ۱۳۸۲).

افرادی که دچار افکار خودکشی هستند، امکان ابتلا به بیماری روانی در آنها بیشتر است. بنیامین راش به عنوان پدر علم روان‌شناسی اظهار می‌دارد که نقش مذهب در سلامت روانی انسان همانند اکسیژن برای تنفس است (کرمی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۳۴). افراد متدین به هر نسبت که ایمان قوی و محکم داشته باشند، از بیماری روانی مصون تر هستند. از جمله آثار ایمان دینی، آرامش خاطر است. ایمان دینی به انسان که یک طرف معامله است، نسبت به هیجان که طرف دیگر معامله است، اعتماد و اطمینان می‌بخشد. دلهره و نگرانی نسبت به رفتار جهان را در برابر انسان از میان می‌برد و به جای آن به او آرامش خاطر می‌دهد (مطهری، ۱۳۷۵).

از آنجا که دین اسلام برای مقابله با تمامی مشکلات چاره‌اندیشی کرده است، لذا در کاهش ارتکاب به خودکشی نیز تأثیر بسزایی دارد. در این راستا مطالعات نشان داده‌اند که عقاید معنوی و باورهای مذهبی در برخورد های سازشی و صبر در برابر حوادث ناخوشایند، داشتن نگرش مثبت توأم با عزت نفس و امیدوارانه به خود و آینده زندگی و پرهیز از نومیدی، نقش بااهمیتی در کم‌رنگ کردن ارتکاب به خودکشی دارد (حیدری شرف و همکاران، ۱۳۹۵). خداوند در قرآن کریم سوره فتح آیه ۴ می‌فرماید: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ... «او کسی است که آرامش را در دل های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی به ایمانشان بیفزایند...» اولین برداشتی که صورت می‌گیرد این است که بدون ایمان، آرامش روحی و روانی وجود ندارد. یا حداقل این‌گونه می‌توان گفت که یکی از عوامل ایجاد آرامش، دارا بودن ایمان به خدا می‌باشد. به تعبیر علامه طباطبایی «ظاهراً مراد از سکینت در این آیه آرامش و سکون نفس و اطمینان آن، به عقائدی است که به آن ایمان آورده و لذا نزول سکینت را این دانسته که «لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ» تا ایمانی بر ایمان سابق بیفزایند. پس معنای آیه این است که: خدا کسی است که ثبات و اطمینان را لازمه مرتبه‌ای از مراتب روح است در قلب مؤمن جای داد تا ایمانی که قبل از نزول سکینت داشته بیشتر و کامل تر شود (عسگری، ۱۳۸۶). همچنین در آیه شریفه ۲۸ سوره رعد در قرآن کریم، آمده است: ...أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ «آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد». هنگامی که انسان دردمند و تنها، ناامید از دیگران در کاهش دردهای جسمی، یا روانی خود راهی به جایی نمی‌یابد، هنگامی که امید بهبودی از بیمار مبتلا به اختلال روانی، یا جسمانی با سیری مزمن

و پیشرونده سلب می‌شود و درمان‌های کلاسیک کمکی به او نمی‌کند، تنها راهی که برای نجات از اضطراب، افسردگی و دردهای جانکاه او باقی می‌ماند، یاری جستن از ایمان و باور دینی است (کالابراس، ۱۹۸۷، به نقل از: دادفر).

تحقیقات نشان می‌دهد که بین حرمت خود و خداآگاهی رابطه وجود دارد. انسان هنگامی که خداآگاه می‌شود، خودش را می‌یابد. این‌گونه افراد خودآگاه، جایگاه واقعی خود را در جهان هستی درک می‌کنند و از کرامت نفس خویش آگاه می‌شوند. فرد خودآگاه، دیگر خودش را با رفتار نابهنجار خوار نمی‌کند: *مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ* (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۶).

در این میان ممکن است دو انحراف بزرگ در اثر ضعف خودآگاهی خودآگاهانه به وجود آید، که با اثر کردن بر «خود»، موجب سازش نایافتگی آن شود و در نتیجه، در نظارت بر رفتار و تنظیم آن دچار مشکل گردد. «خودکم‌بینی» یا «خودباختگی» از یک سو و «خودبزرگ‌بینی» یا «خودمحوری» از سوی دیگر، دو عامل به هم ریختن تعادل خود، تعارض روانی و نابهنجار رفتاری است، اما داشتن خودآگاهی خداآگاهانه افزوده، آگاهی از خود به تمام معناست؛ بدین‌گونه که فرد از همه ابعاد خود، یعنی از استعدادها، توانایی‌ها، گرایش‌های مثبت و فطری از یک سو و ضعف‌ها، کمبودها و گرایش‌های منفی غریزی از سوی دیگر، به صورتی واقعی آگاه می‌شود و آنها را می‌پذیرد. در این صورت، آگاهی از یک سو با احساس خودکم‌بینی، خودباختگی، از خودبیگانگی، ناشایستگی و بی‌لیاقتی، که از ویژگی‌های افراد نورتیک است و منشأ اختلالاتی چون افسردگی، اضطراب، حسد و پرخاشگری می‌باشد، مقابله می‌کند و با نمایش تصویری روشن از خود، پذیرش خود، حرمت خود، خودشکوفایی و بهداشت روانی او را افزایش می‌دهد؛ از سوی دیگر، با احساس خودبزرگ‌بینی، کبر و غرور، خودمحوری و خودشیفتگی، که منشأ بسیاری از ناسازگاری‌های ناکنشوری‌های رفتاری است، مقابله می‌کند و با نمایش تصویر سالم، بر تواضع، نوع‌دوستی و سازگاری فرد می‌افزاید.

به گفته بندورا، حرمت خود می‌تواند از طریق ارزش‌های واقعی که از باورهای اعتقادی فرد ریشه می‌گیرد، به دست آید. حرمت خود از ارزش‌های واقعی ریشه گرفته، از مذهب و باورهای اعتقادی، با منسوخ ساختن دیگران و توجه به منبع دیگر؛ یعنی خدا مرتبط است (شجاعی، ۱۳۸۷). وقتی چیزی به شخص با عظمت و بزرگ نسبت داده شود، دارای ارج و قرب می‌گردد (رحیمی، ۱۳۹۶).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین حرمت خود و سلامت روان رابطه معناداری وجود دارد (یعقوب‌زاده، ۱۳۹۷). راجرز معتقد است: تجارب زندگی افراد، به علت نیاز به احترام به خود و بر حسب شرایط ارزش به طور انتخابی درک می‌شود، از نظر وی انسان موجودی ارزشمند، منطقی، اجتماعی، سازنده، هدف‌دار و پیش‌رونده است و او توانایی برای رشد و تحقق نفس خویش را داراست. تأکید راجرز به انسان موجب می‌شود، معلم و مربی اگر دانش‌آموز و شاگرد را موجودی ارزشمند بداند، والدین اگر کودک را ارزشمند بدانند، استاد اگر دانشجو را فرد باارزشی بنگرد، بدیهی است که به تحقق نفس وی کمک کرده و او در سایه این احترام، عزت نفس بالایی کسب کرده و خود را شکوفا می‌بیند؛ چرا که از دیدگاه راجرز فرد نه تنها تمایل به حفظ خود و ارتقاء خود، بلکه نیاز به تحقق خویشتن دارد و در این صورت ضمن دارا بودن تمامیت وجود، از آرامش روانی خاصی برخوردار است (بیابانگرد، ۱۳۷۲).

قرآن مجید در سه مورد، همه را از آن خداوند می‌داند و می‌فرماید: *وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ*^۱ «عزت، مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است».

این آیات بیانگر آن است که خصلت عزت‌نفس، از صفات الهی است. آنان که دارای این خصلت بزرگ هستند، مظهر یکی از صفات الهی می‌باشند. در قرآن آمده است که: *لِيَتَّعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا*^۲ یعنی اینکه «آیا آنان (منافقان عزت را نزد غیر خدا می‌جویند، با اینکه) قطعاً همه عزت نزد خداست».

در جای دیگری از قرآن کریم آمده است که: *مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا*^۳ یعنی اینکه «کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهند؛ چرا که) تمام عزت برای خداست».

با توجه به این آیات، پایه اساسی و شرایط اصلی تحصیل عزت، اعتقاد به خداست. بنابراین در کارها و برنامه‌های غیرخدایی، هیچ‌گونه عزتی به دست نخواهد آمد. توحید و خداآگاهی اساسی‌ترین مؤلفه‌های دین است و شاکله اصلی دین‌داری را تشکیل می‌دهد. اساساً دین‌داری بدون خداآگاهی و ایمان و عمل توحیدمدارانه معنایی نخواهد داشت. جهت‌گیری همه آموزه‌ها و احکام و مناسک دینی، به ویژه عبادات و نماز، فراهم‌سازی بهترین هنگامه‌های خداآگاهی، رفتن به سمت خدا و برقراری پیوند با اوست (طباطبایی، ۱۳۷۱).

۱. منافقون، ۸.

۲. نساء، ۱۳۹.

۳. فاطر، ۱۰.

حرمت خود به «ارزیابی فرد از ارزشمندی خویش» تعریف شده است (قائدی و جوشن‌لو، ۱۳۸۷). در واقع حرمت خود یک امر درونی است. از طرفی نزدیک‌ترین سبک دین‌داری، که جهت‌گیری آن معمولاً خداآگاهانه و خالصانه است، جهت‌گیری مذهبی و درونی و پایدار است، که نسبت به جهت‌گیری مذهبی بیرونی سهم بیشتری در سلامت روانی دارد. هر چه مذهب درونی‌تر و پایدارتر شود، سلامت روانی بالاتر می‌رود (جان‌بزرگی، ۱۳۸۶).

منابع

- آذربایجانی، د. و. (۱۳۸۲)، *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، تهران: انتشارات.
- آذربایجانی، م. (۱۳۸۵)، *درآمدی بر روان‌شناسی دین*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آذربایجانی، م. (۱۳۸۷)، *روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- احمدی، ع. ه. (۱۳۸۹). «تأثیر بازی‌های رایانه‌ای بر میزان حرمت خود نوجوانان»، *روان‌شناسی و دین*، سال ۳، شماره ۲، ص ۷۵-۸۹.
- اسلامی نسب بجنوردی، ع. (۱۳۷۱)، *بحران خودکشی (مبانی روان‌شناختی رفتار خود - تخریبی و تهاجمی) با نگرش بالینی و کلی‌گرا برای روان‌پزشکان*، تهران: فردوس.
- امیری، ج. ا. (۱۳۸۵)، بررسی شیوع افکار خودکشی و عوامل مرتبط با آن در میان سربازان، *سالنامه طب نظامی*، سال ۸، ص ۱۱۳-۱۱۸.
- امیری، د. ک. (۱۳۹۱)، *رابطه بین افسردگی، اضطراب، تاب‌آوری، تنیدگی و سلامت روانی با افکار خودکشی در دانشجویان*.
- بازرگان، ا. ح. (۱۳۹۳)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: آگه.
- براندن، ن. (۱۹۶۹)، *روان‌شناسی عزت نفس*، (م. قراچه‌داغی، مترجم)، تهران: نخستین.
- بشارت، س. ب. (۱۳۸۹)، رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نگرانی‌های مربوط به وزن در دختران نوجوان، *مجله علوم رفتاری*، دوره ۴، شماره ۴، ص ۶۹-۷۶.
- بنیانی، م. (۱۳۹۲)، *ساخت آزمون اولیه حرمت خود مبتنی بر منابع اسلامی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- بهرامی، ر. ا. (۱۳۹۱)، رابطه میان سبک‌های دلبستگی و سازگاری اجتماعی، *دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد*، سال ۱۹، شماره ۶، ص ۲۶-۱۵.
- بیابانگرد، ا. (۱۳۷۶)، *روش‌های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان*، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- پورافکاری، ن. (۱۳۷۳)، *فرهنگ جامع روان‌شناسی، روان‌پزشکی انگلیسی-فارسی*: حاوی بیش از ۲۰۰۰ واژه و اصطلاح روان‌شناسی و روایزشکی و زمینه‌های وابسته، تهران: فرهنگ معاصر.
- پورنقاش تهرانی، س. (۱۳۸۳)، *داروها و رفتار*، تهران: سمت.

- پورحسین، ر. (۱۳۸۳)، *روان‌شناسی خود*، تهران: امیرکبیر.
- پوریوسفی، ح. (۱۳۸۴)، *بررسی میزان، علل و انگیزه‌های خودکشی در ایران و جهان*.
- پوپ، ا. (۱۹۸۸)، *افزایش احترام به خود در کودکان و نوجوانان*، (پ. تجلی، مترجم)، تهران: رشد.
- پیرو، ا. ع. (۱۳۹۰)، تحلیل جامعه‌شناختی گرایش دانشجویان به خودکشی، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۲، شماره پیاپی ۴۴، شماره ۴، ۱-۱۸.
- تیممی آمدی، ع. (قرن ۵ هـ)، *غرر الحکم و درر الکلم*.
- جان‌بزرگی، م. (۱۳۸۶)، جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان، *پژوهش در پزشکی*، سال ۳۱، شماره ۴، ص ۳۵-۳۴۵.
- جلیلی، ا. (۱۳۸۵)، *تأثیر درمان فعال‌سازی رفتاری گروهی در کاهش علائم افسردگی دانشجویان و اثر این درمان بر سبک اسنادی و نگرش‌های ناکارآمد*، تهران: منتشر نشده.
- جورجینا، پ. س. (۱۳۸۵)، *دورکیم، خودکشی و مذهب*، ترجمه یحیی علی بابایی.
- جیمز، و. (۱۳۷۲)، *دین و روان*، (م. قائنی، مترجم) تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- چراغی، ف. ش. (۱۳۷۶)، *روان‌پرستاری و بهداشت روان*، همدان، دانشگاه علوم پزشکی همدان.
- چراغی، م. م. (۱۳۹۴)، رابطه حمایت‌های اجتماعی با بهزیستی روان‌شناختی و افسردگی: نقش واسطه‌ای حرمت خود و نیازهای اساسی روان‌شناختی، *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، سال ۱۱، شماره ۴، ص ۲۹۷-۳۱۲.
- حسن‌زاده، س. (۱۳۸۷)، *چرا بعضی خودکشی می‌کنند؟*، تهران: نشر قطره.
- حسن‌زاده، م. م. (۱۳۸۵)، *روش‌های آماری در علوم رفتاری*، تهران: ویرایش.
- حسینی مطلق، س. (۱۳۹۲)، *رابطه پابیندی به سبک زندگی اسلامی با افسردگی و اضطراب*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- حناساب‌زاده اصفهانی، م. (۱۳۸۹)، *نمی‌خواهم به خودکشی فکر کنم!*، تهران: نشر قطره.
- خوشابی، ا. ا. (۱۳۸۷)، *جان‌بابی: نظریه دلبستگی*، تهران: دانژه.
- خوشنوس، ر. (۱۳۷۹)، *تاریخچه خودکشی*، ص ۱۹.
- دربان، ن. م. (۱۳۹۱)، بررسی فراوانی افکار خودکشی در دانشجویان علوم پزشکی، *فصلنامه افق پرستاری*.
- دروکهیم، ا. (۱۳۸۸)، *خودکشی*، (ن. س. امیری، مترجم)، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- دستجردی، س. خ. (۱۳۹۰)، بررسی نقش دلبستگی دوران کودکی، دلبستگی به خدا و سبک‌های اسنادی بر اضطراب اجتماعی دانشجویان دانشگاه بیرجند، *روان‌شناسی و دین*، سال ۴، شماره ۴، ص ۴۳-۵۹.
- دلاور، ع. (۱۳۸۵)، *روش تحقیق*، تهران: رشد.
- ذاکری، ح. (۱۳۹۱)، *خودکشی از دیدگاه امیل دورکیم و بررسی علل و روش‌های خودکشی در ایران*.
- راجرز، ک. ر. (۱۹۶۱)، *نظریه فرم‌دار "خود" هسته نظری شخصیت راجرز*، (ف. ه. سازمند، مترجم) تهران، دانژه.
- رحیمی، ع. (۱۳۹۶)، *رابطه خداآگاهی با خودمهارگری با توجه به خودآگاهی و حرمت خود*، قم،

دانشکده غیرانتفاعی اخلاق و تربیت.

- رضائیان، م. ب. (۱۳۹۵)، شیوع افکار و اقدام به خودکشی و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان ایرانی: یک مطالعه مروری منظم، *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، دوره ۵، ص ۱۰۶۱-۱۰۷۶.
- زارعی، ا. (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین تصور از خدا و سلامت روان در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های پیام نور و آزاد اسلامی شهر میناب، *فصلنامه روان‌شناسی و دین*، سال ۲، شماره ۲، ص ۹۳-۱۰۶.
- زینتی، ع. (۱۳۷۹)، *بررسی تأثیر احساس ایمنی- نایمنی بر سطح حرمت خود در طلاب پایه اول و هفتم حوزه علمیه قم*، پایان‌نامه ارشد، ص ۳۰.
- ستوده، ه. (۱۳۷۶)، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات آوای نور.
- سعادت‌نسب، ع. ط. (۱۳۸۵)، مشکلات روان‌شناختی و افکار خودکشی در دانشجویان مقاطع مختلف پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد، *مجله دانشگاه پزشکی دانشکده علوم پزشکی مشهد*، ص ۱۹۱-۱۹۸.
- شاملو، س. (۱۳۹۷)، *آسیب‌شناسی روانی*، تهران: رشد.
- شجاعی، م. (۱۳۸۲)، *رابطه میزان توکل به خدا با حرمت خود*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- شجاعی، م. (۱۳۸۳)، *توکل به خدا راهی به سوی حرمت خود و سلامت روان*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- شجاعی، م. (۱۳۸۷)، *توکل به خدا*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- شریفیان، ض. س. (۱۳۹۲)، اثر القای شفقت خود و حرمت خود بر میزان تجربه شرم و گناه، *روان‌شناسی معاصر*، ص ۹۱-۱۰۳.
- شریفی‌نیا، م. (۱۳۸۸)، درمان یکپارچه توحیدی رویکرد دینی در درمان اختلالات روانی، *دوفصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال ۳، شماره ۴، ص ۶۵-۸۲.
- شعبی، ف. (۱۳۹۲)، *سبک دل‌بستگی و روابط اجتماعی*.
- شمشادی، م. ش. (۱۳۸۶)، ساخت عاملی «مقیاس درجه‌بندی حرمت خود» (SERS)، *دو ماهنامه عملی - پژوهشی دانشگاه شاهد*، سال ۱۴، شماره ۲۵، ص ۴۷-۶۰.
- شهید ثانی، ش. (۱۴۰۰ق)، *مصباح الشریعه*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- شولتز، ت. (۱۳۹۵)، *روان‌شناسی کمال: الگوهای شخصیت سالم*، (گ. خوشدل، مترجم)، تهران: پیکان.
- شولتز، د. ش. (۱۳۹۴)، *نظریه‌های شخصیت*، (ی. سیدمحمدی، مترجم)، تهران: ویرایش.
- شیخ‌وندی، د. (۱۳۸۴)، *استراتژی‌ها و برنامه‌های پیشگیری از خودکشی*، تهران: قطره.
- صدوق، ش. (۱۳۸۵)، *من لایحضره الفقیه*، (م. غفاری، مترجم)، تهران: دارالکتب.
- صفورایی‌باریزی، ز. ک. [بی‌تا]، عزت‌نفس؛ احترامی به ملکوت خویشتن با نگاهی از دریچه روان‌شناسی و دین، *فصلنامه در عرصه مطالعات زن و خانواده*، ص ۱۶۵-۱۸۹.
- صیادی‌اناری، ح. ز. (۱۳۸۹)، بررسی فراوانی اختلالات روانی و عوامل مرتبط با اقدام به خودکشی در بیماران

مراجعه کننده به اورژانس بیمارستان حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام رفسنجان، **مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان**، دوره ۹، شماره ۳، ص ۲۲۱-۲۳۲.

- صیادپور، ز. (۱۳۸۶)، **ارتباط بین حرمت خود و سبک دلبستگی**، ص ۹.
- صیدخانی نهال، س. ک. (۱۳۹۲)، مقایسه افکار خودکشی و افسردگی در افراد اقدام کننده به خودکشی و سالم در استان ایلام در سال ۱۳۹۰-۱۳۹۱، **مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام**، دوره ۲۱، شماره ۱، ص ۴۷-۵۳.
- طباطبایی، س. (۱۳۷۱)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۷ و ج ۱۷، قم: اسماعیلیان.
- طبرسی، ف. (۱۳۷۲)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: ناصر خسرو.
- طلایی، ه. و. (۱۳۸۵)، تأثیر آشنایی بیمار با فرد و اتاق عمل در روز قبل از عمل به دلیل اضطراب قبل از عمل، **مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد**، ص ۱۹۱-۱۹۸.
- علیانصب، س. (۱۳۹۰)، تصویر ذهنی از خدا و خاستگاه آن، **روان شناسی و دین**، سال ۴، شماره ۲، ص ۷۷-۹۳.
- علیزاده، س. م. (۱۳۹۲)، **بررسی شیوع افکار خودکشی و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان**.
- عیسی زاده، ع. (۱۳۸۹)، **مجموعه مقالات همایش ملی خودکشی: علل پیامدها و راهکارها**، تهران: جامعه شناسان.
- غلامعی لواسانی، ر. پ. (۱۳۹۵)، بررسی اثربخشی «روش مرور خویشتن» بر افکار خودکشی و رنجش در نوجوانان دختر بزهکار، **مجله علوم روان شناختی**، دوره ۱۵، شماره ۵۷، ص ۹-۱۹.
- فانی، ز. ع. (۱۳۹۰)، بررسی روایی و پایایی مقیاس دلبستگی به خدا، **ویژه نامه روش ها و مدل های روان شناختی**، ۲، ص ۶۵.
- فضل اللمی قمشی، م. م. (۱۳۹۲)، بررسی رابطه دین باوری، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانشجویان **مطالعات اسلام و روان شناسی**، سال ۷، شماره ۱۳، ص ۴۷-۶۵.
- فونتانا، (۱۳۸۵)، **روان شناسی، دین و معنویت**، (ا. ساوار، مترجم)، قم: ادیان.
- قائدی، م. ج. (۱۳۸۷)، بررسی مجدد پایایی و اعتبار مقیاس حرمت خود روزنبرگ در ایران، آبان ۸۷، سال پانزدهم، شماره ۲۱، **دوماهنامه علمی - پژوهشی دانشور رفتار**، دانشگاه شاهد، سال ۱۵، شماره ۲۱.
- قدوسی، ف. ص. (۱۳۹۳)، رابطه سبک های دلبستگی و سلامت روان در میان پرستاران، **مرکز تحقیقات مراقبت های پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایران (نشریه پرستاری ایران)**، دوره ۲۷، شماره ۸۸، ص ۱۱-۲۱.
- قراملکی، ا. (۱۳۸۳)، **اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی**، ص ۲۵.
- قلیزاده، م. ب. (۱۳۹۱)، تعامل عامل های شخصیتی با علایم افسردگی، ناامیدی و افکار خودکشی در بین دانشجویان، **مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز**، دوره ۲۴، شماره ۱، ص ۲۸-۳۴.
- قهاری، ش. (۱۳۹۱)، **مقابله با خودکشی: راهنمای روان شناسان، روان پزشکان و مشاوران**، تهران: نشره قطره.
- کاربردی، ف. ن. (۱۳۷۹)، **مجموعه مقالات همایش ملی خودکشی: علل، پیامدها و راهکارها**، تهران:

جامعه‌شناسان.

- کریمی، پ. ج. (۱۳۹۵)، *رابطه کیفیت زندگی، معنویت و تاب‌آوری با افکار خودکشی در دانشجویان*.
- کلینی، م. (۳۲۹)، *الکافی*، ج ۲، بغداد.
- کیت، ل. ف. (۱۳۸۴)، ساختارهای معناگذاری طرح‌واره‌ها، هیجانی و پردازش شناختی اطلاعات هیجانی، *فصلنامه اندیشه و هنر*، سال ۱۱، شماره ۲، ص ۲۵-۳۲.
- گودرزی، ا. م. (۱۳۸۵)، علل اقدام به خودکشی در زنان متأهل، *مجله دانشکده پرستاری و مامامی دانشگاه علوم پزشکی تهران*، دوره ۱۲، شماره ۱، ص ۴۷-۵۳.
- گیلانی، م. ع. (۱۴۳۴)، *مصباح الشریعه*، تهران: دانشگاه تهران.
- مازلو، آ. (۱۹۷۰)، *انگیزش و شخصیت*، (ا. ر. (۱۳۷۲)، مترجم)، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ماسن و دیگران، ی. ه. (۱۳۷۲)، *رشد شخصیت کودک*، (یاسائی، مترجم)، مهشید.
- مجدزاده، س. ن. (۱۳۸۵)، استانداردسازی پرسش‌نامه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت (WHOQOL-BREF)، *مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی*، دوره ۴، شماره ۴، ص ۱-۱۲.
- مجلسی، م. (۱۳۶۲)، *بحار الأنوار*، ج ۷۵، اصفهان.
- محمدی، م. (۱۳۸۸)، *قناعت و سلامت روان*، قم: انتشارات مؤسسه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- محمدی، م. پ. (۱۳۹۳)، مؤلفه‌های «خدامحوری» و آثار آن در زندگی از دیدگاه قرآن و روایات، *فصلنامه تخصصی مطالعات اجتماعی*، سال ۲، شماره ۲، ص ۲-۲۲.
- محمدی، م. پ. (۱۳۹۳)، *مؤلفه‌های خدامحور و آثار آن در زندگی از دیدگاه قرآن و روایات*، ص ۱۷.
- محمدی و همکاران، و. ش. (۱۳۸۳)، پایایی و قابلیت اجرای نسخه فارسی مصاحبه ساختار یافته تشخیص برای SCID بر اساس DSM IV، *فصلنامه تازه‌های علوم شناختی*، شماره ۳، ص ۸۸-۲۲.
- محمدخانی، ا. ر. (۱۳۸۴)، *راهنمای ارزیابی، تشخیص و درمان افکار و رفتار انتحاری کودکان و بزرگسالان*، تهران: دانشگاه علوم پزشکی و توانبخشی.
- محمدخانی، پ. (۱۳۸۰)، همبودی نشانگان افسردگی و آشفتگی‌های روان‌شناختی با افکار خودکشی و اقدام به خودکشی در دختران مناطق پرخطر، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، شماره ۱۲، سال ۳، ص ۳۱۰-۳۲۵.
- محمودی، ه. (۱۳۹۸)، رابطه سبک‌های دلبستگی و گرایش به خودکشی با نقش تعدیل‌کنندگی خودانتقادی و وابستگی در دانشجویان، *مجله روان‌شناسی*، ۹۲، سال ۲۳، شماره ۴، ص ۴۲۴-۴۳۹.
- مدبر، ح. ا. (۱۳۹۳)، *بررسی ارتباط افکار خودکشی با ویژگی‌های روانی-اجتماعی در بیماران افسرده*، ص ۳.
- مدبر، ح. ا. (۱۳۹۳)، *بررسی ارتباط افکار خودکشی با ویژگی‌های روانی-اجتماعی در بیماران افسرده*، *مجله انجمن علمی پرستاری ایران*، دوره دوم، شماره ۲.
- مرتضوی تبار، ز. آ. (۱۳۸۸)، *عوامل مؤثر بر اقدام به خودکشی در استان چهارمحال و بختیاری در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۰*.
- مزیدی شرف‌آبادی، م. ا. (۱۳۹۳)، *رابطه دلبستگی به خدا با سلامت روان و هدف در زندگی دانشجویان پسر*.

- مطهری، م. (۱۳۸۲)، *مجموعه آثار*، ج ۲، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری طشی، ع. ف. (۱۳۸۳)، افسردگی، رویکرد اسلامی در سبب‌شناسی و فرایند درمان، *معرفت*، شماره ۸۴.
- مظاهری، ح. (۱۳۸۸)، *کاوشی نو در اخلاق اسلامی*، (م. آ. ابوالقاسمی، مترجم)، تهران: نظر ذکر.
- نجاریان، ف. ص. (۱۳۹۴)، بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با ابراز وجود در دانشجویان دانشگاه‌های کاشان، *رویش روان‌شناسی*، سال ۴، شماره ۱۳، ص ۳۵-۴۸.
- نراقی، م. (۱۳۸۱)، *معراج السعاده*، ج ۱، (ر. مرندی، مترجم)، تهران: دهقان.
- نواللهی، ح. ر. (۱۳۹۳)، *بررسی رابطه بین افکار خودکشی، افسردگی، اضطراب، تاب‌آوری، تنیدگی‌های روزانه و سلامت روانی در دانشجویان دانشگاه تهران*.
- نورعلیزاده میانجی، م. (۱۳۹۴)، *از خداآگاهی تا سلامت روان: آزمون یک مدل با کاربرد تحلیل مسیر*، ص ۵۹.
- نورعلیزاده میانجی، م. (۱۳۹۰)، *رابطه خداآگاهی با خودآگاهی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- نورعلیزاده میانجی، م. (۱۳۹۶)، *از خداآگاهی تا خودآگاهی و آثار روان‌شناختی آن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- نویدیان، ا. ا. (۱۳۸۳)، بررسی میزان شیوع افسردگی دانشجویان دانشکده علوم پزشکی زابل در سال تحصیلی ۸۱-۸۰، *مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد*، ص ۱۵-۲۱.
- هومن، ح. (۱۳۹۶)، *شناخت روش علمی در علوم رفتاری*، تهران: سمت.
- ورام، ز. (۱۳۷۶)، *مجموعه ورام*، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۱.
- وولف، د. (۱۳۸۶)، *روان‌شناسی دین*، (م. دهقانی، مترجم)، تهران: رشد.
- یزدان‌نیک، ع. ض. (۱۳۸۰)، ارتباط الگوی رفتاری والدین با افسردگی و افکار خودکشی در نوجوانان، *مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد*، دوره ۳، نوبت ۲، ص ۴۶-۵۴.
- یعقوب‌زاده، ز. ن. (۱۳۹۷)، *رابطه حرمت خود و سلامت روانی: نقش واسطه‌ای شادکامی*، پنجمین همایش ملی روان‌شناسی مدرسه، تهران: انجمن روان‌شناسی ایران.
- Davidson, C. a. (2003). Development of a new resilience scale: The Connor–Davidson resilience scale (CD–RISC). *Depression and Anxiety*, 18, 78–82.
- Gilbert, P., I. C. (2004). Pilot exploration of the use of compassionate images in a group of self-critical people. *Memory*. 12 (4), 507–516.
- Gould, M. G. (2003). Young suicide risk and preventive interventions: areview of the past 10 years. *Journal American Academy Child and adolescent Psychiatry*, 386–405.
- Koshan M, V. S. (2006). *mental helth* (2). 3, 4.
- Maimon, D. B.–G. (2010). Collective efficacy, family attachment, and urban adolescent suicide attempts. *J. Health Soc. Behave*. 51(3), 307–324.
- schultz, d. p. (1991). *theories of personality*.

اسلام پژوهش های روان شناختی

سال پنجم، شماره اول، پیاپی ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸ (ص ۵۵-۷۵)

رابطه مثبت نگرى مادران با عزت نفس نوجوانان با توجه به دين دارى مادران

The positive relationship of mothers with adolescents 'self-esteem with regard to mothers' religiosity

حسین صادقیان / کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشکده تربیت، موسسه آموزشی عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.
جعفر جدیری / استادیار، دانشکده تربیت، موسسه آموزشی عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.
حسن تقیان / استادیار، دانشکده تربیت، موسسه آموزشی عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.

Hossein Sadeghian / Master of Counseling and Guidance, Faculty of Education, Institute of Higher Education, Ethics and Education, Qom, Iran. sadeghian1988@gmail.com

Ja'far Jadiri / Assistant Professor, Faculty of Education, Higher Education Institute of Ethics and Education, Qom, Iran.

Hassan Taqiyani / Assistant Professor, Faculty of Education, Higher Education Institute of Ethics and Education, Qom, Iran.

ABSTRACT

The present study sought to determine the relationship between mothers' positivity and adolescents' self-esteem with respect to mothers' religiosity.

This research is considered as a basic research in terms of purpose and is a descriptive-correlational research in terms of work method.

The study population in this study includes 4100 people including all mothers and students of public schools for girls and boys in the second secondary school who were studying in Saveh city in the academic year of 96-97. 144 men were selected by multi-stage cluster sampling.

The instruments of the present study include the Glock and Stark Religiosity Questionnaire, the Ingram-

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال تعیین رابطه مثبت نگرى مادران با عزت نفس نوجوانان با توجه به دين دارى مادران بود. اين پژوهش از نظر هدف جزء پژوهش های بنيادی محسوب می شود و از نظر روش کار جزء پژوهش های توصیفی-همبستگی می باشد. جامعه مورد بررسی در این پژوهش ۴۱۰۰ نفر شامل کلیه مادران و دانش آموزان مدارس دولتی روزانه دخترانه و پسرانه متوسطه دوم که در سال تحصیلی ۹۷.۹۶ در شهرستان ساوه مشغول تحصیل بودند، می باشد. ۱۴۴ نفر با روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش حاضر شامل پرسش نامه دين داری گلاک و استارک، پرسش نامه مثبت نگرى اینگرام و وینیسکی، پرسش نامه عزت نفس روزنبرگ

Winsky Positiveness Questionnaire, and the Rosenberg Self-Esteem Questionnaire. In the inferential part, Pearson correlation coefficient was used to determine the relationship between variables, and univariate and multivariate regression tests were used to measure the effect of each component on the main variable.

The present study showed that mothers' religiosity has a moderating role in the relationship between mothers' positivity and adolescents' self-esteem and has increased adolescents' self-esteem. Adolescents' self-esteem has a positive and significant relationship and there is a positive and significant relationship between mothers' religiosity and mothers' positivity.

KEYWORDS: positive thinking, self-esteem, religiosity, mothers and adolescents

می‌باشد. در بخش استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون به منظور جهت تعیین رابطه بین متغیرها، و آزمون رگرسیون تک متغیره و چند متغیره جهت سنجش تأثیر هر یک از مؤلفه‌ها در متغیر اصلی استفاده شد. تحقیق حاضر نشان داد دین‌داری مادران در رابطه بین مثبت‌نگری مادران با عزت‌نفس نوجوان، نقش تعدیل‌کنندگی داشته و میزان عزت‌نفس نوجوانان را افزایش داده است، همچنین پژوهش حاضر نشان داد که بین مثبت‌نگری مادران با عزت‌نفس نوجوانان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و نیز بین دین‌داری مادران و عزت‌نفس نوجوانان رابطه مثبت و معناداری وجود داشته و نیز بین دین‌داری مادران و مثبت‌نگری مادران رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است.

کلیدواژه‌ها: مثبت‌نگری، عزت‌نفس، دین‌داری، مادران، نوجوانان.

بیان مسئله

عزت‌نفس یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سلامت روان تلقی می‌شود، که فرایند تفکر، احساسات، آرزوها، ارزش‌ها و اهداف انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (جعفری، ۱۳۹۴). به نگرشی که فرد نسبت به خود و ارزیابی که از خود دارد عزت‌نفس گفته می‌شود (میلر، روتبلوم، براند، پاملا، فیسلیو و دائن، ۱۹۹۵^۱، به نقل از: نریمانی و همکاران، ۱۳۹۳). عزت‌نفس عبارت است از نگرش نسبت به خود (رزنبرگ، ۱۹۹۵^۲؛ کوپر اسمیت، ۱۹۶۵^۳) که شامل رشد احساسات،

1. Miller, C. T., Rothblum, E. D., Felicio, D., & Brand, P.

2. Rosenberg, M.

3. Coopersmith, S.

خودارزشی توسط فرد و احساس جذابیت و صلاحیت است (اورسان و جاست، ۲۰۰۷). در سال‌های اخیر، عزت‌نفس به شکل عمیقی، شاه‌راه رسیدن به شادی و رضایت از زندگی و پادزهری برای انواع مشکلات اجتماعی در فرهنگ‌های مختلف شده است. برخی از پژوهش‌ها مؤید تغییر و یا افزایش عزت‌نفس در طول دوره‌های مختلف زندگی (ایرول و اورس، ۲۰۱۱) و گروهی دیگر معتقد به عدم تغییر آن در طول دوران حیات است (یونگ و مروژیک، ۲۰۰۳).

نوجوانی دوره مهمی از زندگی است که با ورود به این دوره تحولات بسیار عمیقی از نظر روانی و اجتماعی در نوجوانان به وجود می‌آید که موجب به هم خوردن تعادل و توازن جسمانی و روانی فرد می‌شود (شریفی و همکاران، ۱۳۹۰). نوجوان نیازهای متعددی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها داشتن عزت‌نفس بالاست، اهمیت عزت‌نفس به دلیل تأثیری که بر رشد مطلوب شخصیت کودک و نوجوانان دارد به عنوان عاملی مهم در سازگاری و بهزیستی افراد به حساب می‌آید (بیابان‌گرد، ۱۳۸۷). تحقیقات (سروریان و تقی‌زاد، ۱۳۹۴) نشان می‌دهد نوجوان با عزت‌نفس بالا قادر به برقراری ارتباط و ابراز احساسات و عواطف در موقعیت‌های مختلف و تحمل شکست و ناامیدی و مسئولیت‌پذیری، احساس مثبت در خود و کنترل درونی هستند. در مقابل دانش‌آموزان با عزت‌نفس پایین وابسته بوده، تحمل سرخوردگی نداشته و در تصمیم‌گیری مشکل دارند.

کار کردن روی عزت‌نفس در اصلاح و درمان بسیاری از اصلاحات شخصیتی و رفتاری کودکان و نوجوانان به عنوان اولین یا مهم‌ترین گام شناخته می‌شود (شاملو، ۱۳۸۸). نوجوانانی که دارای احساس خودارزشمندی و عزت‌نفس قابل توجهی هستند، نسبت به همسالان خود در شرایط مشابه پیشرفت تحصیلی و کارآمدی بیشتری از خود نشان می‌دهند (مکنون، هانا، الینا و متی، ۲۰۱۶).

از طرفی دیگر، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تندرستی و طول عمر انسان، امید به بهبودی و تداوم زندگی است. امید، تأثیرات بیولوژیک دارد و می‌تواند بر کنترل درد و ضعف جسمانی افراد تأثیرات مثبتی بگذارد. امید و انتظار باعث فعال شدن مدارهای مغزی و آزاد

1. Ourerson, C. & Jost, M.

2. Erol Y and Orth U.

3. Young F and Mroczek K.

4. Mekonnen, M., Hannu, S., Elina, L., & Matti, K.

شدن آندروفین و در نتیجه موجب کاهش درد در بدن می‌شود. این ویژگی، توانایی است که به فرد کمک می‌کند به‌رغم مشکلاتی که در راه دستیابی به اهداف وجود دارد، انگیزه خود را حفظ کند (اسنایدر و لویز، ۲۰۰۳^۱، ص ۳۰۲).

امروزه برای اصلاح و درمان بسیاری از اختلالات شخصیتی و رفتاری افراد به‌عنوان اولین یا مهم‌ترین گام به ارزیابی و پرورش احساس عزت‌نفس، تقویت اعتماد به نفس، مهارت‌های فردی و اجتماعی آنان می‌پردازند (شاملو، ۱۳۸۸). افرادی که از عزت‌نفس بالاتری برخوردارند، خودکفاتر، مولدتر و سازنده‌تر هستند. اضطراب و فشار روانی کمتری را تجربه می‌کنند، به شکست و انتقاد، کمتر حساسیت نشان می‌دهند و کمتر از احساس درماندگی رنج می‌برند. آنان تمایل بیشتری بر مواجهه با مشکلات دارند و بر نقاط قوت خویش تأکید می‌کنند، لذا نسبت به خود و توانمندی‌های خود، نگرش مثبتی دارند، همین امر سبب می‌شود تا از اجتماع کناره‌گیری نکنند و به موفقیت‌های شغلی و تحصیلی بیشتری دست یابند و نیز باعث تغییر انگیزش بیرونی آنان به سوی انگیزش درونی می‌شود و احساس خودارزشمندی و خوداتکایی می‌کنند (مکنون، هانا، الینا و متی، ۲۰۱۶^۲).

راجرز^۳ (به نقل از: جولایی، ۱۳۹۳) معتقد است تمام انسان‌ها در تمام دوره‌های زندگی به عزت‌نفس نیازمند هستند. نوجوانی حساس‌ترین فصل زندگی است و آنها در این دوره معمولاً از عزت‌نفس بالایی برخوردار نیستند (شریفی، ۱۳۹۶).

اهمیت عزت‌نفس به دلیل تأثیر چشمگیری که بر رشد مطلوب شخصیت نوجوانان دارد، به‌عنوان عاملی مهم در سازگاری و بهزیستی آنها به حساب می‌آید (بیابان‌گرد، ۱۳۸۷). نوجوانی دوره مهمی از زندگی است که با ورود به این دوره تحولات بسیار عمیقی از نظر روانی و اجتماعی در نوجوانان به وجود می‌آید که موجب به‌هم خوردن تعادل و توازن جسمانی و روانی فرد می‌شود، به همین خاطر نوجوانی شاید بحرانی‌ترین مرحله برای نوجوان و خانواده محسوب می‌شود (شریفی و همکاران، ۱۳۹۰). در طول نوجوانی برداشت نوجوان از خود پیچیده‌تر، سازمان‌یافته‌تر و با ثبات‌تر می‌شود. آنها به مرور زمان بازنمایی متعادلی از قوت‌ها و ضعف‌های خود تشکیل می‌دهند (هارتر، ۲۰۰۴^۴، به نقل از: سید محمدی، ۹۲۱۳). نوجوانان

1. Snyder CR and Lopez S.

2. Mekonnen, M., Hannu, S., Elina, L., & Matti, K.

3. Rogers, C.

4. Harter, S.

با عزت‌نفس بالا قادر به برقراری ارتباط و ابراز احساسات و عواطف در موقعیت‌های مختلف و تحمل شکست و ناامیدی و مسئولیت‌پذیری، احساس مثبت در خود و کنترل درونی هستند. در مقابل نوجوانان با عزت‌نفس پایین وابسته بوده، تحمل سرخوردگی نداشته و در تصمیم‌گیری مشکل دارند (سروریان و تقی‌زاد، ۱۳۹۴).

عوامل بسیاری می‌توانند بر روی عزت‌نفس نوجوانان تأثیرگذار باشند که از آن جمله می‌توان به عوامل زیستی، روانی، تجارب میان‌فردی و عوامل محیطی و فرهنگی اشاره کرد (بابائی، فداکارسوقه، شیخ‌الاسلامی و کاظم‌نژاد لیلی، ۱۳۹۴). برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد گرچه عزت‌نفس نوجوانان در بستر خانواده شکل می‌گیرد، اما بیشترین تأثیر از سوی مادران می‌باشد (شریفی، ۱۳۹۰).

یکی از عوامل مؤثر در تأمین آرامش و امنیت روانی مادران، داشتن افکار مثبت است (باورصاد، گوشکی، محمدی، ۱۳۹۳). همپتن^۱ (۱۳۸۱) در تعریف مثبت‌نگری می‌گوید: استفاده کردن از تمامی ظرفیت‌های ذهنی مثبت و نشاط‌انگیز و امیدوارکننده در زندگی برای تسلیم نشدن در برابر عوامل منفی ساخته ذهن و احساسات یاس‌آور ناشی از دشواری ارتباط با انسان‌ها و رویارویی با طبیعت است.

پژوهش‌های مختلفی ارتباط معناداری را بین مثبت‌نگری و متغیرهای دیگری مثل کاهش افسردگی و ناسازگاری خانوادگی (ریبرو، ۲۰۰۷)، میزان شادکامی (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۱)، تاب‌آوری و کنترل خشم (ثابت، ۱۳۹۱) نشان داده‌اند. شواهد حاکی از آن است که هر چقدر مثبت‌نگری با مذهب توأم باشد، تأثیر بیشتری بر کاهش تعارضات خانوادگی خواهد داشت (احمدی‌تبار و پاشا، ۱۳۹۳).

پژوهش‌های اندکی به بررسی مثبت‌نگری و عزت‌نفس پرداخته‌اند که نتایج آن متفاوت است، برخی از تحقیقات رابطه مثبت و معناداری را بین این دو متغیر نشان می‌دهند (ریبرو، ۲۰۰۷)، اما نتایج برخی از تحقیقات دیگر نشان داد رابطه معناداری بین مثبت‌نگری و عزت‌نفس وجود ندارد (آقاجانی، ۱۳۹۵). پژوهش‌های ذکر شده رابطه مثبت‌نگری و عزت‌نفس را در فرد، مورد بررسی قرار داده است و محقق، پژوهشی که رابطه مثبت‌نگری مادران و عزت‌نفس نوجوانان را بررسی کند پیدا نکرد. یکی از ویژگی‌های این تحقیق بدیع

11. Hampton, L.

2. Ribero P.

بودن آن است، لذا پژوهشگر تحقیقی که رابطه بین دین‌داری و مثبت‌نگری را سنجیده باشد نیافت، تنها تحقیقی که به پژوهش حاضر نزدیک بود به بررسی هوش معنوی و مثبت‌نگری پرداخته بود، ابعاد پرسش‌نامه دین‌داری گلاک و استارک شامل ابعاد اعتقادی، عاطفی، پیامدی و مناسکی می‌شود (سراج‌زاده، ۱۳۷۴) که این ابعاد تشابه بسیاری با پرسش‌نامه هوش معنوی نوری‌زاده (۱۳۸۷) با مؤلفه‌هایی از قبیل متحیر شدن از زیبایی‌های جهان خلقت، توجه به نیروی برتر مثل نیروی خدا، توجه به هدف زندگی و مرگ، کمک کردن به دیگران و... دارد. پژوهش (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳) نشان داد که افزایش هوش معنوی باعث تقویت مثبت‌نگری در فرد می‌شود.

تفاوت در نتایج پژوهش‌های مرتبط با مثبت‌نگری و عزت‌نفس این احتمال را تقویت می‌کند که ممکن است یک متغیر تعدیل‌کننده وجود داشته باشد. شاید یکی از متغیرهایی که می‌تواند در این زمینه اثرگذار باشد، دین‌داری باشد. برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند بین دین‌داری و عزت‌نفس (مردانی و موحد، ۱۳۹۴) و بین هوش معنوی و مثبت‌نگری رابطه معناداری برقرار است (رمضانی، ۱۳۹۱).

با توجه به نتایج متفاوت پژوهش‌های مرتبط با مثبت‌نگری و عزت‌نفس از یک سو و میزان اثرگذاری مادران بر شخصیت نوجوانان از سوی دیگر، این سؤال مطرح می‌شود که آیا رابطه‌ای بین مثبت‌نگری مادران و عزت‌نفس نوجوانان وجود دارد؟ آیا دین‌داری مادران، می‌تواند رابطه مثبت‌نگری مادران و عزت‌نفس نوجوانان را تحت تأثیر قرار دهد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف جزء پژوهش‌های بنیادی محسوب می‌شود و از نظر روش کار جزء پژوهش‌های توصیفی-همبستگی می‌باشد، در این نوع پژوهش‌ها، محقق بدون اینکه بخواهد تغییر یا مداخله‌ای در شرایط ایجاد کند، صرفاً به گردآوری داده‌ها و توصیف و برآورد همبستگی بین آنها می‌پردازد.

جامعه مورد بررسی در این پژوهش ۴۱۰۰ نفر شامل کلیه مادران و دانش‌آموزان مدارس دولتی روزانه دخترانه و پسرانه متوسطه دوم در پایه تحصیلی دهم، یازدهم و چهارم دبیرستان که در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ در شهرستان ساوه مشغول تحصیل بودند، می‌باشد. حجم نمونه این تحقیق با استفاده از فرمول برآورد حجم نمونه تاباچنیک و فیدل (۲۰۰۷)

به دست آمده است. این فرمول برای تعیین حداقل حجم مورد نیاز برای تحقیقات رگرسیون چندگانه پیشنهاد شده است که بدین شرح است:

$$Am + 50 < N$$

که N حداقل حجم نمونه مورد و m تعداد متغیرهای پیش‌بین است (تاباچنیک و فیدل، ۲۰۰۷، ص ۱۲۳). بر اساس فرمول، در تحقیق حاضر که شامل دو متغیر پیش‌بین می‌باشد، نمونه‌ها باید دست‌کم ۶۷ نفر باشند، ولی محقق برای این تحقیق تعداد ۱۵۱ نفر از نوجوانان و مادران ایشان را انتخاب نمود. برای انتخاب حجم نمونه اصلی برای پاسخ به پرسش‌نامه‌های طراحی شده، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. به این صورت که ابتدا برحسب مناطق شهر ساوه مدارس انتخاب شدند و از هر مدرسه ۳ کلاس به صورت تصافی انتخاب گردید و از بین این کلاس‌ها افرادی به صورت تصافی انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های پژوهش پخش گردید.

در این پژوهش محقق برای گردآوری اطلاعات، بر روی نظراتی متمرکز شده است که از دانش‌آموزان مدارس دخترانه و پسرانه دولتی متوسطه دوم شهر ساوه دریافت کرده است. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسش‌نامه است و طی آن برای گردآوری اطلاعات مربوطه از پرسش‌نامه‌های زیر استفاده خواهد شد:

الف) پرسش‌نامه دین‌داری گلاک و استارک

پرسش‌نامه دین‌داری گلاک و استارک برای سنجیدن نگرش‌ها و باورهای دینی و دین‌داری ساخته شده است (گلاک و استارک، ۱۹۶۵). برای استاندارد کردن در کشورهای مختلف اروپا، آمریکا، آفریقا و آسیا و بر روی پیروان ادیان مسیحیت، یهودیت و اسلام اجرا گردیده (به نقل از: طالبان، ۱۳۷۷) و با دین اسلام هم انطباق یافته است (سراج‌زاده، ۱۳۷۴). پرسش‌نامه مذکور دارای ۲۶ گویه می‌باشد که در چهار بعد اعتقادی (با ۷ گویه)، عاطفی (با ۶ گویه)، پیامدی (با ۶ گویه) و مناسکی (با ۷ گویه) جهت سنجش میزان دین‌داری به کار می‌رود. اعتبار آلفای کلی پرسش‌نامه ۰/۸۳ بوده است (دبستان، ۱۳۹۴).

بعد اعتقادی: بعد اعتقادی یا باورهای دینی عبارت است از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان آن دین به آنها اعتقاد داشته باشند.

بعد مناسکی یا اعمال دینی: شامل اعمال دینی مشخصی همچون عبادت، نماز، شرکت در

آیین‌های دینی خاص، روزه گرفتن و... است که انتظار می‌رود پیروان هر دین آن را به جا آورند. بعد عاطفی یا تجربی: ناظر بر عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربویی همچون خدا یا واقعیتی غایی یا اقتداری متعالی است. بعد پیامدی یا آثار دینی: ناظر به اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان است (سراج‌زاده، ۱۳۷۴).

ب) پرسش‌نامه مثبت‌نگری اینگرام و وینیسکی

پرسش‌نامه مثبت‌اندیشی اینگرام و وینیسکی (۱۹۸۸) شامل ۳۰ سؤال ۵ گزینه‌ای می‌باشد، دارای ابعاد مثبت‌نگری (کارکرد مثبت روزانه محل کار، مثبت ارزیابی کردن دیگران از خویش، انتظارات مثبت از آینده، خوداعتمادی، خودارزیابی مثبت فعالیت‌های روزانه) می‌باشد و به صورت مقیاس پنج ارزی لیکرت درجه‌بندی شده است. این پرسش‌نامه نه تنها در خارج از کشور توسط نظریه‌پردازان و محققین بسیاری مورد تأیید قرار گرفته است، بلکه در ایران نیز مورد تأیید محققانی چون هاشمی (۱۳۸۸)، کریمی (۱۳۹۱) و قویدل (۱۳۹۱) قرار گرفته است، که نشان‌دهنده روایی بالای این ابزار است. همچنین با توجه به پژوهش‌های انجام گرفته توسط هاشمی (۱۳۸۸) و کریمی (۱۳۹۱) ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۸۹ و ۰/۹۴ بیانگر ضریب پایایی مناسب این ابزار است.

کارکرد مثبت روزانه محل کار: تفکر مثبت روزانه یکی از عناصر مهم برای شروع فعالیت و انجام وظایف محوله است.

مثبت ارزیابی کردن دیگران از خویش: مثبت بودن و یا تصور مثبت درباره نظر دیگران از وظایف و فعالیت‌های ارائه شده می‌تواند عامل بسیار مهمی در تداوم و ارائه خدمات بهینه باشد.

انتظارات مثبت از آینده: انسان‌ها همواره تلاش می‌کنند تا آینده بهتری را برای خود و خانواده فراهم آورند. مثبت‌نگری نسبت به آینده یا انتظارات مثبت از آینده باعث می‌شود تا افراد وظایف خود را با انگیزه بیشتری به انجام رسانند و برای بهبود وضعیت خود تلاش نمایند. فعالیت بیشتر و در نتیجه انجام بهینه وظایف یکی از نتایج داشتن انتظارات مثبت از آینده است.

خوداعتمادی: خود اعتمادی خصیصه مثبتی است که با آن افراد با طیب خاطر، اعتماد به نفس و اطمینان و وظایف محوله را انجام می‌دهند. بی‌اعتمادی به خود فرایندی است که همواره اشتباه بودن یا ناتوانی در انجام وظیفه را به ذهن متبادر می‌سازد و باعث می‌شود افراد همواره با ترس و بی‌اعتمادی وظایف را انجام دهند.

خودارزیابی مثبت فعالیت‌های روزانه: نوع نگرش هر فرد به فعالیت‌های خود می‌تواند در انجام صحیح آن فعالیت نقشی تعیین‌کننده داشته باشد. نگرش مثبت به فعالیت روانه باعث انجام صحیح، به موقع و از روی علاقه فعالیت، و بر عکس نگرش منفی باعث انجام فعالیت از روی بی‌علاقگی و بی‌دقتی خواهد شد (اینگرام و وینیسکی، ۱۹۹۸).

ج) پرسش‌نامه عزت‌نفس روزنبرگ

پرسش‌نامه عزت‌نفس روزنبرگ (RSES) در سال ۱۹۶۵ توسط روزنبرگ ساخته شد. این پرسش‌نامه متشکل از ده ماده است که احساسات مثبت و منفی فرد درباره خودش را می‌سنجد. ۱۰ ماده این پرسش‌نامه به صورت موافقم و مخالفم نمره‌گذاری می‌شود. به نظر بورت و رایت (۲۰۰۲) مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ یکی از رایج‌ترین مقیاس‌های اندازه‌گیری عزت‌نفس بوده و مقیاس معتبری در نظر گرفته می‌شود. این مقیاس ضرایب همبستگی قوی‌تری نسبت به پرسش‌نامه عزت‌نفس کوپر اسمیت^۱ دارد و در سنجش سطوح عزت‌نفس دارای روایی بالاتری می‌باشد (گریفیتس و همکاران ۱۹۹۷). این مقیاس از روایی داخلی رضایت‌بخشی (۰/۷۷) برخوردار است. در ایران در پژوهش محمدی (۱۳۸۴) پایایی این مقیاس را بر روی یک نمونه از دانشجویان دانشگاه شیراز با دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۶۹ و ۰/۶۸ به دست آمده است و روایی آن در پژوهش مذکور مورد تأیید متخصصان قرار گرفته است.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ استفاده شده است و با توجه به موضوع پژوهش، از هر دو نوع آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق توصیف متغیرهای پژوهش

جدول ۱. مشخصه‌های آماری مثبت‌نگری مادران (n=۱۴۴)

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	چولگی	کشیدگی
مثبت‌نگری	۱۱۸/۳۵	۱۴/۶	۸۵	۱۵۰	۰/۱۰	-۰/۶۱

بر اساس اطلاعات جدول بالا نمره مادران در پرسش‌نامه "مثبت‌نگری" بین ۸۵ تا ۱۵۰ با میانگین ۱۱۸/۳۵ قرار دارد که این مقدار بالاتر از حد متوسط (۹۰) می‌باشد. انحراف استاندارد توزیع نیز برابر با ۱۴/۶ برآورد شده است. میزان نسبتاً پایین چولگی و کشیدگی توزیع نشان می‌دهد که داده‌های مربوط به این متغیر از توزیع متقارن پیروی می‌کند.

جدول ۲. مشخصه‌های آماری دین‌داری مادران (n=۱۴۴)

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	چولگی	کشیدگی
دین‌داری	۷۶/۴۷	۱۲/۴	۴۱	۱۰۰	-۰/۲۷	-۰/۲۹

چنان‌که در جدول بالا مشاهده می‌شود، گستره نمره "دین‌داری" مادران بین ۴۱ تا ۱۰۰ در نوسان است. میانگین و انحراف استاندارد توزیع به ترتیب برابر با ۷۶/۴۷ و ۱۲/۴ گزارش شده است. موقعیت چولگی و کشیدگی توزیع نسبت به هم به گونه‌ای است که شکل توزیع تقریباً متقارن می‌باشد.

جدول ۳. مشخصه‌های آماری عزت‌نفس نوجوانان (n=۱۴۴)

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	چولگی	کشیدگی
عزت‌نفس	۶/۱۵	۳/۶	-۶	۱۰	-۰/۹۴	۰/۵۳

اطلاعات جدول بالا نشان می‌دهد که میانگین "عزت‌نفس" دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این پژوهش برابر با ۶/۱۵ برآورد شده است. توزیع دارای انحراف استاندارد برابر با ۳/۶ می‌باشد. نمرات این آزمون بین منفی ۱۰ تا مثبت ۱۰ است. حداقل و حداکثر نمره "عزت‌نفس" آزمودنی‌ها به ترتیب ۶- و مثبت ۱۰ است. اندازه چولگی و کشیدگی توزیع در محدوده +۱ تا -۱ قرار داشته و می‌توان گفت توزیع تقریباً متقارن است.

تحلیل نتایج

در این بخش با توجه به ماهیت متغیرهای پژوهش، فرضیه‌های اول، دوم و سوم توسط ضریب همبستگی پیرسون و فرضیه چهارم با بهره‌گیری از رگرسیون سلسله مراتبی مورد آزمون قرار می‌گیرد.

فرضیه اول: بین مثبت‌نگری مادران با عزت‌نفس نوجوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۴. ماتریس همبستگی بین مثبت‌نگری مادران و عزت‌نفس نوجوانان (n=۱۴۴)

عزت‌نفس	مثبت‌نگری	
$r = ۰/۴۴۵$ $p = ۰/۰۱$	۱	مثبت‌نگری
۱	$r = ۰/۴۴۵$ $p = ۰/۰۱$	عزت‌نفس

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که رابطه بین دو متغیر در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. (بنابراین می‌توان فرضیه صفر را در سطح ۱ درصد به نفع فرضیه تحقیق رد کرده و با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه گرفت که بین مثبت‌نگری مادران با عزت‌نفس نوجوانان ساوه رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، یعنی با افزایش مثبت‌نگری مادران، میزان عزت‌نفس نوجوانان نیز افزایش می‌یابد).

فرضیه دوم: بین دین‌داری مادران با عزت‌نفس نوجوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۵. ماتریس همبستگی بین دین‌داری مادران و عزت‌نفس نوجوانان (n=۱۴۴)

عزت‌نفس	دین‌داری	
$r = ۰/۳۳۲$ $p = ۰/۰۱$	۱	دین‌داری
۱	$r = ۰/۳۳۲$ $p = ۰/۰۱$	عزت‌نفس

بر اساس اطلاعات جدول بالا همبستگی مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است (بنابراین می‌توان روی می‌توان نتیجه گرفت افزایش دین‌داری مادران، می‌تواند موجب افزایش عزت‌نفس نوجوانان شود).

فرضیه سوم: بین دین‌داری و مثبت‌نگری مادران رابطه وجود دارد.

جدول ۶. ماتریس همبستگی بین دین‌داری و مثبت‌نگری مادران (n=۱۴۴)

مثبت‌نگری	دین‌داری	
$r = ۰/۴۰۶$ $p = ۰/۰۱$	۱	دین‌داری
۱	$r = ۰/۴۰۶$ $p = ۰/۰۱$	مثبت‌نگری

ارقام جدول بالا نشان می‌دهد که رابطه بین دو متغیر در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. ($r = ۰/۴۰۶$ ، $p = ۰/۰۱$) بین دین‌داری و مثبت‌نگری مادران شهر ساوه رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه چهارم: مثبت‌نگری مادران با توجه به دین‌داری شان با عزت‌نفس نوجوانان رابطه دارد. جهت آزمون فرضیه چهارم و سنجش اثر تعدیل‌کنندگی دین‌داری ابتدا متغیرهای مثبت‌نگری مادران و دین‌داری مرکزی شدند. این کار با هدف کاهش هم‌خطی چندگانه صورت گرفت. سپس با ضرب دو متغیر مرکزی شده، متغیر جدید (مرکزی شده) عبارت‌های ضربی ایجاد شده و با استفاده از رگرسیون سلسله‌مراتبی، اثر تعدیل‌کنندگی مورد تحلیل قرار گرفت. استقلال خطاها با استفاده از آماره دوربین - واتسون (Durbin-Watson) بررسی شد که این مقدار برابر با ۲/۰۳ محاسبه گردید. به عنوان یک قاعده کلی، اگر مقدار مشاهده شده دوربین - واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، مستقل بودن مشاهدات را نشان می‌دهد. از سوی دیگر شاخص سطح تحمل با نقطه برش ۰/۲ به پایین و شاخص عامل تورم واریانس با نقطه برش ۴ به بالا به عنوان خطر وجود هم‌خطی چندگانه در نظر گرفته شد. این شاخص‌ها در جدول زیر ارائه شده است:

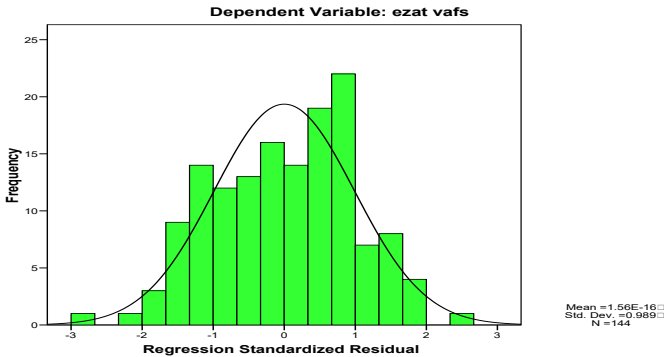
جدول ۷. شاخص‌های سطح تحمل و عامل تورم واریانس

عامل تورم واریانس	سطح تحمل	متغیرهای پیش‌بین وارد شده در مدل
۱/۲	۰/۸۴	مثبت‌نگری
۱/۲۱	۰/۸۲	دین‌داری
۱/۰۲	۰/۹۹	اثر متقابل مثبت‌نگری و دین‌داری

متغیر ملاک: عزت‌نفس نوجوانان

چنان‌که جدول بالا نشان می‌دهد نگرانی از بابت وجود هم‌خطی چندگانه وجود ندارد. همچنین بررسی مفروضه نرمال بودن عبارت خطا نیز با استفاده از ترسیم نمودار هیستوگرام باقی‌مانده‌ها (Residual)، انجام پذیرفت.

شکل ۱. نمودار هیستوگرام مربوط به بررسی مفروضه نرمال بودن عبارت خطا



چنان‌که در نمودار بالا مشاهده می‌شود، شکل توزیع تقریباً نرمال است. همچنین مقدار میانگین ارائه‌شده در سمت راست نمودار بسیار کوچک (نزدیک به صفر) و انحراف استاندارد نزدیک به ۱ است. بنابراین دلیلی وجود ندارد که این نمونه‌ها از یک توزیع غیر نرمال به دست آمده باشد.

جدول ۸. خلاصه آزمون رگرسیون سلسله مراتبی جهت بررسی رابطه بین مثبت‌نگری مادران با

عزت‌نفس نوجوانان با توجه به دین‌داری مادران

گام	متغیرهای پیش‌بین وارد شده در مدل	ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	همبستگی تعدیل شده	ΔR^2	ΔF	سطح معنی‌داری
۱	مثبت‌نگری	۰/۴۴۵	۰/۱۹۸	۰/۱۹۳	۰/۱۹۸	۳۵/۱	۰/۰۱
۲	مثبت‌نگری دین‌داری	۰/۴۷۵	۰/۲۲۶	۰/۲۱۵	۰/۰۲۷	۵	۰/۰۳
۳	مثبت‌نگری دین‌داری اثر متقابل مثبت‌نگری و دین‌داری	۰/۵۳۳	۰/۲۸۴	۰/۲۶۹	۰/۰۵۹	۱۱/۴	۰/۰۱

متغیر ملاک: عزت‌نفس نوجوانان

جدول ۹. ضرایب متغیرهای اصلی و اثر متقابل در پیش‌بینی عزت نفس

متغیرهای وارد شده در مدل	مدل	B	SE	(Beta)	T	سطح معناداری
عرض از مبدا	-	-۶/۷	۲/۲		-۳/۰۷	۰/۰۱
مثبت‌نگری	ضریب متغیر	۰/۱۱	۰/۰۲	۰/۴۴۵	۵/۹	۰/۰۱
عرض از مبدا	-	-۸/۶	۲/۳		-۳/۷	۰/۰۱
مثبت‌نگری	ضریب متغیر	۰/۰۹۱	۰/۰۲	۰/۳۷۲	۴/۶	۰/۰۱
دین‌داری	ضریب متغیر	۰/۰۵۲	۰/۰۲۳	۰/۱۸۱	۲/۲	۰/۰۳
عرض از مبدا	-	-۷/۶	۲/۲		-۳/۴	۰/۰۱
مثبت‌نگری	ضریب متغیر	۰/۰۹	۰/۰۱۹	۰/۳۷۴	۴/۸	۰/۰۱
دین‌داری	ضریب متغیر	۰/۰۴	۰/۰۲۳	۰/۱۵۱	۱/۹	۰/۰۶
اثر متقابل	ضریب متغیر	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	-۰/۲۴۴	-۳/۴	۰/۰۱
مثبت‌نگری و دین‌داری	ضریب متغیر					

متغیر ملاک: عزت نفس

بر اساس اطلاعات جدول ۴-۸ مثبت‌نگری مادران در حدود ۱۹/۳ درصد از واریانس "عزت نفس" نوجوانان را به طور معنی‌داری تبیین می‌کند ($R^2=0/198$). پس از کنترل این متغیر، در گام دوم متغیر "دین‌داری مادران" وارد معادله گردید. دین‌داری مادران ۲/۷ درصد از واریانس "عزت نفس" نوجوانان را تبیین می‌کند ($R^2=0/027$). بررسی ضرایب رگرسیون در جدول ۴-۹، حاکی از نقش معنادار "دین‌داری" مادران در پیش‌بینی "عزت نفس" نوجوان در مدل رگرسیون در این گام بود. به عبارت دیگر متغیر "دین‌داری" به عنوان پیش‌بین انفرادی سهم معنی‌داری در تبیین پراش "عزت نفس" نوجوانان پس از کنترل اثر "مثبت‌نگری" مادران ایفا می‌کند.

در گام سوم عبارت‌های اثر متقابل وارد معادله شد. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که عبارت‌های اثر متقابل نیز بر افزایش معنی‌داری R^2 اثرگذار بود ($\Delta R^2=0/059$, $p=0/01$). به طوری که ۵/۹ درصد از واریانس مشاهده شده در عزت نفس نوجوانان توسط اثر تعدیل‌کنندگی دین‌داری مادران تبیین می‌شود. چنان‌که بررسی ضریب اثر متقابل در جدول ۴-۹ نیز نشان داد که نقش معنی‌داری در پیش‌بینی "عزت نفس" نوجوانان دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در رابطه بین مثبت‌نگری مادران با عزت نفس نوجوان، دین‌داری مادران نقش تعدیل‌کنندگی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

بعد از تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر و آزمودن فرضیه پژوهش، نتایجی حاصل گشت که در این قسمت به ذکر فرضیه و مقایسه آنها با نتایج تحقیقات پیشین پرداخته می‌شود. سؤال اصلی: آیا بین مثبت‌نگری مادران و عزت‌نفس نوجوانان با توجه به دین‌داری مادران رابطه معنادار برقرار است؟

نتایج پژوهش حاضر نشان داد مادرانی که مثبت‌نگری و دین‌داری بالایی دارند، عزت‌نفس فرزندان‌شان نسبت به فرزندان‌ی که مادران آنها فقط مثبت‌نگری بالایی دارند، بیشتر است. مادران دین‌دار مثبت‌نگر، فرزندان‌ی را تربیت می‌کنند که عزت‌نفس بیشتری دارند. تبیین این مطلب به این شکل است، مؤلفه‌های عزت‌نفس و مثبت‌نگری توجهی به مسئله عجب و تکبر ندارند، درحالی‌که فرد دین‌دار رضایت از خود یا احساس نشاط و امیدواری‌اش به آینده و نترسیدن از مرگ و... همه را با توجه به توحید افعالی و توحید ربوبی مواهبی از جانب خدا می‌داند نه از طرف خود (وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى). این عقیده مانع عجب و غرور و تکبر فرد می‌شود. این نگاه فرد دین‌دار که خود را متصل به رحمت ازلی و ابدی بی‌حد و حصر می‌بیند، می‌تواند رابطه معنادار افزایش عزت‌نفس نوجوانان و مثبت‌نگری خود مادران را توجیه کند.

یکی از عوامل مرتبط با مثبت‌نگری افراد، اعتقادات و باورهای دینی آنهاست، اعتقادات و باورهای مذهبی و دینی در پژوهش‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است، اما محقق، پژوهشی را که به بررسی ارتباط بین مثبت‌نگری و دین‌داری بپردازد نیافت. تنها تحقیقی که به پژوهش حاضر نزدیک بود به بررسی هوش معنوی و مثبت‌نگری پرداخته بود، پژوهش (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳) نشان داد که افزایش هوش معنوی باعث تقویت مثبت‌نگری در فرد می‌شود. ابعاد پرسش‌نامه دین‌داری گلاک و استارک (سراج‌زاده، ۱۳۷۴) با ابعاد پرسش‌نامه هوش معنوی نوری‌زاده (۱۳۸۷) تشابه بسیاری دارند.

فرد دین‌دار خود را تحت حمایت و لطف همه جانبه خداوند، بزرگ‌ترین نیروی موجود می‌بیند، احساس اطمینان و آرامش و لذت معنوی عمیقی به وی دست می‌دهد. او خداوند را منشأ خیر و برکت می‌داند. این احساس اطمینان از حال کنونی و امیدواری نسبت به آینده، یک احساس رضایتی در فرد دین‌دار ایجاد می‌کند که باعث تقویت نگرش مثبت او می‌گردد. نتایج این تحقیق با پژوهش‌های محقق‌ی و همکاران (۱۳۸۹) همخوانی دارد.

فرد دین‌دار با امیدواری به آینده نگرش مثبتی نسبت به خود پیدا می‌کند و به باور مثبت از غایت‌مند بودن جهان هستی و خلقت انسان به عنوان اشرف مخلوقات و امدادهای همیشگی خداوند به بشر پی برده و به شناخت بیشتر از خود رسیده و در نهایت ارزش ذاتی بالای خود را در می‌یابد. نتایج این تحقیق با پژوهش جان‌بزرگی و همکاران (۱۳۸۲) همخوانی دارد.

نتایج این پژوهش نشان داد مادرانی که از دین‌داری بالاتری برخوردار هستند، مثبت‌نگری آنها هم بیشتر بوده و نگرش مثبت توأم با دین‌داری منجر به تربیت فرزندانی شده که از عزت‌نفس بالاتری بهره‌مند هستند. نتیجه این تحقیق با پژوهش منیرپور و همکاران (۱۳۸۹) همخوانی دارد.

برای تبیین این سؤال که چه عاملی باعث افزایش عزت‌نفس بالا در نوجوانانی که مادران مثبت‌نگر دین‌دار داشتند شده است؟

می‌شود این منطقی را بیان نمود که بررسی مؤلفه‌های دین‌داری و مقایسه تطبیقی آن با مؤلفه‌های عزت‌نفس و مثبت‌نگری نشان می‌دهد که دین‌داری از سویی ارتباط معنادار با عزت‌نفس و مثبت‌نگری دارد که به برخی از آنها می‌پردازیم.

تقویت و استفاده از توانمندی‌ها و احساس افتخار به کارهای خوب با توجه به اعتقاد به معاد و رسیدگی به اعمال، احساس بخشیده شدن گناهان و احساس لذت از زندگی و امید به آینده بعد از توبه یا توسل به اهل بیت علیهم‌السلام و زیارت قبور منوره و مقدسه آنها، احساس نشاط و رضایت از حالات خود که از ارتباط با خدا و توجه به فرامین او به فرد دست می‌دهد، امیدوار بودن به رحمت و بخشش خداوند و عدم ترس شدید از مرگ و احساس پوچی نکردن و احساس کارآمدی به خاطر شرکت در مناسک عبادی از قبیل نماز و روزه و پرداخت خمس و زکات، امیدواری به آینده به خاطر آمدن راحتی بعد از سختی و ظهور منجی عالم حضرت بقیه الله الاعظم عجل‌الله‌تعالی‌و‌تسلیته و برقراری عدل جهانی، احساس با ارزش بودن به خاطر خلیفه خدا و اشرف مخلوقات بودن و تسخیر آسمان و زمین به خاطر او و نفخه روح الهی و کرامت ذاتی بنی آدم، احساس ناامیدی نداشتن به خاطر اعتقاد به رحمانیت و غفاریت خداوند متعال، احساس نگرانی شدید نداشتن و رضایت از حوادثی که نمی‌تواند آن را تغییر دهد به خاطر تفلأ به خیر و توکل به حضرت حق و اعتقاد به حکمت او داشتن، احساس مورد حمایت بودن و نرسیدن به خاطر اعتقاد به استعانت خداوند و امدادهای غیبی او، زیبا دیدن زندگی و رضایت از مقدرات عالم حتی در حوادث سختی چون حادثه کربلا، از موارد مختلف

این‌چنین مثال‌های می‌توان نتیجه گرفت، ماهیت دین‌داری به گونه‌ای است که رابطه مستقیم با عزت‌نفس و مثبت‌نگری دارد. این تحقیق هم نشان داد گرچه بین مثبت‌نگری مادران و عزت‌نفس نوجوانان ایشان رابطه معنادار برقرار بود، لکن نوجوانانی که مادران آنها دین‌دار مثبت‌نگر بودند میزان عزت‌نفسشان بالاتر بود. نتیجه این تحقیق با پژوهش موسوی و همکاران (۱۳۸۹)، عسگری و همکاران (۱۳۸۸) همخوانی دارد.

سوالات فرعی

۱. رابطه مثبت‌نگری مادران با عزت‌نفس نوجوانان چگونه است؟

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری نشان داد میان مثبت‌نگری مادران با عزت‌نفس نوجوانان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

در تبیین این فرضیه باید گفت: بررسی برخی از مؤلفه‌های مثبت‌نگری مانند: احساس موفقیت، احساس نشاط، احساس لذت از زندگی، احساس توانمندی اتمام کارها، دیدگاه روشن نسبت به آینده، مورد احترام بودن و... با برخی از مؤلفه‌های عزت‌نفس مانند: احساس شکست نکردن، احترام به خود، با ارزش بودن، افتخار کردن به داشته‌ها، توانمندی انجام کارها ارتباط مستقیم دارند.

هنگامی که صحبت از احساس ارزش و ارزشمندی انسان مطرح می‌شود موضوع عزت‌نفس مطرح می‌شود. عزت‌نفس عبارت است از نگرش نسبت به خود (رزنبرگ،^۱ ۱۹۹۵؛ کوپر اسمیت،^۲ ۱۹۶۵). اهمیت عزت‌نفس به دلیل تأثیری که بر رشد مطلوب شخصیت کودک و نوجوانان دارد به عنوان عاملی مهم در سازگاری و بهزیستی افراد به حساب می‌آید (بیابان‌گرد، ۱۳۸۷). نوجوانی حساس‌ترین فصل زندگی است و آنها در این دوره معمولاً از عزت‌نفس بالایی برخوردار نیستند (شریفی، ۱۳۹۶). نوجوانانی که ارزش کمی برای خود قائل هستند ممکن است فکر کنند که موجودات با ارزشی نیستند، بنابراین حرف‌ها، نظرات، مطالب و کارهای آنان اهمیت چندانی ندارد. به همین دلیل سعی می‌کنند، صحبت نکنند، کاری انجام ندهند. ممکن است فکر کنند که هیچ چیز خوبی در آنان وجود ندارد. عده‌ای از نوجوانان هم ارزش و احترام خوبی برای خود قائلند و به همین دلیل برای کارها،

1. Rosenberg, M.

2. Coopersmith, S.

صحبت ها و نظرات نیز احترام و ارزش قائلند. افرادی که عزت نفس قوی دارند وقتی از خود می پرسند این خصوصیتی که دارند خوب است یا بد؟ به این جواب می رسند که خوب است. ولی افرادی که کم رو، خجالتی و دارای عزت نفس ضعیف هستند وقتی خصوصیات خود را ارزیابی می کنند و به این سؤال می رسند که خوبم یا نه؟ به این نتیجه می رسند که نه خوب نیستیم (نوری، غیرتمند و متقیان، ۱۳۸۴). افراد برخوردار از عزت نفس بالا معمولاً در حوزه های مختلف زندگی خشنود و شاد کام هستند. آنها مطمئن هستند که کوشش هایشان نتیجه خواهد داد و به همین خاطر این کوشش ها را انجام می دهند. لوسکو - زیایلر (۱۹۷۷) دریافته اند که افزایش عزت نفس می تواند منجر به کارکرد مؤثر شود.

نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش ریبرو (۲۰۰۷)، فکوری و همکاران (۱۳۹۴)، زارع و همکاران (۲۰۰۷)، بخشایش و همکاران (۲۰۱۱) و اناری و همکاران (۲۰۰۱) همخوانی دارد.

۲. رابطه دین داری مادران با عزت نفس نوجوانان چگونه است؟

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده های آماری نشان داد بین دین داری مادران با عزت نفس نوجوانان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در تبیین این فرضیه باید گفت مادران مؤثرترین افراد در تربیت فرزندان هستند (شریفی، ۱۳۹۰).

مازلو، عزت نفس را یک نیاز می داند (رضوانی، ۱۳۸۷)، مادران دین دار تأثیر بسزایی در عزت نفس نوجوانان خود دارند (آریان، ۱۳۹۶).

دین نیروی روان شناختی عظیمی است که قدرت معنوی به انسان می دهد، آیت الله مصباح یزدی دین را این گونه تعریف می نماید: دین برابر است با اعتقاد به آفریننده ای برای جهان و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید (سبحانی نیا و همکاران، ۱۳۹۳). دین در تحمل سختی های زندگی، فرد دین دار را کمک می کند. یکی از کارکردهای دین در حوزه فردی، معنا و نشاط بخش بودن زندگی انسان است (قراملکی، ۱۳۸۲). افراد مذهبی با بهره گیری از نیروی معنوی دین در رویارویی با حوادث فشارزای زندگی، می توانند با توکل به خداوند متعال و احساس خودکفایی و عدم نیاز به غیر عملکرد مطلوبی داشته باشند و مادر این عملکرد مطلوب را در تربیت فرزندش به کار خواهد برد. یکی از مهم ترین عواملی که تحت تأثیر معنویات و باورهای دینی قرار می گیرد عزت نفس است.

انسان با ایجاد ارتباط با خداوند و نگرش‌های دینی، نیروی محدود خویش را با توسل به منبع نامحدودی چون قدرت خداوند افزایش می‌دهد و این احساس، سبب ایجاد آرامش و سلامت جسمی و روانی و افزایش عزت‌نفس انسان می‌گردد. بر این اساس، تصور می‌شود بین مذهب و سلامت روان ارتباط مثبتی وجود دارد.

نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش‌های مردانی و موحد (۱۳۹۴)، گرشاد و همکاران (۱۳۹۷)، خدایاری فرد (۱۳۸۰)، جوان‌بخت (۱۳۹۰)، خاکسار (۱۳۹۲)، نیلمن (۱۹۹۰) همخوانی دارد.

۳. رابطه مثبت‌نگری مادران با سطوح مختلف دین‌داری مادران چگونه است؟

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری نشان داد، بین مثبت‌نگری مادران با سطوح دین‌داری مادران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

دین و مذهب با زندگی ما آمیخته شده است. دین از نظر شهید مطهری یک سازمان وسیع گسترده فکری - عقلانی، اعتقادی، اخلاقی و عملی است که همه ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد و در جایگاه یک برنامه کامل می‌تواند انسان را به کمال برساند (ولی‌نژاد و خان‌محمدی، ۱۳۹۶).

از دیدگاه علامه طباطبایی، حس دینی یکی از عناصر اولیه و ثابت و طبیعی روح انسانی است. اصلی‌ترین و حقیقی‌ترین قسمت آن به هیچ یک از رویدادهای دیگر قابل تحویل نیست، بلکه نحوه ادراک فطری و راه ماوراء عقلی است که یکی از چشمه‌های آن از زرفای روان ناخودآگاه فوران می‌کند (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۲۸۸). پژوهش حاضر نشان داد کسانی که امور مذهبی را به‌جا می‌آورند، مثبت‌نگرتر از سایر افراد هستند. گرچه محقق، پژوهشی را که به بررسی رابطه دین‌داری و مثبت‌نگری باشد، نیافت. لکن می‌توان سه دلیل روان‌شناختی را مورد توجه قرارداد: اول اینکه دین یک سامانه باور منسجم ایجاد می‌کند که باعث ایجاد معنا و امید به آینده در زندگی افراد می‌شود؛ دوم اینکه حضور در مناسک و امور مذهبی برای افراد حمایت اجتماعی را فراهم می‌آورد و سوم اینکه پرداختن به مذهب با سبک زندگی سالم‌تر همراه است.

یافته‌های حاصل از این فرضیه با یافته‌های حاصل از پژوهش رضانی (۱۳۹۱)، حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارد.

پیشنهاد به محققین آتی

۱. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، روابط علی بین متغیرها این پژوهش با روش‌های آزمایشی و شبه آزمایشی بررسی شود.
۲. بررسی شیوه‌های ارتقاء سطوح دین‌داری متناسب با دوره‌های سنی مختلف و توجه به جنسیت‌ها.
۳. بررسی سطوح دین‌داری زن‌ها در قبل از مادر شدن با بعد از مادر شدن.
۴. بررسی میزان مثبت‌نگری زن‌ها قبل از مادر شدن با بعد از مادر شدن.
۵. بررسی عوامل ارتقاء عزت‌نفس بر اساس مبانی اسلامی متناسب با نوجوانان با توجه به تفکیک جنسیتی.
۶. راه‌های ارتقاء مثبت‌نگری زن‌ها در دوره عقد و قبل از بارداری با رویکرد اسلامی.
۷. بررسی شیوه‌های افزایش عزت‌نفس افرادی که در کانون اصلاح تربیت هستند.
۸. در این پژوهش تنها از روش کمی استفاده شده است، لذا پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آتی از روش‌های مطالعاتی آمیخته (کمی و کیفی) استفاده گردد.
۹. پیشنهاد می‌شود که تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر عزت‌نفس، دین‌داری و مثبت‌نگری در پژوهش‌های آتی انجام پذیرد.
۱۰. پیشنهاد می‌شود که علاوه بر استفاده از پرسش‌نامه از مصاحبه و مشاهده نیز استفاده گردد.
۱۱. پیشنهاد می‌شود نتایج پژوهش در دانش‌آموزان سایر مقاطع نیز بررسی شود و با یافته‌های پژوهش حاضر مقایسه گردد.

منابع

- آقاخانی، محمدجواد و خلعتبری، جواد (۱۳۹۵)، «اثر بخشی آموزش مثبت‌نگری بر اساس مفاهیم قرآنی بر عزت‌نفس و امید به زندگی زنان معتاد»، *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، شماره ۱۱ (۳۷)، ص ۹۳-۱۱۲.
- بیابان‌گرد، اسماعیل (۱۳۹۰)، *روش‌های افزایش عزت‌نفس در کودکان و نوجوانان*، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- بیابان‌گرد، اسماعیل (۱۳۷۳)، *روش‌های افزایش عزت‌نفس در کودکان و نوجوانان*، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- پروچاسکا، جیمز - نوراکراس، جان سی (بی تا)، *نظریه‌های روان‌درمانی*، (ترجمه یحیی سیدمحمدی،

۱۳۸۱)، تهران: انتشارات رشد.

- سراج‌زاده، حسین و توکلی، مهدی (۱۳۸۰)، بررسی عملیاتی دین‌داری در پژوهش‌های اجتماعی، *پژوهش*، شماره ۱(۲۰)، ص ۱۲-۲۲.
- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۹۰)، *چالش‌های دین و مدرنیته*، تهران: طرح نو.
- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۸)، «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهران و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن» *فصلنامه نمایه پژوهش*، سال ۲، شماره ۸ و ۹، بهار و تابستان.
- شاملو، سعید (۱۳۹۰)، *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت*، چاپ اول، تهران: انتشارات رشد.
- شاملو، سعید (۱۳۹۱)، *بهداشت روانی*، تهران: رشد.
- قاسمی، افشان؛ عابدی، احمد و باغبان، ایران (۱۳۸۸)، اثربخشی آموزش گروهی مبتنی بر نظریه امید اسنادی‌بر میزان شادکامی سالمندان، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی دانشگاه آزاد واحد خوارسگان (اصفهان)*، شماره ۴۱، ص ۱۷-۴۰.
- کویلیام، سوزان (۱۳۸۶)، *مثبت‌نگری و مثبت‌گرایی، ترجمه فرید براتی سده و افسانه صادقی*، تهران: انتشارات رشد.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- منظری توکلی، علیرضا و عراقی پور، نجمه، (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه بین دین‌داری و شادکامی در بین دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسامی واحد کرمان سال ۱۳۸۹-۱۳۸۸»، *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، شماره ۹(۶)، ص ۳۳-۴۵.
- Ahmadi, Mohammad Saeed. (2011). *Efficacy of life skills training on self esteem, mental health and educational achievement in high schools student in Zanjan city*. international congress child and adolescent psychology.

اسلام پژوهش های روان شناختی

سال پنجم، شماره اول، پیاپی ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸ (ص ۷۷-۱۰۱)

مهارت های گفتاری و شنیداری از منظر آموزه های دینی

Speech and listening skills from the perspective of religious teachings

دکتر اسماعیل فدوی صومعه سرائی / دانش آموخته سطح سه حوزه علمیه قم، قم، ایران.
محمد رضا احمدی / استادیار گروه روانشناسی مؤسسه علمی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، مدیر گروه روانشناسی اسلامی مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.
جعفر هوشیاری / دکتری روانشناسی و استاد همکار مجتمع آموزش عالی علوم انسانی جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله قم، قم، ایران.

Ismail Fadavi Soomeh Sarai / Graduate of three seminaries in Qom, Qom, Iran.

manager10mohammad@gmail.com

Muhammad Reza Ahmadi / Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Scientific and Research Institute, Director of the Department of Islamic Psychology, Institute of Higher Education, Ethics and Education, Qom, Iran.

Jafar Hoshiyari / PhD in Psychology and Associate Professor, Higher Education Complex, Humanities, Qom University, Qom, Iran.

ABSTRACT

Some areas of human life became easier with the advancement of human knowledge, it was the spiritual and physical structure of man that led him to social life, and they need interpersonal communication to benefit from scientific information and behavioral experiences. The purpose of this study is to develop speech and listening skills from the perspective of religious teachings. The method of the present study is descriptive-analytical. By identifying the principles of revelation by quoting verses from the Qur'an and the narrations of the Infallibles, it gives the interlocutors the ability to use the specialized guidance of

چکیده

برخی ساحت های زندگانی بشر با پیشرفت دانش بشری آسان تر شد، این شاکله روحانی و جسمانی انسان بود که او را به سوی زندگی اجتماعی کشاند، و آنها برای بهره مندی از اطلاعات علمی و تجربیات رفتاری نیازمند ارتباط میان فردی گفتاری و شنیداری هستند. هدف این پژوهش تدوین مهارت های گفتاری و شنیداری از منظر آموزه های دینی است. روش پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی است و با شناسایی مبانی وحیانی با استناد به آیه های قرآن و روایات معصومین علیهم السلام به گفت و گوکنندگان این توانایی مهارتی را می دهد تا با استفاده از راهنمایی های تخصصی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

the Holy Prophet PBUH and the Infallible Imams, to experience useful and effective interpersonal communication.

Keyword: Speech skills, listening skills, Quran, narratio

و امامان معصوم علیهم‌السلام، ارتباط میان فردی گفتاری و شنیداری مفید و تأثیرگذاری را با یکدیگر تجربه کنند.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های گفتاری، مهارت‌های شنیداری، قرآن، روایات.

مقدمه

گفتار و شنیدار موهبت‌هایی از مواهب الهی است که به آدمی ارزانی شده است. «الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن: ۴-۱). خدای متعال نه تنها استعداد گفتن و شنیدن را در درون جان آدمی آفرید، بلکه گویش‌های متنوع و گوناگون آن را با الهام فطری و هدایت درونی به انسان تعلیم داد. ارتباط میان فردی گفتاری و شنیداری، فرایندی است که در آن اطلاعات، مفاهیم، ادراکات و احساسات عالی را با پیام‌های شفاهی و زبانی با دیگران در میان می‌گذاریم. ارتباط میان فردی گفتاری و شنیداری، نماد و نشانه هویت و کمال یک انسان فرهیخته است. ارتباط گفتاری و شنیداری که بر اساس مبانی وحیانی و عقلایی شکل گرفته باشد، تأثیرگذار، موجب شکوفایی استعداد ذاتی افراد و تعالی روحانی رابطه آنها با یکدیگر می‌شود. و در مقابل، ارتباط گفتاری و شنیداری که بر پایه و اساس آموزه‌های دینی شکل نگرفته باشد، روابط انسان‌ها را با یکدیگر تخریب می‌کند و پیوندهای خانوادگی و اجتماعی را سست و در معرض فروپاشی قرار می‌دهد. بیماری‌های قلبی، افسردگی، اضطراب، خستگی، دوری از یکدیگر، طلاق‌های عاطفی و... پیامدهای ضعف یا فقدان ارتباط گفتاری و شنیداری دینی است. از این رو، آموزه‌های دینی، بر ایجاد ارتباط پایدار تأکید فراوان دارند. برای نمونه حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ يَأْلَفُ وَيُولَفُ وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَلَا يُولَفُ» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۰۴)؛ انسان مؤمن کسی است که با مردم ارتباط و الفت دارد، و هر کسی که با دیگران ارتباط ایجاد نکند، و دیگران نیز تمایلی برای ارتباط با او نداشته باشند در او خیری نیست. بر این اساس بایسته می‌نماید تا موضوع گفتار و شنیدار از منظر آموزه‌های دینی تبیین و تفسیر شود.

مهارت‌های گفتاری از منظر آموزه‌های دینی

۱. فصاحت و بلاغت گفتاری

راغب اصفهانی در مفردات الفاظ قرآن کریم در تعریف فصاحت و بلاغت می‌گوید: گوینده مقصود و امری را در نظر دارد که باید آن را با وجهی نیکو و شایسته ایراد کند به طوری که مورد قبول و پذیرش طرف گفت‌وگو یا وافی به هدف سخن باشد (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۳۰۹). فصاحت و بلاغت گفتاری، موجب جذابیت و حلاوت سخن می‌شود، در نتیجه زمینه را برای پذیرش محتوای کلام از سوی مخاطب فراهم می‌آورد، و از این هنر، قرآن کریم به نیکی بهره برده است. تاریخ به خوبی شهادت می‌دهد که اعراب اصیل، معاصر نزول قرآن از نظر فصاحت و بلاغت و نکته سنجی‌های ادبی در مقامی بودند که نسل‌های بعدی آنها نتوانستند پای در جای پای آنان بگذارند، آنها در رعایت تناسب مقام و رسا بودن عبارات و استحکام جمله‌بندی‌ها و شیرینی تعبیرات، به بالاترین درجه کمال رسیده بودند؛ و قرآن با قرار گرفتن در اوج قله فصاحت و بلاغت، آن چنان در قلب‌ها نفوذ کرد که حتی دشمنان کینه‌توز و سرسخت را وادار به تسلیم در برابر خود نمود. ظاهر آیات الهی زیبا و جذاب و مفاهیم و معانی آن عمیق و ژرف، الفاظ قرآن بسیار موزون، تعبیرات آن حکیمانه و آهنگ آیات قرآن، آهنگی مخصوص و دلنشین است، تا آن اندازه که تأثیر فوق‌العاده‌اش را «سحر» نامیدند. «فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ» (مدثر: ۲۴) (طباطبایی، میزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۸۴).

بایسته‌های مهارتی گفتار فصیح و بلیغ:

۱. رعایت مقتضای حال: سخن‌ور بلیغ باید مقتضای حال شنوندگان را رعایت کند (شریعتی، درباره سخن و سخنوری، ص ۱۰۳-۱۰۷)؛
۲. گفتار سلیس و روان: گفتار فصیح و بلیغ باید همراه با روانی تلفظ و نرمی آوایی باشد، چنان‌که حضرت علی علیه السلام فرمودند: أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا لَا تَمْجُهُ الْأَذَانُ وَلَا يُتَعَبُ فَهْمُهُ الْأَفْهَامَ؛ «نیکوترین گفتار، گفتاری است که شنونده نسبت به شنیدن آن بی‌میل و رغبت نباشد و فهمیدن مقصود گوینده برای شنونده سخت و دشوار نباشد» (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ح ۳۳۷۱، ص ۴۶۵)؛
۳. ساختار منسجم و نیکوی کلام: گفتار باید برخوردار از ساختاری منسجم و نیکو باشد. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ النَّظْمِ؛ «نیکوترین کلام

آن گفتاری است که به انسجام و پیوستگی زینت پیدا کرده باشد» (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ح ۳۳۰۴، ص ۴۶۳)؛

۴. نافذ در قلب و اندیشه: گفتار باید با توجه به شرایط و اوضاع خاص اجتماعی که پدیدار شده بر زبان جاری شود تا سخن بر قلوب شنوندگان تأثیر خود را بگذارد. چنان‌که حضرت علی علیه السلام قلب شنونده را محل تأثیرپذیری دانسته است: *مَغْرَسُ الْكَلَامِ الْقَلْبُ وَمُسْتَوْدَعُهُ الْفِكْرُ وَمَقْوِيَةُ الْعَقْلِ*؛ «جایگاهی که گفتار در آن نفوذ و استقرار پیدا می‌کند قلب انسان‌هاست» (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ح ۹۸۳۰، ص ۱۳۶)؛

۵. مطالعه و گردآوری واژه‌های الفاظ نو و اصطلاحات جدید و نکاتی که با موضوع سخن تناسب دارد (شریعتی، درباره سخن و سخنوری، ص ۱۰۳)؛

۶. مطالعه کتاب‌های ادبی و شاهکارهای شاعران پارسی زبان و جمله‌های زیبای ادب با «قال رسول الله صلى الله عليه وآله قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ» (حرّانی، تحفل العقول، ترجمه حسن زاده، ص ۵۸)؛

۷. انتخاب واژگان رسا که معانی را به‌خوبی روشن کنند و شناسایی و استخدام جمله‌بندی‌های شیوا، که مفاهیم خاصی را می‌رساند (همان، ص ۱۰۵)؛

۸. مراعات زمان: اگر زمان برای سخن گفتن کوتاه است؛ گوینده باید از بیان مقدمات پرهیز کند و به مطالب اصلی بپردازد. «قال رسول الله صلى الله عليه وآله خَيْرُ الْكَلَامِ مَا دَلَّ وَجَلَّ وَقَلَّ وَلَمْ يَمَلِّ» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۶۱، ح ۱)؛

۹. رعایت فرهنگ‌ها: به‌طور معمول مردم تحت تأثیر آداب و فرهنگ اجتماعی هستند و هر قومی، فرهنگ خاصی دارد و باید تشبیهات و تمثیلات، مناسب با فرهنگ شنوندگان باشد. *يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»* (حجرات: ۱۳)؛

۱۰. بیان عفیفانه: قرآن هنگامی که به ترسیم صحنه‌های حساس عشق سوزان و آتشین زنی زیبا و هوس‌باز، به جوانی عفیف و پاکدامن می‌پردازد، دقت در بیان جزئیات را با عفت و شرم و حیا در آمیخته، و در شرح خلوتگاه عاشق مجنون، بدون آنکه از ذکر وقایع چشم‌بیوشد، تمام اصول اخلاقی را رعایت و عفیفانه سخن می‌گوید. «وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (یوسف: ۲۳).

۲. گفتار شفاف و قاطعانه

شفافیت و قاطعیت گفتار، نقطه مقابل گنگی، ابهام و دو پهلو بودن سخن است، متکلم باید

مقصود خود را آشکارا، شفاف و صریح برای شنونده بیان کند، به گونه‌ای که امکان حمل آن بر معانی دیگر صحیح نباشد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بیان اهداف و حیانی خود به کسانی که به او پیشنهاد مدهانه و سازش داده بودند، شفاف و قاطعانه اعلان می‌کند که عقایدش با اعتقادات آنان هیچ‌گونه توافقی ندارد. «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ * لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ» (کافرون: ۶-۱) تعالیم و حیانی دین اسلام چیزی نیست که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با مشرکان و اهل کتاب به گفت‌وگو بنشیند، و درباره آن مصالحه کند. اعتقاداتی که با سرنوشت و ابدیت انسان‌ها و سعادت دنیا و آخرت آنان ارتباط مستقیم دارد، به هیچ وجه نمی‌تواند قربانی اهمال‌انگاری و انعطاف‌پذیری و مدهانه شود (مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۳۲۵). از جمله اوصاف دانشمندان دینی نیز این است که آنگاه که خود را برای انجام رسالت الهی در جامعه آماده کردند، شفاف و قاطعانه در مقابل کجروی‌ها می‌ایستند، و به غیر خداوند از کسی ترس و هراسی به دل راه نمی‌دهند. «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب: ۳۹).

۳. گفتار نرم و لطیف

گفتار نرم و لطیف و پرهیز از خشونت هنگام گفتار و شنیدار، راهی برای نزدیک شدن اندیشه گفت‌وگوکنندگان به یکدیگر و کم‌رنگ نمودن اختلاف است. این‌گونه گفتار به لحاظ روانی فرد مقابل را آرام کرده و نشانگر تمایل به دوستی و رفاقت با اوست. گفتار نرم و لطیف نخست از جنبه روحی و روانی در کیفیت گفتار، انتخاب جمله‌ها و چگونگی مواجهه با شنونده آشکار می‌گردد؛ دوم از جنبه شکلی و ظاهری در تُن صدا و آهسته و بلندی آن تأثیر می‌گذارد. خدای سبحان در قرآن دستور می‌دهد آرام و لطیف با یکدیگر سخن بگویید، داد و فریاد راه نیندازید. «وَأَعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ» (لقمان: ۱۹) (مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۳۲۶-۳۲۷). یکی از اوصاف اخلاقی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفتار نرم و لطیف آن حضرت با عرب‌های بدوی، بادیه‌نشین و خشونت طلب بود، آن‌گونه با آنان سخن می‌گفت که فکر و اندیشه انسان از درک آن عاجز است. خداوند متعال در قرآن بر مؤمنان فرمان داده تا گفت‌وگویی نرم و لطیف با انسان‌های نیازمندی که دست حاجت به سوی آنها دراز می‌کنند، داشته باشند؛ چرا که از کمک مادی که همراه با اذیت و آزار گفتاری باشد، نیکوتر است. «قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنَ

صَدَقَةٌ يَتَّبِعُهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ عَنِّي حَلِيمٌ» (بقره: ۲۶۳).

گفتار نرم و ملاطفت‌آمیز شامل راهنمایی، دل‌جویی، تسلی خاطر و هر گونه سخنان شایسته می‌شود، و افزون بر تنظیم ارتباط گفتاری افراد با یکدیگر، شامل پیوندهایی در سطح ارتباط‌های اجتماعی و حکومتی، نظیر: جواب‌های مناسب و صحیح به مراجعه‌کنندگان، راهنمایی دلسوزانه در مشاوره‌های گوناگون، پاسخگویی صادقانه مجریان نظام اسلامی به پرسش‌های آحاد افراد جامعه و بسیاری از موارد دیگر که در دستگاه‌های اداره‌کننده حکومت اسلامی رخ می‌دهد می‌گردد (یاوری، عیار قرآنی گفتار، ص ۱۳۰-۱۳۱).

۴. گفتار اعتماد آفرین

ایجاد اعتماد دوسویه و تحکیم آن، پیش‌شرط گفتار و شنیدار تأثیرگذار و سازنده است. تحصیل اعتماد شنونده به گفتار و انگیزه‌گوینده برای نفوذ در اندیشه و قلب شنوندگان، ارتباط مستقیمی با افزایش پذیرش آنان دارد، و امری لازم و ضروری در هر گفت‌وگویی می‌باشد (گروه پژوهشی علوم قرآن و حدیث، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های دینی، ج ۲، ص ۴۵۱).

عناصر مهارتی گفتار اعتماد آفرین عبارت‌اند از:

۱. صداقت: صداقت‌گوینده برای شنونده باید از روی قرائن و شواهد یا شناخت قبلی، محسوس و ملموس باشد؛ زیرا اعتمادی به گفتار انسان دروغگو نیست، حتی اگر دروغ پردازی وی مقطعی باشد. إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يُبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصَدَقِ الْحَدِيثِ: «خدای متعال هیچ پیامبری را مبعوث به رسالت نکرد مگر با راست‌گویی» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۰۶، ح ۱)؛
۲. خیرخواهی: تصور خیرخواهی و دل‌سوزی‌گوینده هنگام گفت‌وگو از سوی شنونده، اعتماد مخاطب را به ادامه گفت‌وگو با او را به دنبال خواهد داشت، در نتیجه تأثیر فزون‌تر گفتار را بر دل و جان شنوندگان باعث می‌گردد. برای همین، پیامبران الهی هنگام دعوت توحیدی و گفت‌وگو با مردم، بر خیرخواهی و دل‌سوزی خود تأکید می‌ورزیدند (هود، ۲۹؛ فرقان، ۵۷؛ الشعراء، ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۰ و الشوری، ۲۳). این آیات در نفی شائبه‌های خودخواهی و منفعت‌طلبی از سوی پیامبران در همین راستا بود «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (الشعراء، ۱۰۹)؛

۳. پرهیز از خود برتری‌بینی: غرور و خود برتری‌بینی در گفتار و شنیدار و بی‌توجهی به دیدگاه‌های

طرف مقابل، سلب اعتماد شنونده را از حدوث ارتباط گفتاری مؤثر و مفید به دنبال دارد «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ» (کهف، ۱۱۰)؛

۴. شناساندن خود: شناساندن خود و اهداف خویش با واژه‌هایی اعتمادآفرین برای شنوندگان امری لازم و ضروری است «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» (شعرا؛ ۱۰۷). (گروه پژوهشی قرآن و حدیث، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های دینی، ج ۲، ص ۴۵۳-۴۵۲)؛

۵. حُسن ظن: پویایی و نشاط در ارتباط گفتاری و شنیداری، رابطه ضروری با حُسن ظن شنونده به گوینده دارد، به‌گونه‌ای که گفت‌وگوکنندگان در تمام لحظه‌ها نسبت به گفتار یکدیگر اعتماد دارند (همان، ج ۱، ص ۲۷۷)؛

۶. خلوص نیت: نیت، جان هر رفتاری است. برای همین صحت و درستی گفتار در گرو میزان اخلاص گفت‌وگوکنندگان است. اگر آنها از اخلاص بی‌بهره باشند، اعتمادشان به گفتار یکدیگر نیز به همان اندازه آسیب خواهد دید (همان، ج ۲، ص ۴۵۳-۴۵۲)؛

۷. محبت و مهرورزی: هرگاه کُنش‌های انسان‌ها برآمده از این اصل روان‌شناسانه محبت و مهرورزی باشد، تأثیری شگرف در ثبات و ساختار زندگی اجتماعی آنها در گفت‌وگو با یکدیگر در بر خواهد داشت، و برآیند آن به مهرورزی و دوستی پایدار منتهی خواهد شد (همان، ج ۱، ص ۲۹۳-۲۹۴). چنانچه پیامبر اکرم ﷺ با محبت و مهرورزی گفتاری و رفتاری با مخالفانش مواجه نمی‌شد، اسلام نه تنها گسترش نمی‌یافت، بلکه در همان آغاز راه به شکست می‌انجامید «فَمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران، ۱۵۹)؛

۸. گفت‌وگو با خوبان: انسان باید به دنبال همنشینی با دوستانی باشد که مصاحبت و گفت‌وگوی با آنان موجب تحصیل کمال اخلاقی و ارتقای سطح علمی شود. در این باره پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ مَنْ يُخَالِلُ» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۴).

۵. گفتار آرامش‌بخش و امیدوارکننده

کُنش و واکنش در گفتار و شنیدار عاقلانه و شایسته، نتیجه آرامش قلبی، اطمینان خاطر، اعصابی آرام، اندیشه‌ای به سامان و گفتاری آرامش‌بخش است که برآیند آن، ارتباطی اطمینان‌بخش در گستره‌های گوناگون زندگی اجتماعی را در بر خواهد داشت.

گفتار آرامش بخش در این عناوین تجلی و ظهور پیدا می‌کند:

۱. سلام: خدای سبحان در آیاتی به سلام کردن در آغاز و پایان گفت‌وگو توصیه نموده، و از سلام به عنوان واژه‌ای دل‌نشین و آرامش بخش به نیکی یاد کرده است. سلام خدای سبحان بر هدایت یافتگان «وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اَتَّبَعَ الْهُدٰی» (طه، ۴۷). سلام پیغمبر اکرم ﷺ بر آنان که به آیات الهی ایمان می‌آورند «وَ اِذَا جَاكَ الَّذِیْنَ یُؤْمِنُوْنَ بِآیَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَیْكُمْ» (انعام، ۵۴). سلام فرشتگان الهی بر مؤمنان نیکوکار «الَّذِیْنَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَیِّبِیْنَ یَقُولُوْنَ سَلَامٌ عَلَیْكُمْ اَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ» (نحل، ۳۲). سلام مؤمنان در بهشت «دَعُوْهُمْ فِیْهَا سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَتَحِیَّتُهُمْ فِیْهَا سَلَامٌ وَاٰخِرُ دَعْوَاهُمْ اَنْ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ» (یونس، ۱۰)؛

۲. گفتار محبت‌آمیز: واژگانی بر زبان جاری کنید که محبت قلبی را آشکار کند. این واژگان ضمن ایجاد ارتباط محبت‌آمیز و تقویت آن، موجب انس و علاقه میان گفت‌وگوکنندگان، پیام‌رسانی نیکوتر و تأثیرپذیری از یکدیگر می‌شود (گروه پژوهشی قرآن و حدیث، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های دینی، ج ۲، ص ۴۸۶). فضای آکنده از صمیمیت، وفاداری، آرامش و مهرورزی حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام همراه با گفتار محبت‌آمیز در روزهای زندگی آنها موج می‌زند، و الگویی است برای همه زوج‌های جوان، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «فَوَاللّٰهِ مَا اَعْضَبْتَهَا وَلَا اَكْرَهْتَهَا عَلٰی اَمْرِ حَتّٰی قَبَضَهَا اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ لِیْهِ وَلَا اَعْضَبْتَنِیْ وَلَا عَصَتْ لِیْ اَمْرًا وَّلَقَدْ كُنْتُ اَنْظُرُ لِیْهَا فَتَنْكَشِفُ عَنِّی الْهُمُومَ وَالْاَحْزَانَ» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴).

۶. گفتار کریمانه

رعایت ادب و حفظ کرامت شنونده و شنوندگان شرط ارتباط گفتاری سازنده و مطلوب و با ثبات است. کریمانه سخن گفتن، این است که شنوندگان را بزرگ بشماری و با احترام با او به گفت‌وگو بنشین. حرمت‌شکنی و بی‌آزمی، حتی در گونه صدا زدن یا در شکل نگاه کردن، حالتی انفعالی را برای مخاطب پدید می‌آورد، او سخنان گوینده را نمی‌پذیرد، و آتش خشم و تنفر را از درون جاننش شعله‌ور می‌سازد. این سیره پیامبران الهی در گفت‌وگو با دیگران است، آنها انسان را موجودی شریف و برخوردار از صفات خدایی می‌دانند «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... فَضَلَّلْنَاهُمْ عَلٰی كَثِیْرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِیْلًا» (اسراء، ۷۰)؛ و انسان را جانشین خدا در روی زمین «اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً» (بقره، ۳۰)؛ و انسان را مسجود فرشتگان «وَ اِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ

اَسْجُدُوا لِادَمَ فَسَجَدُوا» (بقره، ۳۴). در تعالیم حیات‌بخش دین مبین اسلام سفارش‌های بسیار به گفتار کریمانه و رعایت ادب و احترام هنگام گفت‌وگو با اصناف مختلف مردم شده است، حتی آنان که پایبندی به اصول اخلاقی هم ندارند. برای همین حفظ حرمت و رعایت ادب حتی هنگامی که طرف مقابل پایبندی به آن ندارد ارزشی ستودنی است. «وَ اِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (فرقان، ۶۳) (گروه پژوهشی قرآن و حدیث، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های دینی، ج ۲، ص ۴۴۹).

۷. گفتار داستانی

بیان سرگذشت و شرح احوال گذشتگان، اقوام و امت‌های سلف که در سرزمین‌های گوناگون اقامت گزیده‌اند، یکی از شیوه‌های گفتاری است که می‌تواند گوینده را به اهداف هدایت‌گرایانه خود برساند، و شنوندگان را به شنیدن ترغیب و شیفته شخصیت داستانی نماید. قرآن از این مهارت گفتاری به خوبی بهره برده؛ سرگذشت انبیا و امت‌های گذشته را به گونه‌ای تصویرسازی می‌کند که شنوندگان و خوانندگان را به دنیای قهرمانان داستان‌های خود می‌برد، داستان‌های قرآن گاهی مفصل است و گاهی مختصر، به علاوه برخی از داستان‌های قرآنی گاهی تکرار می‌شود که به طور قطع و یقین فوایدی بر این تکرار و اجمال و تفصیل مترتب است، برای مثال به داستان زندگی حضرت موسی علیه السلام و مبارزه او با طاغوت زمانش (فرعون) که در چند سوره قرآن آمده اشاره می‌کنیم. در سوره قصص، برخی احوال جزئی زندگانی حضرت موسی علیه السلام به صورت مشروح بیان می‌شود، چگونگی تولد و رشد و نمو آن حضرت در دامان همسر فرعون (آسیه) درحالی‌که فرعون در صدد کشتن او و تمامی فرزندان پسر بنی اسرائیل بود، نجات حضرت موسی علیه السلام از دست فرعونیان و راهیابی او به خانواده حضرت شعیب علیه السلام و ازدواج او با دختر پیامبری از پیامبران خدا که در آن ده‌ها پند و اندرز و نکته‌های اخلاقی و تربیتی وجود دارد. آیات ۱۰۳-۱۵۶ سوره اعراف به شرح بخش‌های دیگر داستان زندگانی موسای کلیم می‌پردازد، مناظره و مبارزه حضرت موسی علیه السلام با ساحران در اجتماع عظیمی که با حضور فرعون و درباریان و قوم بنی اسرائیل برگزار شد، و خداوند او را بر ساحران پیروز کرد. تغییر اعتقادی قوم بنی اسرائیل پس از میقات سی روزه حضرت موسی علیه السلام در کوه طور که به چهل روز تبدیل شد، آنها فریب، حيله و نیرنگ سامری را می‌پذیرند و به پرستش گوساله سامری می‌پردازند، می‌توان عبرت‌های فراموش ناشدنی را از آن فراگرفت، و

در نهایت در آیات ۱۵-۲۶ سوره النازعات از طغیان‌گری فرعون و هلاکت و عذاب دردناک او سخن گفته می‌شود. «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى» (النازعات، ۲۶). بازگویی این داستان برای شنوندگان این حقیقت را آشکار می‌کند که قدرت مطلقه خدای سبحان در تمام اجزای عالم هستی جریان دارد، و هیچ کسی را توانایی مقابله با آن نیست، آنچه حق تعالی اراده نموده، تحقق خواهد یافت، با اینکه تمامی ابزارهای قدرت در اختیار قدرت مسلط است.

عناصر مهارت‌های داستانی قرآن کریم عبارت‌اند از:

الف) توجه به عنصر ادبی - هنری داستان، از قبیل تصویرسازی از وقوع داستان، در چه زمان و مکانی اتفاق افتاده، ترسیم سیمای شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان‌ها و قهرمانان داستان و فضای حاکم بر آنها، آغاز و پایان زیبای آن و تبیین گره‌های داستانی و پیام داستان؛

ب) رعایت وحدت موضوعی و ساختاری و پرهیز از انحراف و از هم گسیختگی و پراکنده‌گویی درباره موضوع؛

ج) توجه به عناصر جامعه‌شناختی و روان‌شناختی در تصویرسازی محیط و شخصیت‌ها؛
 د) به‌کارگیری امثال و حکم و توجه به عناصر زیبایی‌شناختی و زبان‌شناختی از قبیل: حقیقت و مجاز، تشبیه و استعاره، رمز و اشاره، لغت، صرف و نحو (زینی‌وند، دستجردی، درآمدی توصیفی و تحلیلی بر شیوه‌های گفت‌وگو در قرآن کریم، ص ۴۵-۶۸).

۸. گفتار تمثیلی و تشبیهی

استفاده از تمثیل و تشبیه برای بیان مفاهیم عالی، شیوه‌ای برای توضیح و تبیین مفاهیمی است که دارای معانی ثقیلی باشد، به این معنا که گوینده وقتی شنونده را از درک و فهم مفاهیم عالی موضوع مورد بحث ناتوان می‌بیند، با ذکر مثال و تشبیه امور معقول به محسوس، آن را برای ذهن او قابل درک، او را برای فهم بهتر مفاهیم و معانی آماده می‌کند. گاهی از اوقات یک مطلب عقلانی و غیرقابل هضم را با یک تشبیه و تمثیل بسیار ساده می‌توان قابل فهم کرد به گونه‌ای که مخاطب به راحتی پیام را دریافت کند. «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ» (اسراء، ۸۹). خدای سبحان در قرآن مجید برای بیان حقایق، از «مثال‌ها و تشبیهات» بسیاری استفاده کرده است که مجموعه آنها اعجاز این کتاب عظیم الهی را اثبات می‌کند، هنرهای ادبی که در این مثال‌ها به کار رفته و نکته‌های

حکیمانه و دل‌نشینی که در هر یک از آنها به چشم می‌خورد به راستی اعجاب‌آور است. برای رسیدن به این حقیقت انکارناپذیر کافی است تعدادی از آنها را مورد بررسی قرار دهیم، مانند آیه: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ * وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ» (ابراهیم، ۲۴-۲۶) خداوند متعال در این آیات، «کلمه طیبه» (گفتار پاکیزه) را به شجره طیبه تشبیه می‌کند، که اعتقاد حقیقی و پایدار به توحید و یکتایی خداوند است. اصل و اساس این اعتقاد (یعنی خداوند) وجودی است که هرگز از بین نمی‌رود و هیچ تبدیل و تغییری در آن راه ندارد به همین جهت، به ریشه ثابت درخت تشبیه شده که تمام حقایق و برکات از او سرچشمه می‌گیرد، اعتقادات خالص و ناب، اخلاق نیکو و اعمال شایسته که زندگی واقعی انسان و تعالی معنوی و مادی جامعه انسانی به آن وابسته است، همه و همه از آن ریشه می‌گیرد. هنگامی که توحید و خداپرستی در وجود انسان ریشه بداند، خود انسان مصداق آن درخت پاکیزه می‌شود که از طرفی دل و جانش با خدای سبحان مرتبط می‌گردد و از طرف دیگر مردم از برکات وجود او بهره‌مند می‌شوند. در روایات بسیاری که از لسان اهل‌البیت علیهم‌السلام صادر شده است، این شجره طیبه را پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خاندان طاهربینش علیهم‌السلام دانسته‌اند. حتی می‌توان گفت که هر اعتقاد صحیح و هر عمل صالحی، مصداق این شجره طیبه است. اعتقاد راسخ توحیدی است که خیرات و برکات آن در جهان هستی منتشر می‌شود. و «کلمه خبیثه» به هر چیز خبیث و ناپاک اطلاق می‌شود؛ از جمله به گفتار زشت و ناپسند، برنامه‌های گمراه‌کننده و انحرافی، انسان‌های ناپاک و آلوده. بدیهی است درخت زشت و شومی که ریشه آن کنده شده، نه رشد و نمو دارد و نه پیشرفت و تکاملی، نه گل و میوه‌ای، نه سایه و منظره‌ای، نه ثبات و استقراری، قطعه چوبی است که فقط به درد سوزندان می‌خورد. (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۲، ص ۷۵).

۹. گفتار حکیمانه

انسان‌ها به لحاظ خرد و اندیشه و فهم و استعدادهای درونی و قابلیت‌های روحانی همسان و همانند نیستند، برای همین در اصلاح ساختار شخصیت انسان‌های تعادل نیافته، لازم است برخی را با حکمت و برهان به صراط مستقیم و طریق تکامل رهنمون ساخت، برخی را

با موعظه و اندرزهای راه‌گشا، و بعضی از شخصیت‌های انحطاط یافته را با مناظره اقماعی اصلاح کرد. خدای سبحان به پیامبران فرمان داد تا با همین شیوه به اصلاح ساختار شخصیتی انسان‌های معاصر خود بپردازند. «اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (النحل، ۱۲۵).

در گفتار حکیمانه این نکات کاربردی را باید ملحوظ نظر قرار داد:

۱. ظرفیت فهم مخاطب: جمله‌های حکیمانه متناسب با سطح درک و فهم مخاطبان و شنوندگان تنظیم و بیان شود تا زمینه تأثیرگذاری بیشتری در زندگی آنها فراهم گردد (حسینی‌زاده و مشایخی، روش‌های تربیتی در قرآن، ج ۲، ص ۴۹)؛
۲. بیان کلمات قصار: جمله‌های حکیمانه باید به صورت کلمات قصار ارائه شوند تا به راحتی در جان و روح مخاطب و شنونده تأثیرگذار باشد و همواره ذهن مخاطب به آنها مشغول گردد و در تمام لحظه‌ها و دوران زندگانی انسان‌ها کارایی داشته باشد. همچنان‌که در قرآن کریم غالب حکمت‌ها در قالب کلمات قصار بیان می‌شوند. مانند آیه «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ» (نحل، ۹۶). جمله‌های حکیمانه در سخنان معصومان علیهم‌السلام نیز موج می‌زند، نظیر «التَّوَّاضِعُ رَأْسُ الْعَقْلِ وَالتَّكَبُّرُ رَأْسُ الْجَهْلِ» (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۲۴)؛
۳. تفسیر جمله‌های حکیمانه: نیکوتر اینکه بیان جمله‌های حکیمانه همراه با توضیح و تفسیر باشد تا درک و فهم شوند و بر قلب و روح شنونده تأثیر داشته باشند. برای مثال حضرت علی علیه‌السلام در نهج البلاغه پس از بیان اینکه مؤمنان در حوادث فتنه‌انگیز زمانه باید همچون بچه شتر کم سن و سال باشند با عبارت کوتاهی به شرح و تفسیر آن می‌پردازد. «كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابْنِ اللَّيْثِ، لَا ظَهْرَ فَيْرَكَبَ، وَلَا ضَرْعَ فَيَحْلَبُ» (دشتی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت ۱). این بچه شتر نه پشت قوی دارد که بتوان بر روی آن سوار شد و از او سواری گرفت و نه پستان پُرشیری دارد که آن را بدوشند و بنوشند.

۱۰. گفتار عدالت خواهانه

زلال معارف و حیانی در بستر تاریخ بشریت، پیوسته از چشمه‌سار حیات‌بخش وحی، در کالبد جان حق‌جویان، روحی تازه بخشیده و با صفا و خلوص خود، کویر جان آنان را به گلستانی زیبا تبدیل نموده، و به سر منزل مقصود رهنمون‌شان ساخته است، آنچه موجب ماندگاری و پویایی نظام تشریح برخاسته از وحی گشته، هماهنگی و همسویی آن با نظام تکوین است،

این دو بقا و پایداری خود را مرهون اصل بنیادین «عدالت» هستند، اصلی که در سرتاسر عالم هستی رخ نموده و بن مایه و اساس ماندگاری صلابت و تکامل آنهاست، چه آسمان‌ها و زمین بر اساس عدالت پایدار هستند «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» (ابن ابی جمهور احسایی، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۴، ص ۱۰۳).

یکی از دلایل گسترش و پیشرفت دین اسلام و مسلمانان در عصر نبوی در میان اقوام و ملل معاصر شعارها و آرمان‌های عدالت‌خواهانه دین اسلام بوده است، عدالت، قانونی است که تمام هستی بر محور آن آفریده شده است. خدای سبحان به مؤمنان فرمان می‌دهد، و اینکه هنگام سخن گفتن درباره چیزی عادلانه سخن بگویند. «وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا» (انعام، ۱۵۲).

۱۱. رعایت اولویت‌های گفتاری

تعیین یا تغییر موضوع گفتار، چگونگی بیان آن برای شنوندگان به فراخور استعداد، ظرفیت، زمینه‌ها، شرایط و حوادثی که رخ داده، از عناصر حدوث و تداوم گفتار و شنیدار مفید و مؤثر است. گفت‌وگوکنندگان باید بر اساس اولویت موضوع را انتخاب نمایند، و به طرح بحث مناسب با فضای اندیشه‌ای اقدام کنند. چنان‌که در این باره امام علی علیه السلام فرموده: «لِكُلِّ مَقَامٍ مَقَالٌ» (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ح ۷۲۹۳، ص ۱۶). در هر مقامی باید به‌گونه‌ای خاص سخن گفت. به عبارت دیگر، هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد. برای همین محتوا، سیاق و حتی سجع و آوای سوره‌های مکی و مدنی قرآن با یکدیگر تفاوت دارند؛ چرا که محیط و فرهنگ حاکم بر آن دو سرزمین و موقعیت مسلمانان و مخاطبان مستقیم آیات، این‌گونه اقتضا می‌کرد که سوره‌های مکی غالب آیاتش کوتاه و کوبنده عقاید خیالی و باطل مسلط بر اندیشه مردم بت‌پرست و خرافه‌پرست مکه باشد، و به مباحث مبدأ و معاد بپردازد، و سوره‌های مدنی بیشتر به تشریح احکام اجتماعی و تفصیل براهین منطقی و عقلایی بپردازد. این نشان می‌دهد که توجه به محیط و فضای گفت‌وگو و اولویت‌بندی موضوعات، برای تأثیرگذاری و تحول‌آفرینی در شنوندگان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (گروه پژوهشی قرآن و حدیث، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، ج ۲، ص ۴۵۶). از آنجا که زبان مشترک انسان‌ها، فطرت است رعایت اولویت‌ها منطبق با فطرت هنگام گفت‌وگو و تبادل نظر امری الزامی است، برای اینکه در بسیاری مواقع برهان‌های عقلی و منطقی به جهت رعایت نشدن معیارهای دینی از سوی گفت‌وگوکنندگان به کشف حقایق

منتهی نمی‌شود، از الزامات اولویت‌های گفتاری این است که هرگاه اندیشمندی برای گروهی از مردم سخن می‌گوید، او باید مطالب را به‌گونه‌ای تنظیم نماید که ارتباطی به هم پیوسته و علّی و معلولی میان آنها برقرار شود، بهتر این است که انسجام و ارتباط مطالب را به ظرف ذهن انتقال دهد تا به هنگام گفتار، موضوعات به ترتیب و منظم یکدیگر را تداعی نمایند.

۱۲. زبان‌شناسی مخاطب

آگاهی به میزان درک و خرد شنونده و نیز نیازهای اندیشه‌ای و گرایشی وی معیاری برای انتخاب موضوع گفت‌وگو و از عناصر تحکیم بخش و تأثیرگذار مهارت میان فردی گفتاری است. شخصی که در مقام سخن قرار گرفته بایستی با در نظر گرفتن سن، سطح آگاهی‌های علمی و معنوی و جایگاه اجتماعی شنوندگان به‌گونه‌ای سخن بگوید که هم قابل فهم و دریافت باشد، و هم با ایجاد هم سطحی و همسانی میان خود و شنوندگان، زمینه‌های تأثیرگذاری در آنان ایجاد و از حمایت و همراهی آنها برخوردار گردد. برای همین پیام‌آوران الهی به زبان فرهنگ و عرف جامعه خویش سخن گفته‌اند. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» (ابراهیم، ۴).

ویژگی‌های مهارتی زبان‌شناسی مخاطب:

الف: توانایی علمی: سخنران باید قوه عاقله (عقل)، نیروی درک، سطح فرهنگ، ظرفیت روح، استعداد فراگیری شنونده را بشناسد و در سطح علمی او سخن بگوید، نه آنکه مقام علمی خود را ملاک سخن گفتن قرار دهد و هر چه را که آموخته بر زبان جاری کند. چنان‌که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این چنین بودند. «وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نَكَلِمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۷)؛

ب: رعایت ظرفیت روحی شنونده: شنوندگان هنگامی تحمل گفتار دیگری را در خود احساس می‌کند که مطالب ارائه شده به فراخور فهم و دانش او باشد، و الا احساس خستگی و بیگانگی از گفتار را در خود مشاهده می‌کند. در این باره رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَهُ؛ هر کسی کودکی نزد او است باید برای او کودکی کند» (ابن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۴)؛

ج: گفتار ساده و روان: یکی از اسلوب‌های مهم ارتباطی با مردم و جذب آنان، ساده‌گویی مطالب در سطح فهم و خرد آنان است، خداوند متعال برای یادآوری حقایق قرآن و پی بردن

مردم به این حقایق ارزشمند آن را بر زبان رسول گرامی‌اش ساده و روان جاری نمود. «فَإِنَّمَا يَسْتَرْفَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (دخان، ۵۸). (قرآنی، قرآن و تبلیغ، ص ۸۸)؛
 د: تفسیر مفاهیم عمیق: هرگاه گفتار مفاهیم عالی را به شنونده منتقل می‌کند، و فهم آن نیاز به بیان مقدماتی دارد تا به تدریج توسط شنونده فهم گردد، باید توضیحاتی برای او درباره موضوع سخن بیان شود.

۱۳. جدال احسن

راغب اصفهانی جدال را مباحثه و گفت و شنود بر اساس گفتارستیزی و غلبه بر طرف مقابل می‌داند، او می‌نویسد: «الْجَدَلُ: الْمُفَاوَضَةُ عَلَى سَبِيلِ الْمُنَازَعَةِ وَالْمُغَالَبَةِ أَسْلُهُ مِنْ جَدَلِهِ الْحَبْلِ أَيْ أَحْكَمْتُ قِتْلَهُ»؛ جدل عبارت از گفت‌وگویی دو جانبه بر اساس گفتارستیزی و غلبه بر طرف مقابل می‌باشد. در مجادله هر کدام از دو طرف گفت‌وگو تلاش می‌کنند تا دیگری را از عقیده‌اش برگرداند و او را در پیچ‌وخم استدلال مغلوب نموده و بر زمین بزند (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۸۹).

قرآن کریم به مثابه معتبرترین و قطعی‌ترین سند ادیان الهی جدال احسن را اگر به صورت نیکوترین گفتار باشد تأیید کرده است و شیوه تربیتی دعوت توحیدی پیامبر اسلام ﷺ بر همین منهج و روش معرفی می‌کند. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل، ۱۲۵).

شاخصه‌های مهارتی جدال احسن:

۱. کشف حقیقت: گفت‌وگویی دو سویه برای سلطه و غلبه بر یکدیگر نباشد، بلکه تمام مباحثی که مطرح می‌شود معطوف به کشف حقیقت باشد؛
 ۲. حق‌پذیری و حق‌طلبی: در ارائه استدلال‌های منطقی هنگام جدال احسن باید گفت‌وگوکنندگان و شنوندگان باور داشته باشند که هدف از گفت‌وگو، شناسایی و دستیابی به حق و حقیقت است، هرچند این حق در استدلال‌هایی باشد که از سوی طرف مقابل بیان شود (شریعتی، درباره سخن و سخنوری، ص ۱۴۶)؛

۳. بصیرت‌افزایی: در جدال احسن بالاترین هدف باید روشن شدن بیشتر حقیقت باشد، تا بر شمار پیروان حق و حقیقت افزون گردد و اختلافات بینشی و رفتاری از میان برود. پیامبر گرامی اسلام ﷺ چنین روشی را برای تفهیم معارف دینی با مخالفانش داشت. «قُلْ هَذِهِ

سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (یوسف، ۱۰۸)؛
 ۴. استدلال اقناعی: خدای متعال در قرآن مجید بسیاری از حقایق توحیدی و نفی شرک در عبادت و دیگر موضوعات اعتقادی و اخلاقی را در پوشش استفهام انکاری یا استفهام تقریری بیان می‌کند، تا با گرفتن اعتراف از شنوندگان برای حقانیت موضوع، آنها را از نظر جهان بینی و ایدئولوژی همراه خود نماید «أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (ابراهیم، ۱۰). (شریعتی، درباره سخن و سخنوری، ص ۱۴۴).

۱۴. گفتار سدید

زبان قرآن، زبان صلاح و سداد است، گفتاری که قرآن کریم برای بیان اندیشه‌های تابناک و مفاهیم وحیانی خود برای هدایت مخاطبان‌ش به‌کار برده، تأثیر بسزایی در پذیرش، گسترش و جهانی شدن اسلام داشته است. دعوت به گفتار صلاح و سداد، تأکید بر مشترکات اعتقادی ادیان الهی، تکیه بر زبان فطرت از جمله ویژگی‌های زبان قرآن در گفت‌وگو با پیروان دیگر ادیان الهی به‌شمار می‌آید. زبان قرآن در جریان گفت‌وگوها، زبانی ترکیبی است؛ یعنی بر حسب موضوع و مخاطبان، گفتار خاصی را به‌کار گرفته است که یکی از آنها «گفتار سدید» است. گفتاری که هیچ‌گونه نقص و نقضی در آن راه ندارد، و خدای سبحان به این‌گونه سخن گفتن فرمان داده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (احزاب، ۷۰).

مهارت گفتاری سدید برآیند وجود عناصری چند است:

۱. اندیشیدن: خردمند دوران‌دیش پیش از آغاز سخن اندکی درنگ می‌کند، اندیشه‌اش را به‌کار می‌گیرد، آثار و پیامدهای احتمالی آن را پیش‌بینی می‌کند، آنگاه در صورت لزوم گفتار منطقی و مستدل را بر زبان جاری می‌سازد. «قَالَ عَلَىٰ حُبِّ آلِ بَنِي سُلَيْمَانَ إِنْ يُرِيدُ اللَّهُ خَرَابَ الْمَدِينَةِ وَذُنُوقَكُمْ فِي أُمَمٍ بَعْضًا يَخْتِصِمُ يَوْمَئِذٍ الْفَاسِقِينَ» (سجده، ۲۵).
 به؛ فَإِذَا تَكَلَّمْتُمْ بِهِ، صُرْتُمْ فِي وُثَاقِهِ. فَأَخْرَجْنَا لِسَانَكَ، كَمَا تَخْرُجُ ذَهَبَكَ وَوَرِقَكَ؛ فَرُبَّ كَلِمَةٍ سَلَبَتْ نِعْمَةً وَجَلَبَتْ نِقْمَةً» (دستی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت (۳۸)؛

۲. گفتار برهانی: گفتار برهانی در سایه عقل‌مداری تحقق می‌یابد و مقصود از گفتار برهانی آن است که جهت تحقق حق و ترویج آن در گفت‌وگو تنها باید تابع استدلال برهانی بود و روح چرا و به چه دلیل را بر فضای گفت‌وگو حاکم کرد (سلطانی، قرآن علم ارتباطات تبلیغ رسانه، شماره ۳۴). قرآن علاوه بر فراخوانی پیروان خود به تبعیت از دلیل و برهان،

از مخالفان خویش نیز دلیل و برهان می‌طلبد و در مقام تخطئه پندار غلط اهل کتاب می‌فرماید: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره، ۱۱۱).

۱۵. گفتار مقایسه‌ای

گفت‌وگوکنندگان درباره معارف عمیق دینی و حقایق معرفتی به تبادل نظر با یکدیگر می‌پردازند تا حقایق متعالی تبیین و تفسیر گردد، و ایمان راسخ و ارزش‌های متعالی در قلب‌ها استحکام پیدا کند. قرآن کریم از مقایسه و سنجش ملاک‌ها و معیارهای حق و باطل در گفت‌وگو با مخاطبان استفاده کرده، تا فهم تعالیم وحیانی را برای پیروان آیین توحیدی برهانی و حجت را بر انکارکنندگان وحی تمام کند.

مقایسه میان ایمان به خداوند یگانه و ایمان به خدایان دروغین، شنوندگان را معترف و معتقد به یگانگی خداوند می‌کند. «أَأَيُّابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (یوسف، ۳۹). مقایسه میان قدرت بی‌نهایت خداوند، آفریننده موجودات و هستی‌بخش آنها پس از مرگ با بت‌های سنگی و چوبی که قادر به انجام هیچ کاری نیستند، به انسان‌ها می‌فهماند، قدرت بی‌چون و چرای هستی پروردگار متعال است. «قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ» (یونس، ۳۴). مقایسه میان هدایت‌گری خدای متعال به حق و حقیقت و گمراه‌کنندگی هر چه غیر خداست. «قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس، ۳۵). خداوند در این آیه از مشرکان سؤال می‌کند، آیا پیروی از کسی که هم راه را نشان می‌دهد و هم به مقصد می‌رساند، شایسته‌تر است یا پیروی از معبودهایی که هرگز قدرت هدایت ندارند و بلکه اگر هدایت‌پذیر باشند، باید کسی آنها را هدایت کند؟! آنگاه به‌طور مسلم مشرکان پاسخی برای این سؤال ندارند، ذات نایافته از هستی بخش، کی تواند که شود هستی بخش (قرآنی، قرآن و تبلیغ، ص ۲۱۱).

مهارت‌های شنیداری از منظر آموزه‌های دینی

۱. گوش دادن فعال

گوش دادن فعال اهمیت فراوانی در ارتباط میان فردی شنیداری دارد. بر اساس پاره‌ای از بررسی‌ها، به‌طور متوسط، ۴۵ درصد از زمان گفت‌وگو صرف شنیدن می‌شود. (هارجری و همکاران، مهارت‌های اجتماعی در ارتباط میان فردی، ص ۲۱۵). ولی معدودی از افراد،

شنوندگان خوبی هستند؛ چرا که میان شنیدن و گوش دادن فعال تفاوت است، برای توصیف شنیدن فرایندهای حسی به کار می‌رود که پیام گوینده توسط سیستم شنوایی دریافت می‌شود، و به مغز انسان ارسال می‌گردد، اما گوش دادن فعال، فعالیتی روان‌شناختی پیچیده‌ای است که تجربه‌ای حسی را شامل می‌شود. (بولتون، روان‌شناسی روابط انسانی، ترجمه سهرابی و همکاران، ص ۶۱).

مهارت گوش دادن فعال شامل سه مؤلفه می‌گردد:

۱. مهارت‌های توجه: توجه کردن ارتباطی غیرکلامی است، و نشان می‌دهد شنونده به سخنان فرد در حال صحبت به دقت گوش می‌دهد. مهارت توجه کردن شامل حالت درگیر بودن، تحرک جسمانی مناسب، تماس چشمی و محیط غیرمزاحم است؛

۲. مهارت‌های پیگیری: «شنوندگان» می‌توانند با پرسش‌های مکرر خود گفت‌وگو را هدایت کنند، و یا به آن جهت دهند، حتی آن‌قدر سخن بگویند که گفت‌وگو را به خود اختصاص دهند. مهارت‌های پیگیری شامل: در باز کن (یعنی دعوتی برای صحبت کردن)، تشویق‌های کوتاه، سؤال‌های کم و سکوت همراه با توجه است؛

۳. مهارت انعکاسی: در مهارت انعکاسی شنونده احساس یا مفهوم آنچه را که با او در میان گذاشته شده است را بیان می‌کند و این کار را به گونه‌ای انجام می‌دهد که نشان دهنده درک و فهم و پذیرش وی باشد، شامل: انعکاس احساسات، انعکاس معانی، پیوند زدن احساسات به محتوی و انعکاس تلخیص می‌شود. (بولتون، روابط انسانی، ترجمه سهرابی و همکاران، ص ۶۱-۸۵)

۲. ارتباط شنیداری من و تو

گفتار و شنیدار حداقل باید دو طرف داشته باشد تا به این وسیله صحت و درستی موضوع مورد گفت‌وگو، یا مضمون گفتار و یا مطلب علمی که مورد تبادل نظر قرار گرفته فهمیده شود. این روش علمی برای کشف واقعیت و پرورش اندیشه و فهم صحیح مطالب مورد گفت‌وگو است، که غربی‌ها این روش را دیالوگ می‌نامند. (شریعتی، درباره سخن و سخنوری، ص ۴۰۸-۴۰۹). در ارتباط شنیداری من و تو هر یک از گوینده و شنونده باید به دیگری اجازه سخن گفتن و اظهار نظر بدهد و با پرگویی وی را به سکوت وادار نکند، برای همین در آموزه‌های دینی تأکید می‌شود که در فضای گفت‌وگو بر شنیدار بیش از گفتار، علاقه نشان دهید. حضرت

علی علیه السلام در ستایش یکی از برادران دینی‌اش می‌فرماید: «وَكَانَ إِذَا غُلِبَ عَلَى الْكَلَامِ لَمْ يُغَلَبْ عَلَى السُّكُوتِ وَكَانَ عَلَى مَا يَسْمَعُ أَحْرَصِمْنُهُ عَلَى أَنْ يَتَكَلَّمَ» (دشتی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت ۲۸۹). در آموزه‌های دینی برای ارتباط شنیداری من و تو اصول و قواعدی تعیین شده است که در فضای گفت‌وگو رعایت آنها الزامی است، که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. فهم سخنان یکدیگر: گفت‌وگوکنندگان باید مفاهیم و پیام‌های گفتاری یکدیگر را با دقتی تام گوش فرا داده و فهم کنند. «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر، ۱۷-۱۸)؛
۲. شنیدن گفتار: شرط شنیدار من و تو، این است که گفت‌وگوکنندگان بر اساس اصل مساوات با ایجاد فضای شنیدار محققانه و پرهیز از سماجت، بستر و زمینه کشف حقیقت را برای یکدیگر فراهم آورند. «إِنَّا أَوْيَاكُمْ لَعَلَّ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (سبا، ۲۴)؛
۳. طرح نقاط مشترک: مبانی مشترک اعتقادی میان تمام ادیان الهی، پرستش خداوند، ایمان به پیامبران الهی و اعتقاد به معاد است. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران، ۶۴)؛
۴. حلیم باشیم: شنونده باید نسبت به شنیدن سخنان گوینده تحمل و صبوری نشان دهد، و به آن گوش فرا دهد تا کلام او به پایان برسد، بریدن سخن دیگری، شیوه‌ای ناپسند و دلیل کم‌ظرفیتی و از اخلاق دینی به دور است. (محدثی، اخلاق معاشرت، ص ۱۴۱). در سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «مَنْ تَكَلَّمَ أَنْصَتُوا لَهُ حَتَّى يَفْرَغَ حَدِيثَهُمْ عِنْدَهُ» (طباطبایی، سنن النبی، ص ۲۷).

۳. حُسن استماع

در ارتباط میان فردی، استفاده از قدرت شنوایی و به تعبیر دیگر حُسن استماع و نیکو گوش دادن به گفتار دیگران نقش بسزایی دارد. بی‌اعتنایی به سخنان گوینده نشانه بی‌ادبی است، به عکس، حُسن استماع و ابراز اشتیاق برای شنیدن، نشانه ادب و تربیت فردی و اجتماعی و ارزش قائل شدن به موقعیت انسانی گفت‌وگوکنندگان به‌شمار می‌آید. رسول خدا صلی الله علیه و آله برای این امر آن‌چنان اهمیتی قائل بود که حتی به سخنان آنان که بیمار دل بودند و با اغراض شوم سخنانی را بر زبان جاری می‌کردند تا به زعم خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را فریب دهند، گوش فرا می‌داد تا آنجا که آنها به ستوه می‌آمدند، و از روی تمسخر می‌گفتند: «هُوَ أَدْنُ» (توبه، ۶۱). (محدثی، اخلاق معاشرت، ص ۱۴۰).

حسن استماع مصادیقی دارد که عبارت‌اند از:

۱. با گوینده: برای شنیدار سخنان هر گوینده‌ای باید تحمل و صبوری نشان دهید، به آن گوش فرا دهید تا گفتارش به پایان برسد، بریدن گفتار متکلم شیوه‌ای ناپسند و دلیل کم‌ظرفیتی و بی‌ادبی است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در گفت‌وگو با دیگران این چنین رفتاری داشت. «مَنْ تَكَلَّمَ أَنْصَتُوا لَهُ حَتَّى يَفْرُغَ حَدِيثُهُمْ عِنْدَهُ؛ با هر کس که به گفت‌وگو می‌نشست به سخنان او گوش فرامی‌داد تا گفتارش به پایان برسد» (طباطبایی، سنن النبی، ص ۲۷)؛
۲. با استاد: امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام در رساله حقوقش این چنین فرموده: «حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ، التَّعْظِيمُ لَهُ وَالتَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَحُسْنُ الإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ؛ «حق آن‌کس که عهده‌دار تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش) تو است، اینکه به او احترام کنی، همنشینی با او را گرامی بداری، و به سخنان او خوب گوش فرادهی» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۲)؛
۳. با واعظان: دانشمند عامل که به موعظه دیگران می‌پردازد، دوست دارد شنوندگان به سخنان او گوش فرادهند، و به تماشای استماع آنان بنشینند، و آثار پذیرش و تأثیر گفتارش را در سیمای آنها ببیند. امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام درباره حق نصیحت کننده بر نصیحت شونده می‌فرماید: «وَحَقُّ النَّاصِحَانِ تَلِينٌ لَهُ جَنَاحَكَ وَتُصْنَعُ إِلَيْهِ بِسَمْعِكَ؛ «حق نصیحت کننده بر نصیحت شونده این است که بال‌های تواضع و فروتنی خویش را برای او بگستراند، و به سخنان او گوش فرا دهد» (ابن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۵)؛
۴. با درد دل کننده: بسیاری از مردم قلب‌هایی آکنده از غم و خاطرات تلخ و مشکلات و نابسامانی‌های زندگانی دنیوی دارند که آنان را در فشار روحی قرار می‌دهد، آنها در پی دو گوش شنوا هستند تا با او درد دل کنند، و با بازگویی دردمندی‌هایشان آرامش پیدا کنند، آن شخصی که عاطفه نشان می‌دهد و به شکوائیه‌ها و غم‌نامه‌های دردمندانه آنان گوش می‌سپارد، و خود را علاقه‌مند شنیدن نشان می‌دهد، با او نوعی همدردی کرده است. (محدثی، اخلاق معاشرت، ص ۱۴۴). حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام در این باره می‌فرماید: «مَنْ السُّودِدِ الصَّبْرُ لِاسْتِمَاعِ شَكْوَى الْمَلُوفِ؛ «از بزرگوار و آقایی است که انسان برای استماع و گوش سپردن به شکوائیه و ناله‌های دردمندانه دیگران صبوری نماید» (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۸۱، ج ۳، ۹۴۴۳).

۴. شنیدار مسئولانه

گوش انسان، به اعتقاد بعضی دانشمندان در عالم جنینی کم و بیش قدرت شنوایی دارد، و آهنگ ضربان قلب مادر را می‌شنود و به آن عادت می‌کند. گوش شنوا وسیله‌ای برای تعلیم و تربیت در همه زمینه‌هاست؛ زیرا به وسیله شنیدن حروف و کلمات، انسان به همه حقایق هستی اعم از آنچه در دایره حس قرار می‌گیرد، و آنچه بیرون از دایره محسوسات قرار دارد، آشنا می‌گردد، درحالی‌که چشم این توانایی را ندارد. این صحیح است که انسان با خواندن واژه‌ها و جمله‌ها از طریق چشم می‌تواند با مفاهیم آشنا شود و بر معلومات خود بیفزاید، اما ما می‌دانیم خواندن به وسیله چشم در مورد همه انسان‌ها عمومیت ندارد، آنها که سواد خواندن ندارند، گوش یکی از ابزارهای شناخت است. ارتباط عقل که حجت باطنی خداوند است با انبیاء الهی و پیامبر اسلام ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام که حجت‌های ظاهری او هستند با شنیدار مسئولانه برقرار می‌گردد. گوش انسان با شهادت دادن به تمام آنچه در طول عمر شنیده، نقشی اساسی در نیک فرجامی (سعادت‌مندی ابدی) یا بدبختی (شقاوت ابدی) انسان ایفا می‌کند. بنابراین شنیدن را امری سهل و آسان نباید پنداشت، بلکه قوه شنوایی جایگاهی پس رفیع نزد خدای سبحان دارد که با شنیدن مسئولانه باید از آن پاسداری کرد. «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء، ۳۶).

۵. زبان بدن

بر اساس پاره‌ای از بررسی‌ها، بیش از نیمی از مکالمات رو در روی انسان‌ها، گفتاری و شنیداری نمی‌باشد؛ و زبان ایما و اشاره بیش از آنکه سخن بگوییم، احساسات و نگرش‌های ما را بیان می‌کند. (دون گاپور، مهارت‌های گفت‌وگو، ترجمه قرچه‌داغی، ص ۱۳). حالت چهره، تماس چشمی، چگونگی صدا زدن و هندسه اندام، هر کدام پیامی را تداعی می‌کنند و در این میان چهره انسان، در خصوص حالات هیجانی دیگران اطلاعات فراوانی را در اختیار ما قرار می‌دهد به طوری که برخی نظریه پردازان معتقدند حالات چهره بعد از زبان، مهم‌ترین منبع اطلاعاتی است. (هارجر، مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، ترجمه بیگر و فیروزبخت، ص ۶۳). خدای متعال در قرآن کریم به این نکته تصریح نموده که از حالات سیمای انسان‌ها می‌توان به ما فی الضمیر و باطن آنان پی برد و افکار و اندیشه آنها را شناخت، که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. شناسایی مؤمنان: «سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ» (فتح، ۲۹)؛
۲. شناسایی کافران: «وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ» (حج، ۷۲)؛
۳. شناسایی منافقان: «وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَלَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَ لَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ» (محمد، ۳۰)؛
۴. شناسایی گناهکاران: «يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْلَامِ» (الرحمن، ۴۱)؛
۵. شناسایی تهیدستان خویشتن دار: «تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا» (بقره، ۲۷۳).
عناصر مؤثر بهره‌گیری از زبان اندام عبارت‌اند از:
 ۱. چهره باز و متبسم: گفت‌وگو با دیگران درحالی‌که سیمایی گشاده داشته باشید، گفتار را قابل پذیرش و شنونده را مجذوب و شیفته گوینده و شنیدن سخنانش می‌کند. رسول گرامی اسلام ﷺ پیوسته با تبسم سخن می‌گفت. «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا حَدَّثَ بِحَدِيثٍ تَبَسَّمَ فِي حَدِيثِهِ وَيُعْطِي كُلُّ مَنْ جَلَسَ عَلَيْهِ نَصِيْبَهُ مِنْ وَجْهِهِ» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۹۸)؛
 ۲. دست دادن و معانقه کردن: پیامبر اکرم ﷺ سفارش فرمودند هنگام ملاقات با یکدیگر مصافحه کنید تا میان گفت‌وگوکنندگان ایجاد محبت شود. «إِذَا التَّقِيْتُمْ فَتَلَقُوا بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصَافُحِ» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۸۱)؛
 ۳. تماس چشمی مستقیم و مناسب: چشم‌ها و نگاه‌ها در واقع آینه روح هستند، و نمایش‌گر حالات مختلف انسان، دوستی و صمیمیت، خشم و نفرت، عشق و دلدادگی را می‌توان از تماس چشمی فهمید. رسول خدا ﷺ هنگام گفت‌وگو با دیگران، نگاه گرم و صمیمانه خود را از هیچ یک از یاران و اصحابش دریغ نمی‌کرد. در این باره گفته شده: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُقَسِّمُ لَحْظَاتِهِ بَيْنَ أَصْحَابِهِ فَيَنْظُرُ إِلَى ذَا وَ يَنْظُرُ إِلَى ذَا بِالسَّوِيَّةِ» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۷۱)؛
 ۴. ظهور احساسات: تلاش کنید گفت‌وگویی شیرین و به یاد ماندنی داشته باشید، خود را راضی و امیدوار نشان دهید، و هر زمان سخنانی بر زبان جاری می‌کنید، شنونده را وادار به اشتیاق برای شنیدن بیشتر و ابراز احساسات، تحسین و تشویق نمایید، تا بذر امیدواری در قلب او کاشته شود. (گروه پژوهشی قرآن و حدیث، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های دینی، ج ۲، ص ۴۶۱-۴۶۲)؛
 ۵. چهره درهم کشیده: هر مسلمانی وظیفه دارد در درون خود نسبت به کج‌روی‌ها و ترک ارزش‌های انسانی و اسلامی تنفر قلبی داشته باشد، و این موضوع را در اعراض از افراد

عصیان‌گر و هنجارشکن به نمایش بگذارد، و این با نگاه توأم با سکوت، درهم کشیدن چهره، روی برگرداندن، ترک مرادده و ارتباط با چنین افرادی، اظهار نارضایتی قلبی تحقق می‌یابد (همان، ص ۱۶۷). در این باره پیامبر اسلام ﷺ به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نوشتند: «يَا عَلِيُّ، مُرِّبًا بِالْمَعْرُوفِ وَإِنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ بَيِّدُكَ، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فِيلْسَانِكَ، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فِقَلْبِكَ، وَإِلَّا فَلَا تَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَكَ» (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۱۹۲)؛

۶. پاکیزگی، آراستگی و بوی خوش: انسان‌ها به طور فطری زیبایی و آراستگی ظاهری را دوست دارند، به شهادت تاریخ یکی از عوامل موفقیت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جاذبه شگفت‌انگیز او را در پاکیزگی، عطرآگین بودن و آراستگی ظاهری ایشان می‌داند، او به‌گونه‌ای در میان مردم ظاهر می‌شد که همگان شیفته سیمای نورانی و دلنشین او می‌شدند، عطر دل‌انگیز حضورش تمام فضای محیطی را معطر می‌نمود، و حاضرین آگاه می‌شدند، شخصیتی که در حال عبور است، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد (قرائتی، قرآن و تبلیغ، ص ۱۴۷).

نتیجه‌گیری

قرآن کریم اهمیت زیادی برای گفتار و شنیدار قائل است و گفت‌وگو را ابزار نیرومندی برای اجتهاد در اندیشه اسلامی و زمینه‌ای فراگیر برای ایجاد ارتباط و پیوندهای اجتماعی دانسته است. قرآن، از یک منظر، کتاب گفتار و شنیدار است، و اندیشه گفتار و شنیداری را ارائه می‌دهد، و گفتار و شنیدار اندیشه را روایت و به گفتار و شنیدار دعوت می‌کند. قرآن دین‌داری را بر پایه گفت‌وگو می‌سازد، و خواستار ایجاد جامعه‌ای گفت‌وگو محور است تا آحاد جامعه در چهارچوب قواعد عقلایی با کمال آزادی و اراده بیندیشند، و طرف گفت‌وگو را انتخاب کنند. گفتار و شنیدار از همان آغاز خلقت، میان خداوند و ملائکه و آدم ابوالبشر آغاز شد، و در قالب پیام وحیانی، ابلاغ و بلاغ رسولان و پیام‌آوران الهی، سنتی همیشگی در طول تاریخ بشریت بوده است. تاریخ بشریت گفت‌وگوهای فراوان پیامبران خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با کافران، مشرکان و اهل کتاب و سران اقوام و قبایل مختلف را به خوبی در حافظه‌اش به‌خاطر سپرده است. باید بدانیم برقراری ارتباط گفتاری و شنیداری مفید و سازنده با دیگران، نیازمند تعلیم و تعلم مهارت‌های گفتاری و شنیداری است که اصناف و گروه‌های مختلف جامعه - از اعضای خانواده گرفته تا تمامی آحاد جامعه - را در بر می‌گیرد.

منابع

- **قرآن حکیم و شرح آیات منتخب** (۱۳۹۵)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، چاپ چهاردهم، قم: اسوه.
- **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی (۱۳۷۹)، چاپ هفتم، قم: مشرقین.
- ابن ابی جمهور احسایی (۱۴۰۳ق)، **عوالی اللئالی**، تحقیق: مرعشی و مجتبی عراقی، قم: سیدالشهدا.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، **من لایحضره الفقیه**، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
- بولتون، رابرت (۱۳۸۱)، **روان شناسی روابط انسانی**، ترجمه حمیدرضا سهرابی با همکاری افسانه حیات روشنایی، چاپ اول، تهران: رشد.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، **غررالحکم و دررالکلم**، تحقیق: سیدجلال الدین محدث الأرموی، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- حزان، ابو محمد (۱۳۸۶)، **تحفل العقول**، ترجمه صادق حسن زاده، چاپ هشتم، قم: انتشارات آل علی علیه السلام.
- حسینی زاده، سیدعلی؛ مشایخی، شهاب الدین (۱۳۹۳)، **روش های تربیتی در قرآن**، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **المفردات فی غریب القرآن**، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه.
- زینی وند، تورج و وحید دستجردی (۱۳۹۰)، «درآمدی توصیفی - تحلیلی بر شیوه های گفت وگو در قرآن کریم»، **پژوهش های اسلامی**، شماره ۷، ص ۴۵-۶۸.
- سلطانی، مهدی (۱۳۸۹)، «قرآن علم ارتباطات تبلیغ و رسانه جایگاه علمی گفت وگو در آینه قرآن»، **قرآنی کوثر**، شماره ۳۴، ص ۱۰۵-۹۳.
- شریعتی، محمدباقر (۱۳۸۶)، **درباره سخن و سخنوری**، چاپ چهارم، قم: بوستان کتاب.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۰)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- _____ (۱۳۸۵)، **سنن النبی**، ترجمه حسین استاد ولی، چاپ سوم، تهران: پیام آزادی.
- قرائتی، محسن (۱۳۷۲)، **قرآن و تبلیغ**، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷)، **فروع کافی**، تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گروه پژوهشی قرآن و حدیث (۱۳۹۲)، **فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی** (جلد ۱)، چاپ پنجم، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- _____ (۱۳۹۰)، **فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی** (جلد ۲)، چاپ چهارم، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، **بحار الأنوار**، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفا.

- محدثی، جواد (۱۳۸۷)، *اخلاق معاشرت*، چاپ پانزدهم، قم: مؤسسه کتاب بوستان.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸)، *اخلاق در قرآن*، چاپ دوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱)، *تفسیر نمونه*، چاپ سی و ششم، تهران: دارالکتب اسلامیه.
- نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، چاپ دوم، قم: آل‌البیت.
- هارگری، اُون؛ ساندرز، کریستین و دیکسون، دیوید (۱۳۷۷)، *مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی*، ترجمه خشایار بیگر و مهرداد فیروزبخت، چاپ اول، تهران: رشد.
- یآوری، اسدالله (۱۳۸۰)، *عیار قرآنی گفتار*، چاپ اول، تهران: لوح محفوظ.

اسلام پژوهش های روان شناختی

سال پنجم، شماره اول، پیاپی ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸ (ص ۱۰۳-۱۲۱)

رابطه دین داری و کمال گرایی والدین با سبک فرزندپروری والدین

The Relationship between Piety and Parenting Styles, Considering the Parent's Perfectionism

محمد رضا جهانگیرزاده / استادیار گروه روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ایران.
علی صادقی سرشت / دانشجوی دکتری روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ایران.
حسن شکری / کارشناسی ارشد مؤسسه اخلاق و تربیت، قم، ایران.

Mohammad Reza Jahangirzadeh / instructor in IKI, Qom, Iran.

Ali Sadeqi Seresht / PhD Student of Psychology, IKI, Qom, Iran.

Hassan shokri / MA of Psychology, ethics and education, Qom, Iran.

shokrih1550@gmail.com

ABSTRACT

Parenting styles are very important. The overall purpose of this study is to determine the relationship between religiosity and perfectionism and parenting styles. The research method is descriptive correlation and Pearson correlation coefficient and Regression analysis, analysis of variance (anova) and T-test were used to test the research hypotheses. The results showed that the relationship between religiosity and negligent and authoritarian parenting is significant and positive. In contrast, the relationship between perfectionism and negligent and authoritarian parenting is significant and inverse. The results also indicate that there is no significant relationship

چکیده

سبک های فرزندپروری اهمیت زیادی دارد. هدف کلی این پژوهش تعیین میزان رابطه دین داری با کمال گرایی و سبک های فرزندپروری است. روش پژوهش توصیفی همبستگی می باشد و برای آزمون فرضیات تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون، آزمون تحلیل واریانس (anova) و آزمون T استفاده شد. نتایج نشان داد که رابطه دین داری با فرزندپروری سهل گیرانه و آمرانه معنادار و مثبت می باشد. در مقابل رابطه کمال گرایی با فرزندپروری سهل گیرانه و آمرانه معنادار و معکوس می باشد. همچنین نتایج بیانگر این می باشد که میان دین داری و کمال گرایی با فرزندپروری مقتدرانه رابطه معناداری وجود ندارد.

between religiosity and perfectionism with authoritative parenting.

KEYWORDS: piety, parenting style, perfectionism

کلیدواژه‌ها: دین‌داری، کمال‌گرایی، سبک‌های فرزندپروری.

مقدمه

فرزندپروری یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین دغدغه‌های انسان در زندگی است تا جایی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به فرزند خود امام مجتبی علیه السلام در نامه‌ای از نهج‌البلاغه می‌فرماید: «و چون تو را جزیی از وجود خود، بلکه تمام وجود خودم یافتم گویی که اگر ناراحتی به تو رسد، به من رسیده و اگر مرگ دامن‌ت را بگیرد دامن مرا گرفته، به این جهت اهتمام به کار تو را اهتمام به کار خود یافتم» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱).^۱

فرزندپروری شامل یک سری از مهارت‌های بین فردی و توقعات هیجانی است که هنوز آموزش رسمی کمی درباره این وظایف وجود دارد. بیشتر والدین فعالیت‌های فرزندپروری را از والدین خود یاد می‌گیرند (سانتراک، ۲۰۰۱).

بامریند^۲ بر اساس نوع روابط والدین و کودک سه نوع سبک فرزندپروری ارائه کرده است که عبارت‌اند از:

۱. سبک مقتدرانه: در این شیوه تربیتی محبت و کنترل والدین نسبت به فرزندان زیاد و مناسب است؛

۲. سبک مستبدانه: در این سبک کنترل زیاد و محبت کم است؛

۳. آسان‌گیرانه: شاخصه این سبک محبت زیاد و کنترل کم می‌باشد (استینبرگ و همکاران، ۱۹۸۹).

از نظر بالبی^۳ بین تجربه‌های دوران کودکی فرد از والدین خود و رفتار والدگری بعدی او رابطه و پیوستگی وجود دارد و می‌توان گفت سبک مراقبتی والد به جهت یابی دل‌بستگی فرد مربوط

۱. «وجدتک بعضی بل وجدتک کلی حتی کان شیء لو اصابک اصابنی وکان الموت لو اتاک اتانی فعنانی من امرک ما یعننی من امر نفسی».

2. Baumrind, d.

3. Bowlby, t.

است که به نوبه خود در کودکان او بازتاب می یابد (شپلی،^۱ ۲۰۰۱). طی پژوهش های (بلسکی،^۲ هرتزوغوروین،^۳ ۱۹۸۶) نشان داده شده است که سبک دل بستگی مراقبت کننده ممکن است احساسات شخص نسبت به کودکان و توانایی اش برای ارتباط با آنها را تحت تأثیر قرار دهد. (بورگو،^۴ ۲۰۰۳) نیز اظهار می دارند که دست کم برای زنان، ممکن است رابطه ای بین تجارب کودکی و میل به داشتن کودکان و احساسات مربوط به نقش والدینی وجود داشته باشد.

در نتیجه می توان گفت که در شیوه های فرزندپروری نوعی انتقال بین نسلی وجود دارد. انتقال بین نسلی شیوه های فرزندپروری، تأثیر تجارب زمان کودکی خود والدین در فعالیت ها و نگرش های فرزندپروری شان را نشان می دهد. انتقال بین نسلی، بخشی از اجتماعی شدن «اجتماعی کننده» و مفهوم مربوط به منشأ رفتار و نگرش های فرزندپروری در نسل اولیه است (وان ایزندورن،^۵ ۱۹۹۲).

عوامل متعددی را می توان نام برد که در سبک های فرزندپروری دخیل است مانند رضایت زناشویی (حقیقی و خلیل زاده، ۱۳۹۰)، باورهای مذهبی والدین، فضای فرهنگی خانواده ها و وضعیت اقتصادی خانواده ها (علم الهدی و میری، ۱۳۹۵). یکی از عوامل مهمی که می تواند بر سبک فرزندپروری نقش داشته باشد، دین داری است، با توجه به گستره وسیع ادیان و مظاهر دین داری و پدیده های دینی برخی پیدا کردن گوهر مشترک ادیان را ناممکن می دانند (کرافورد،^۶ ۲۰۰۲).

دین از نظر ماتیو آرنولد^۷ اخلاقیاتی است که به کمک احساسات تعالی یافته، برانگیخته شده و فروزان گشته است (آلستون و دیگران، به نقل از: آذر بایجانی، ۱۳۸۵).

دین، مجموعه عقاید، قوانین و مقرراتی است که هم به اصول بینشی بشر نظر دارد و هم درباره اصول گرایشی وی سخن می گوید و هم اخلاق و شئون زندگی او را زیر پوشش دارد. به دیگر سخن، دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان از طریق وحی و عقل در اختیار آنان قرار دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ص ۲۷).

1. Shepley, R. P.

2. Belsky, J.

3. Hertzog, M

4. Bjorgo, L.

5. Van IJzendoorn, M. H.

6. Crawford.

7. Arnold, m.

دین‌داری به مجموعه باورهایی در خصوص یک قدرت فرا بشری، احساسات مرتبط با آن قدرت و کردارهای آیینی در قبال آن اشاره دارد (اسمیت، ۱۹۶۳، به نقل از: ولف، ۱۳۸۶). و همچنین از جمله عوامل مهم در سبک فرزندپروری، کمال‌گرایی والدین می‌باشد که به نظر می‌رسد تأثیرات منفی بر فرزندپروری داشته باشد (بشارت، عزیزی و حسینی، بی‌تا). کمال‌گرایی، یک صفت شخصیتی است که با تلاش برای بی‌نقص بودن و وضع معیارهای عالی برای عملکرد، همراه با تمایل به ارزشیابی‌های کاملاً انتقادی از رفتار شخصی و حساسیت بیش‌ازحد در مورد اشتباهات مشخص می‌شود (رایس^۲ و پروسر^۳، ۲۰۰۲).

شیوه‌های فرزندپروری والدین و عوامل مؤثر بر آن از موضوعات کلیدی پژوهش است که شناخت این عوامل دخیل بر سبک‌های فرزندپروری به شناخت هرچه بیشتر تربیت فرزند و تأثیرپذیری آن از این عوامل منجر می‌شود. اگر این عوامل شناسایی نشوند، ممکن است مشکلات بسیاری برای فرزندان و خانواده‌ها به وجود بیاید که جبران آنها غیرممکن باشد.

با توجه به اینکه دو عامل دین‌داری و کمال‌گرایی می‌تواند نقش اساسی در تعیین سبک‌های فرزندپروری داشته باشد، انسان‌های متدین با توجه به جهان‌بینی که به وسیله اعتقاداتی که به آنها پایبند هستند شکل می‌گیرد، نسبت به فرزندپروری اقدام می‌کنند. به بیان واضح‌تر اینکه دین‌داری به طور مستقیم دخالت در سبک فرزندپروری دارد، در عصر حاضر با توجه به اینکه خانواده‌ها به صورت هسته‌گرا درآمده‌اند و والدین حساسیت بالایی نسبت به فرزندان پیدا کرده‌اند و در هر امری تلاش بر این دارند که فرزندان‌شان بدون هیچ عیب و نقصی در همه امور تربیت شوند؛ و از آنجا که به نظر می‌رسد این دو متغیر دارای تأثیرات متقابلی هستند؛ لذا محقق در صدد برآمده است که بگوید دین‌داری و کمال‌گرایی، سبک‌های فرزندپروری را پیش‌بینی می‌کنند و این دو با سبک‌های فرزندپروری رابطه دارند.

روش پژوهش

این تحقیق با هدف کلی تعیین رابطه دین‌داری و کمال‌گرایی با سبک‌های فرزندپروری می‌باشد. بدین منظور از جامعه آماری ۱۰۰۸ نفری منطقه ۶ پردیسان قم ۱۱۵ نفر انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌ها در اختیار آنان قرار گرفت. برای آزمون فرضیات تحقیق از ضریب

1 . Wulff, D.M.

2 . Rice, K. G.

3 . & Preusser, K. J.

همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون، آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) و آزمون T نمونه‌های مستقل استفاده شده است.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش تصادفی ساده است. در نمونه‌گیری تصادفی ساده، احتمال انتخاب شدن برای همه اعضای جامعه یکسان است و هر یک از اعضای جامعه شانس برابر و مستقل برای قرار گرفتن در نمونه دارد.

ابزارهایی که جهت جمع‌آوری اطلاعات از گروه نمونه در نظر گرفته شده است عبارت‌اند از:

۱. پرسش‌نامه خودشناسی بر اساس جهت‌گیری مذهبی اسلامی دکتر آذربایجانی (۱۳۸۵) به‌طور کلی این پرسش‌نامه شامل ۷۰ ماده است که ماده‌های شماره ۱۵، ۱۳، ۹، ۸، ۳ از چپ به راست و بقیه از راست به چپ، امتیازشان افزایش می‌یابد. مجموع امتیاز نیز از ۷۰ تا ۲۸ متغیر است. برای بررسی پایایی و اعتبار سازه، گروه نمونه‌ای با تعداد ۳۷۸ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد تهران شمال و طلاب حوزه علمیه قم، در گروه سنی ۱۷ تا ۲۵ سال، به‌طور تصادفی انتخاب شد. نتیجه پژوهش، پرسش‌نامه را در دو مقیاس R^1 (عقاید و مناسک) و R^2 (اخلاقیات) معادل ۷۹۳٪ می‌باشد. در مجموع جهت‌گیری مذهبی بر اساس اسلام (R) با ضریب آلفای معادل ۹۳۶٪ را در سه حوزه عقاید، مناسک و اخلاق نشان می‌دهد. اعتبار سازه آزمون، بر اساس تفاوت معنادار میان طلاب حوزه علمیه قم با دانشجویان دانشگاه‌های تهران و آزاد در مورد R^1, R^2 ثابت می‌شود (آذربایجانی، ۱۳۸۵)؛

۲. پرسش‌نامه فرزندپروری بامریند (۱۹۹۸)

این پرسش‌نامه دارای ۳۰ سؤال است که ۱۰ سؤال آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ سؤال به شیوه آمرانه و ۱۰ سؤال دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین به امر پرورش فرزند مربوط می‌شود، این مقیاس از ۱ تا ۵ نمره‌گذاری می‌شود و با جمع نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد آزادگذاری مطلق، آمرانه و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی، به دست می‌آید. این پرسش‌نامه در ایران توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) و بینم (۱۳۷۹) مورد استفاده قرار گرفته است. اسفندیاری، اعتبار بازنمایی این پرسش‌نامه را برای سهل‌گیرانه ۰/۶۹، برای آمرانه ۰/۷۷ و برای اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش کرده است. در پژوهش تنکابنی و بندچی (۱۳۷۹) نشان داده شد که اعتبار پرسش‌نامه ۰/۷۲ است و بنابراین، پرسش‌نامه از روایی پژوهشی لازم برخوردار است؛

۳. پرسش‌نامه کمال‌گرایی هیل و همکاران (۲۰۰۴)

این مقیاس دارای ۵۹ گویه و ۸ خرده مقیاس می‌باشد که گویه‌های ما بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت به صورت کاملاً موافقم: ۴؛ تا حدی موافقم: ۳؛ تا حدی مخالفم: ۲؛ کاملاً مخالفم: ۱ نمره‌گذاری می‌شوند. در پژوهش جمشیدی و همکاران (۱۳۸۸)، اعتبار سازه مذکور با تحلیل عاملی تأییدشده و ضریب آلفای کرونباخ آن برای خرده مقیاس ما در دامنه ۶۱- / ۹۱ برآورد شده است.

به منظور اجرای پژوهش از بین ساکنین منطقه ۶ پردیسان، مجموعه ساختمان‌های مورد نظر با عناوینی که داشتند، کاملاً لیست گردید و عناوین مورد نظر که مجموعاً به تعداد ۱۳ عدد بودند با قرعه به ترتیب نوشته شدند و به ترتیب عناوینی که با انجام قرعه‌کشی انتخاب شده بودند شماره‌گذاری گردیدند و در این مرحله با استفاده از random سیستم تعداد مورد نظر انتخاب گردیده و پرسش‌نامه‌ها در اختیار افراد منتخب قرار گرفت و بعد از پاسخگویی از تک تک افراد جمع‌آوری گردید.

جهت تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، از شاخص‌های و روش‌های آمار استنباطی استفاده شده است که برای به دست آوردن تحلیل کوواریانس، آزمون t مستقل و آزمون آنوا به کمک نرم افزار spss25 استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت ابتدا یافته‌های توصیفی تحقیق با جداول مربوطه آورده می‌شود سپس به یافته‌های تحلیلی تحقیق پرداخته شده است.

یافته‌های توصیفی تحقیق

جدول توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت

درصد تجمعی	درصد	فراوانی		
۴۸٫۷	۴۸٫۷	۵۶	مذکر	
۱۰۰٫۰	۵۱٫۳	۵۹	مونث	
	۱۰۰٫۰	۱۱۵	جمع	

جدول توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گروه سنی

درصد تجمعی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۶,۶	۶,۶	۶,۱	۷	کمتر از ۲۴
۱۹,۸	۱۳,۲	۱۲,۲	۱۴	۲۹-۲۵
۴۱,۵	۲۱,۷	۲۰,۰	۲۳	۳۴-۳۰
۶۳,۲	۲۱,۷	۲۰,۰	۲۳	۳۹-۳۵
۸۱,۱	۱۷,۹	۱۶,۵	۱۹	۴۴-۴۰
۸۹,۶	۸,۵	۷,۸	۹	۴۹-۴۵
۱۰۰,۰	۱۰,۴	۹,۶	۱۱	۵۰ و بالاتر
	۱۰۰,۰	۹۲,۲	۱۰۶	جمع
		۷,۸	۹	بی جواب
		۱۰۰,۰	۱۱۵	جمع

جدول توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات

درصد تجمعی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۱۱,۳	۱۱,۳	۱۰,۴	۱۲	زیر دیپلم
۴۸,۱	۳۶,۸	۳۳,۹	۳۹	دیپلم
۵۳,۸	۵,۷	۵,۲	۶	فوق دیپلم
۸۷,۷	۳۴,۰	۳۱,۳	۳۶	لیسانس
۹۷,۲	۹,۴	۸,۷	۱۰	فوق لیسانس
۱۰۰,۰	۲,۸	۲,۶	۳	دکتری
	۱۰۰,۰	۹۲,۲	۱۰۶	جمع
		۷,۸	۹	بی جواب
		۱۰۰,۰	۱۱۵	جمع

جدول آماره‌های توصیفی پاسخگویان

تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
۱۱۵	۱۷۸,۰۰	۲۷۷,۰۰	۲۳۹,۸۹۵۷	۲۲,۱۰۶۶۵
۱۱۵	۱۱,۰۰	۴۴,۰۰	۲۴,۳۳۰۴	۶,۷۱۸۶۲
۱۱۵	۱۱,۰۰	۴۰,۰۰	۲۲,۸۴۷۸	۶,۶۲۹۳۴
۱۱۵	۲۷,۰۰	۵۰,۰۰	۴۴,۳۶۵۲	۴,۴۲۵۹۶
۱۱۵	۱۱۲,۰۰	۲۱۹,۰۰	۱۶۷,۵۹۱۳	۱۹,۶۱۴۴۴

یافته‌های تحلیلی تحقیق

در این قسمت همبستگی‌ها و تحلیل رگرسیون‌ها به صورت تفصیلی آورده شده است. با توجه به جدول خلاصه مدل رگرسیون متغیرهای پیش‌بین (کمال‌گرایی و دین‌داری) بر متغیر ملاک (فرزندپروری) می‌توان گفت که با ضریب تعیین ($R^2=0,342$) دو متغیر کمال‌گرایی و دین‌داری ۳۴ درصد تغییرات متغیر فرزندپروری را توضیح می‌دهند و ۶۶ درصد تغییرات فرزندپروری توسط متغیرها یا عوامل دیگری توضیح داده می‌شود که در این تحقیق به آنها پرداخته نشده است.

جدول رگرسیون متغیرهای دین‌داری و کمال‌گرایی با متغیر فرزندپروری

خلاصه مدل رگرسیون

مدل	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین اصلاح شده	برآورد خطای استاندارد
۱	۰/۵۸۵a	۰/۳۴۲	۰/۳۳۰	۹,۳۶۶۵۳

a. متغیرهای پیش‌بین دین‌داری، کمال‌گرایی

ضرایب تأثیر

سطح معناداری	T	ضرایب تأثیر استاندارد شده	ضرایب تأثیر استاندارد نشده		مدل B	
			بتا	خطای استاندارد	مقدار ثابت	کمال گرایی
۰/۰۰۰	۵,۷۶۰		۱۲,۱۸۱	۷۰,۱۶۷		۱
۰/۰۰۰	۶,۹۱۱	۰/۵۳۰	۰/۰۴۵	۰/۳۰۹		
۰/۰۰۲	-۳,۱۹۶	-۰/۲۴۵	۰/۰۴۰	-۰/۱۲۷		

a. متغیر (ملاک) فرزندپروری

محقق در این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که با توجه به سطح معنی داری ($\beta=0/309, p=0/000$) می‌توان گفت که متغیر کمال گرایی بر فرزندپروری تأثیر مثبت دارد، اما متغیر دین داری با توجه به سطح معناداری ($\beta=-0/127, p=0/002$) تأثیر منفی بر متغیر فرزندپروری دارد.

جدول رابطه فرزند پروری با کمال گرایی و دین داری

دین داری	کمال گرایی	سبک فرزند پروری
-۰/۳۱۰**	۰/۳۱۳**	فرزندپروری سهل گیرانه
-۰/۲۰۷*	۰/۵۴۵**	فرزندپروری آمرانه
۰/۱۳۸	۰/۰۸۲	فرزندپروری مقتدرانه
$P < 0/05^*$		$P < 0/01^{**}$

جدول فوق بیانگر همبستگی متغیر کمال گرایی با فرزندپروری سهل گیرانه و فرزندپروری آمرانه می‌باشد که طبق آن مشخص گردید متغیر کمال گرایی با فرزندپروری سهل گیرانه ($R=0/545, p=0/000$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد و با فرزندپروری آمرانه ($R=0/313, p=0/001$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد ارتباط معناداری دارد.

اما ارتباط دین داری با فرزندپروری مقتدرانه معنادار نمی‌باشد. بنابراین می‌توان گفت با افزایش میزان کمال گرایی، میزان فرزندپروری سهل گیرانه و آمرانه افزایش می‌یابد. همچنین این جدول بیانگر همبستگی متغیر دین داری بر فرزندپروری مقتدرانه، فرزندپروری سهل گیرانه، فرزندپروری آمرانه می‌باشد، با توجه به جدول مشخص گردید که

متغیر دین‌داری با فرزندپروری سهل‌گیرانه ($R = -0/310, p = 0/001$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد و با فرزندپروری آمرانه ($R = -0/207, p = 0/027$) در سطح اطمینان ۹۵ درصد ارتباط معناداری دارد، اما ارتباط دین‌داری با فرزندپروری مقتدرانه معنادار نمی‌باشد. جدول رگرسیون متغیرهای دین‌داری و کمال‌گرایی با متغیر فرزندپروری سهل‌گیرانه

خلاصه مدل رگرسیون

مدل	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین اصلاح شده	برآورد خطای استاندارد
۱	۰/۴۳۹ ^a	۰/۱۹۳	۰/۱۷۸	۶,۰۹۱۰۰

جدول فوق بیانگر خلاصه مدل رگرسیون متغیرهای پیش‌بین (کمال‌گرایی و دین‌داری) بر متغیر ملاک (فرزندپروری سهل‌گیرانه) است. با توجه به ضریب تعیین ($R^2 = 0/193$) دو متغیر کمال‌گرایی و دین‌داری ۱۹,۳ درصد تغییرات متغیر فرزندپروری سهل‌گیرانه را توضیح می‌دهند و ۸۰,۷ درصد تغییرات فرزندپروری سهل‌گیرانه توسط متغیرها یا عوامل دیگری توضیح داده می‌شود که در این تحقیق به آنها پرداخته نشده است.

ضرایب تأثیر

سطح معناداری.	t	ضرایب تأثیر استاندارد شده	ضرایب تأثیر استاندارد نشده		مدل B	
			خطای استاندارد	بتا	مقدار ثابت	کمال‌گرایی
۰/۰۰۰	۳,۶۵۲		۲۸,۹۳۲	۷,۹۲۲		۱
۰/۰۰۰	۳,۶۶۱	۰/۳۱۱	۰/۱۰۶	۰/۰۲۹		
۰/۰۰۰	-۳,۶۲۶	-۰/۳۰۸	-۰/۰۹۴	۰/۰۲۶		

جدول فوق بیانگر ضرایب تأثیر متغیرهای پیش‌بین (کمال‌گرایی و دین‌داری) بر متغیر ملاک (فرزندپروری سهل‌گیرانه) است. با توجه به سطح معنی‌داری می‌توان گفت که متغیر کمال‌گرایی ($\beta = 0/311, p = 0/000$) بر فرزندپروری سهل‌گیرانه تأثیر مثبت دارد، اما متغیر دین‌داری ($\beta = -0/308, p = 0/000$) تأثیر منفی بر متغیر فرزندپروری سهل‌گیرانه دارد.

جدول رگرسیون متغیرهای دین داری و کمال گرایی با متغیر فرزندپروری آمرانه

خلاصه مدل رگرسیون

مدل	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین اصلاح شده	برآورد خطای استاندارد	دوربین واتسون
۱	۰/۵۸۳ ^a	۰/۳۳۹	۰/۳۲۷	۵,۴۳۸۱۰	۱,۵

جدول فوق بیانگر خلاصه مدل رگرسیون متغیرهای پیش بین (کمال گرایی و دین داری) بر متغیر ملاک (فرزندپروری آمرانه) است. با توجه به ضریب تعیین ($R^2=0,339$) دو متغیر کمال گرایی و دین داری ۳۳,۹ درصد تغییرات متغیر فرزندپروری آمرانه را توضیح می دهند و ۶۶,۱ درصد تغییرات فرزندپروری آمرانه توسط متغیرها یا عوامل دیگری توضیح داده می شود که در این تحقیق به آنها پرداخته نشده است. نتایج آزمون دوربین واتسون (۱,۵) نیز بیانگر این است که خطاها مستقل بوده و با پدیده خودهمبستگی مواجه نیستیم و می توانیم از رگرسیون خطی استفاده نمائیم.

ضرایب تأثیر

سطح معناداری.	t	ضرایب تأثیر استاندارد شده	ضرایب تأثیر استاندارد نشده		مدل B	
			خطای استاندارد	بتا	مقدار ثابت	کمال گرایی
۰/۳۴۸	۰/۹۴۳		۶,۶۷۱	۷,۰۷۲		۱
۰/۰۰۰	۷,۰۸۳	۰/۵۴۴	۰/۱۸۴	۰/۰۲۶		
۰/۰۰۹	-۲,۶۵۰	-۰/۲۰۴	-۰/۰۶۱	۰/۰۲۳		

a. متغیر (ملاک) فرزندپروری آمرانه

جدول فوق بیانگر ضرایب تأثیر متغیرهای پیش بین (کمال گرایی و دین داری) بر متغیر ملاک (فرزندپروری آمرانه) است. با توجه به سطح معنی داری می توان گفت که متغیر کمال گرایی ($\beta=0,544, p=0,000$) بر فرزندپروری آمرانه تأثیر مثبت دارد، اما متغیر دین داری ($\beta=-0,204, p=0,009$) تأثیر منفی بر متغیر فرزندپروری آمرانه دارد.

جدول رگرسیون متغیرهای دین داری و کمال گرایی با متغیر فرزندپروری مقتدرانه

خلاصه مدل رگرسیون

مدل	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین اصلاح شده	برآورد خطای استاندارد	دوربین واتسون
۱	۰/۱۶۱ ^a	۰/۰۲۶	۰/۰۰۹	۴,۴۰۶۸۳	۱,۷۵۰

a. متغیرهای پیش بین دین داری، کمال گرایی

جدول فوق بیانگر خلاصه مدل رگرسیون متغیرهای پیش بین (کمال گرایی و دین داری) بر متغیر ملاک (فرزندپروری مقتدرانه) است. با توجه به ضریب تعیین ($R^2=0,26$) دو متغیر کمال گرایی و دین داری ۲۶ درصد تغییرات متغیر فرزندپروری مقتدرانه را توضیح می دهند و ۷۴ درصد تغییرات فرزندپروری مقتدرانه توسط متغیرها یا عوامل دیگری توضیح داده می شود که در این تحقیق به آنها پرداخته نشده است. بر اساس جدول فوق آماره آزمون دوربین واتسون (۱,۷۵۰) نیز بیانگر مستقل بودن خطاهاست و می توان از ضریب رگرسیون خطی استفاده کرد.

ضرایب تأثیر

سطح معناداری.	t	ضرایب تأثیر استاندارد شده	ضرایب تأثیر استاندارد نشده		مدل B	
			خطای استاندارد	بتا	مقدار ثابت	کمال گرایی
۰/۰۰۰	۶,۰۳۱		۵,۷۳۱	۳۴,۵۶۳		۱
۰/۳۷۷	۰/۸۸۷	۰/۰۸۳	۰/۰۲۱	۰/۰۱۹		
۰/۱۳۹	۱,۴۹۰	۰/۱۳۹	۰/۰۱۹	۰/۰۲۸		

جدول فوق بیانگر ضرایب تأثیر متغیرهای پیش بین (کمال گرایی و دین داری) بر متغیر ملاک (فرزندپروری مقتدرانه) است. با توجه به سطح معنی داری می توان گفت که هیچ کدام از متغیرها، کمال گرایی ($\beta=0,083, p=0,377$) و دین داری ($\beta=0,139, p=0,139$) تأثیری بر متغیر فرزندپروری مقتدرانه ندارند.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به یافته های پژوهش می توان گفت که رابطه میان متغیرهای پیش بین (کمال گرایی و دین داری) و متغیر ملاک (فرزندپروری سهل گیرانه)، با توجه به سطح معنی داری، متغیر

کمال‌گرایی بر فرزندپروری سهل‌گیرانه تأثیر مثبت دارد، اما متغیر دین‌داری تأثیر منفی بر متغیر فرزندپروری سهل‌گیرانه دارد.

در رابطه میان متغیرهای پیش‌بین (کمال‌گرایی و دین‌داری) و متغیر ملاک (فرزندپروری آمرانه)، با توجه به سطح معنی‌داری می‌توان گفت که متغیر کمال‌گرایی بر فرزندپروری آمرانه تأثیر مثبت دارد، اما متغیر دین‌داری تأثیر منفی بر متغیر فرزندپروری آمرانه دارد.

در رابطه میان متغیرهای پیش‌بین (کمال‌گرایی و دین‌داری) و متغیر ملاک (فرزندپروری مقتدرانه)، با توجه به سطح معنی‌داری می‌توان گفت که هیچ‌کدام از متغیرها، کمال‌گرایی و دین‌داری تأثیری بر متغیر فرزندپروری مقتدرانه ندارند.

در مورد یافته‌های دین‌داری شاید بتوان گفت به دو احتمال که به نظر ما می‌رسد، دین‌داری نتوانسته، سبک فرزندپروری مقتدرانه را پیش‌بینی کند.

احتمال اول اینکه نتیجه‌ای که ما از پرسش‌نامه دین‌داری به دست آورده‌ایم، واقعیت امر نبوده، مردم وقتی تست را کامل می‌کنند، می‌خواهند گزارشی دهند از دین‌داری‌شان و وقتی می‌خواهند گزارش دهند به سمت جنبه‌های مثبت تمایل دارند؛ یعنی نگاه نقادانه به خودشان را ندارند، و وضعی که عارض این پرسش‌نامه می‌باشد این است که ظاهراً نتوانسته واقعیت عملکردی را در قلمرو دین‌داری بسنجد؛

احتمال دوم اینکه با توجه به سؤالات پرسش‌نامه خودشناسی بر اساس جهت‌گیری مذهبی اسلامی که ما تک‌تک گویه‌های پرسش‌نامه را بررسی کردیم و با توجه به گویه‌هایی پرسش‌نامه، این پرسش‌نامه دین‌داری کلی را می‌سنجد و رابطه مستقیم با سبک‌های فرزندپروری را ندارد. ولی پرسش‌نامه سبک فرزندپروری، سبک خاص فرزندپروری را می‌سنجد. ما اگر می‌خواستیم به شکل دقیق این رابطه و پیش‌بینی را بسنجیم باید پرسش‌نامه دین‌داری در بعد فرزندپروری داشتیم.

کمال‌گراها استرس روان‌شناختی و جسمی بیشتری دارند. آنها به اندازه‌ای نگران اشتباه کردن هستند که در برابر مسائل، رویکردی خشک و غیراخلاقی از خود نشان می‌دهند. آنها به جای تمام کردن کار، تعلل می‌ورزند. قابل درک است که وقتی افراد کمال‌گرا با شکست روبه‌رو می‌شوند به خودشان شک می‌کنند و اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند (کلی اینک، ۱۹۹۸). لذا این بیان مؤید یافته‌های ما بوده و در تبیین این امر باید گفت که این دیدگاه افراطی که تعلل را نیز در پی داشته، این امر را بیان می‌کند که متغیر کمال‌گرایی

می‌تواند به عنوان متغیر پیش‌بین سبک‌های فرزندپروری باشد.

همچنین نتایج پژوهش بیانگر این می‌باشد که رابطه متغیر دین‌داری با سبک‌های فرزندپروری متغیر دین‌داری با فرزندپروری سهل‌گیرانه ($R = -0/310, p = 0/001$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد و با فرزندپروری آمرانه ($R = -0/207, p = 0/027$) در سطح اطمینان ۹۵ درصد ارتباط معناداری دارد.

اما ارتباط دین‌داری با فرزندپروری مقتدرانه معنادار نمی‌باشد. بنابراین می‌توان گفت با افزایش میزان دین‌داری، میزان فرزندپروری آمرانه و سهل‌گیرانه کاهش می‌یابد. از بین سبک‌های فرزندپروری، سبک آمرانه و سبک سهل‌گیرانه ارتباط معنی‌دار و معکوس با دین‌داری دارند که رابطه منفی دین‌داری با سبک سهل‌گیرانه را تحقیقی با عنوان نقش دین‌داری، سبک‌های فرزندپروری و ناگویی هیجانی در آمادگی به اعتیاد نوجوانان (محمدی، غلامرضا، ۱۳۹۴) تأیید می‌کند، ولی برخلاف یافته‌های ما که سبک مقتدرانه رابطه‌ای با دین‌داری نداشت تحقیق مذکور بیان داشته که بین دین‌داری و سبک مقتدرانه رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و همچنین تحقیقی با عنوان آزمون مدل دین‌داری در دانش‌آموزان بر اساس سبک‌های فرزندپروری با میانجی‌گری عزت‌نفس، هوش هیجانی و سلامت روانی (فداکار و همکاران، ۱۳۹۶) این امر را متذکر شده‌اند که دانش‌آموزانی که والدینشان از سبک مقتدرانه استفاده می‌کردند، دین‌دارتر بودند.

پر واضح است که افراد متدین، با توجه به آموزه‌های دینی مورد اعتقاد و پذیرش خود، از سبک‌های فرزندپروری غیر مناسب (همان سبک‌های آمرانه و سهل‌گیرانه) اجتناب می‌کنند، ولی این لزوماً بدین معنا نیست که حتماً سبک مقتدرانه را که سبک مناسبی برای تربیت فرزند است، در دستور کار خود قرار دهند. اگر بخواهیم افراد دین‌دار، این سبک را در تربیت فرزندان خود اتخاذ کنند باید تأثیرات این نوع از تربیت فرزند، مقدمات و اصول تشکیل دهنده آن برای عموم مردم، از طریق رسانه‌های جمعی تبیین شود.

اما در بررسی رابطه میان متغیر کمال‌گرایی با سبک‌های فرزندپروری مشخص گردید که متغیر کمال‌گرایی با فرزندپروری مقتدرانه ارتباط معناداری ندارد، اما ارتباط کمال‌گرایی با فرزندپروری سهل‌گیرانه ($R = 313, p = 0/001$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد و فرزندپروری آمرانه ($R = 0/545, p = 0/000$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت با افزایش میزان کمال‌گرایی، میزان فرزندپروری سهل‌گیرانه و آمرانه افزایش می‌یابد.

بشارت، عزیزی، حسینی در تحقیقی با عنوان رابطه کمال گرایی والدین با سبک‌های فرزندپروری آورده‌اند که یافته‌ها نشان می‌دهند که کمال گرایی خودمحور پدر با سبک فرزندپروری آمرانه پدر و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پدر رابطه معنادار دارد، ولی با سبک فرزندپروری اقتدارگرایی پدر رابطه معنادار ندارد. کمال گرایی دیگرمحور پدر با سبک فرزندپروری اقتدارگرایی پدر و با سبک فرزندپروری آمرانه پدر رابطه معنادار دارد، ولی با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پدر رابطه معنادار ندارد. کمال گرایی جامعه‌محور پدر با سبک فرزندپروری آمرانه پدر و با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پدر رابطه معنادار دارد، ولی با سبک فرزندپروری اقتدارگرایی پدر رابطه معنادار ندارد. علاوه بر این، کمال گرایی خودمحور مادر با سبک فرزندپروری آمرانه مادر و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه مادر رابطه مثبت معنادار دارد، ولی با سبک فرزندپروری اقتدارگرایی مادر رابطه معنادار ندارد. کمال گرایی دیگرمحور مادر با سبک فرزندپروری آمرانه مادر و با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه مادر رابطه مثبت معنادار دارد، ولی با سبک فرزندپروری اقتدارگرایی مادر رابطه معنادار ندارند. کمال گرایی جامعه‌محور مادر با سبک فرزندپروری آمرانه مادر و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه مادر رابطه مثبت معنادار دارد، ولی با سبک فرزندپروری اقتدارگرایی مادر رابطه معنادار ندارد.

(بشارت، عزیزی، حسینی، رابطه کمال گرایی والدین با سبک‌های فرزندپروری، بی‌تا).
با توجه به یافته‌های این تحقیق، که به صورت جامع بحث شده و تمامی ابعاد کمال گرایی در آن لحاظ شده است، می‌توان گفت به صورت کلی یافته‌های ما مورد تأیید می‌باشد و نبود ارتباط معنادار بین کمال گرایی با فرزندپروری مقتدرانه اثبات شده است.

کمال گرایی خودمحور با تمایل به وضع معیارهای غیرواقع بینانه برای خود، تمرکز بر نقص‌ها و شکست‌ها در عملکرد همراه با خود نظارت‌گری‌های دقیق مشخص می‌شود (هویت و فلت، ۱۹۹۱، به نقل از: بشارت، عزیزی، حسینی، بی‌تا). این شکل از کمال گرایی، نزدیک‌ترین بعد به سازه‌ای است که غالباً به عنوان کمال گرایی شناخته شده است (بلت، ۱۹۹۵، به نقل از: بشارت، عزیزی، حسینی، بی‌تا).

کمال گرایی دیگرمحور بیانگر تمایل به داشتن انتظارات افراطی و ارزشیابی انتقادی از دیگران است. و کمال گرایی جامعه‌محور به احساس ضرورت رعایت معیارها و برآورده ساختن انتظارات تجویز شده از سوی افراد مهم به منظور کسب تأیید اطلاق می‌شود (هویت و فلت، ۱۹۹۱، به نقل از: بشارت، عزیزی، حسینی، بی‌تا).

با در نظر گرفتن دو گروه کمال‌گرایی سازگاران با خرده مقیاس‌های (نظم و سازماندهی، هدفمندی، تلاش برای عالی بودن، معیارهای بالا برای دیگران) و ناسازگاران با خرده مقیاس‌های (نیاز به تأیید، تمرکز بر اشتباهات، فشار از سوی والدین، نشخوار فکر) که کاملاً مطابق با سه بعد کمال‌گرایی خودمحور، دیگرمحور و جامعه‌محور می‌باشد، نتایج و یافته‌های ما بدین صورت قابل توجیه می‌باشد که کمال‌گرایی که بر اساس انتظارات غیرواقع‌بینانه از خود همراه با خود نظارت‌گری دقیق مشخص می‌شود و با مسئولیت‌پذیری افراطی همبستگی دارد (بشارت، ۱۳۸۳). این انتظارات غیرواقع‌بینانه از خود و مسئولیت‌پذیری افراطی، ویژگی‌های سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، یعنی پاسخگو بودن بالا (احساس مسئولیت) و توقع پایین را به فرد تحمیل می‌کند. بنابراین، رابطه بین کمال‌گرایی و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه از طریق احساس مسئولیت بالا و توقع پایین توجیه می‌شود. در تبیین رابطه کمال‌گرایی با سبک فرزندپروری آمرانه می‌توان گفت که والدین کمال‌گرا، وقتی فرزندانشان در انجام تکالیف مدرسه یا در ارتباط با همسالانشان یا در امور دیگر مشکل دارند، احساس کمتری و تهدید می‌کنند. این افراد به علت خود انتقادگری غیرواقعی، مشکلات فرزندانشان را با این تفکر که شکست فرزند نشان دهنده این است که من پدر یا مادر بدی هستم، شخصی‌سازی می‌کنند. همچنین از آنجا که حرمت خود این والدین به موفقیت فرزندانشان وابسته است، فشار بیشتری بر فرزندانشان می‌آورند تا از شکست اجتناب کنند (برنز، ۱۹۹۸، به نقل از: بشارت، عزیزی، حسینی، بی‌تا). این روش و سبک برخورد و رابطه با فرزند معادل سبک فرزندپروری آمرانه محسوب می‌شود و افراد کمال‌گرا اولاً تقاضای بالا از دیگران دارند و ثانیاً سلطه‌جویی آنان و ناتوانی در توجه‌طلبی و مهرجویی باعث پاسخ‌دهی پایین آنان می‌شود. بنابراین درگیر سبک فرزندپروری آمرانه می‌شوند.

والدین کمال‌گرا که با ویژگی‌هایی از قبیل انتظارات بالا از خود و از فرزندان (انس و همکاران، ۲۰۰۲، به نقل از: بشارت، عزیزی، حسینی، بی‌تا)، استانداردهای بسیار بالا و توجه زیاد به شکست‌ها مشخص می‌شوند، بیشتر احتمال دارد درگیر پذیرش مشروط، القای احساس گناه و سبک فرزندپروری مداخله‌کننده شوند (سویننس و همکاران، ۲۰۰۵، به نقل از: بشارت، عزیزی، حسینی، بی‌تا).

یک توضیح احتمالی برای عدم ارتباط کمال‌گرایی با سبک فرزندپروری مقتدرانه این می‌باشد که والدین کمال‌گرا مجذوب استانداردها و هنجارهای خودساخته شده تا حدی

که حساسیت و توجه همدلانه لازم و مناسب برای توجه به نیازها و آرزوهای فرزندان را از دست می دهند (دیکس، ۱۹۹۱، به نقل از: بشارت، عزیزی، حسینی، بی تا). و والدین کمال گرا ممکن است آرزوها و هنجارهایی را که احساس می کنند خودشان نتوانسته اند به آنان برسند، برای فرزندان خود به کار ببرند، رفتارهای آنان را به صورت انتقادی ارزیابی کنند. لذا به خاطر اینکه همدلی لازم را از دست داده و توجه لازم به نیازها و استعدادها و فرزندان ندارند، از سبک فرزندپروری مقتدرانه دوری جسته اند.

با توجه به اینکه در این تحقیق متغیرهای مورد نظر ما ناظر بر والدین می باشد، روابط بین متغیرها در والدین بررسی شده اند. درحالی که تحقیقاتی که تا به حال انجام شده، معمولاً روابط این متغیرها بین والد و فرزند را بررسی کرده اند. لذا از آوردن نتایج آن تحقیقات و مقایسه آنها با تحقیق فعلی خود، خودداری شده است.

محدودیت های تحقیق

تعمیم نتایج حاصل از پژوهش با توجه به حوزه جغرافیایی تعیین شده برای سایر شهرستان ها باید با احتیاط صورت پذیرد.

محدودیت در استفاده از ابزار، این ابزارها برای فرهنگ غربی ساخته شده و ممکن است با فرهنگ کشور ما همخوانی لازم را نداشته باشد و همچنین کمبود منابع و پژوهش هایی که در این موضوع صورت گرفته، کم سواد بودن بعضی از والدین، همکاری پایین برخی از والدین و طولانی بودن پرسش نامه ها از محدودیت ها به شمار می آیند.

با توجه به نتایج به دست آمده از فرضیات تحقیق پیشنهاد می گردد:

- به پژوهشگران توصیه می گردد مدل های پیچیده تری از متغیرهای مؤثر بر سبک های فرزندپروری طراحی و مورد پژوهش قرار دهند.

- به پژوهشگران توصیه می گردد چنین پژوهشی را در جامعه های دیگر جهت بررسی روایی نتایج اجرا نمایند.

- به پژوهشگران توصیه می شود در اجرای پژوهش مشابه از ابزاری متفاوت بومی (مصاحبه، مشاهده و پرسش نامه های دیگر) استفاده نمایند.

- به دست اندرکاران امر تربیت پیشنهاد می گردد برنامه های آموزشی مناسب برای والدین در جهت افزایش سطح دین داری آنان تهیه و اجرا نمایند.

- به دست‌اندرکاران صداوسیما توصیه می‌گردد با تهیه برنامه‌های آموزنده و اصلاح برنامه‌های مخرب موجود در سینماها و تلویزیون سطح کیفی دین‌داری مردم را ارتقا بدهند و با تعدیل و تصحیح کمال‌گرایی افراد بتوانند از مشکلات به وجود آمده از تربیت ناصحیح فرزندان جلوگیری بشود.

- در پژوهش‌های بعدی روند تلاش‌های دست‌اندرکاران امر تربیت در برنامه‌ریزی در جهت ارتقای باورهای مذهبی والدین مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- نهج البلاغه، علی بن ابی طالب علیه السلام (۱۳۸۹)، **پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام**، شرح و ترجمه، مکارم شیرازی، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ دوم، ج ۹.
- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۵). **بررسی و نقد روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز**، مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم: چاپ نشده.
- بشارت، محمدعلی؛ طاهری، مریم و لواسانی، مسعود غلامعلی (۱۳۹۵). «مقایسه کمال‌گرایی، استحکام من، خشم و نشخوار خشم، در بیماران مبتلا به اختلال افسردگی اساسی و وسواس فکری، عملی»، **فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی**، سال هفتم، شماره ۲۱.
- بشارت، محمدعلی؛ عزیزی، کورش و پورشریفی، حمید (۱۳۹۰). «رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی فرزندان در نمونه‌ای از خانواده‌های ایرانی»، **فصلنامه خانواده‌پژوهی**، شماره ۲۰.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). **انتظار بشر از دین**، قم: نشر اسراء.
- شکوهی، محسن؛ پرند، اکرم و فقیهی، علی نقی (بی‌تا). «مطالعه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری»، **تربیت اسلامی**، شماره ۳.
- فداکار و همکاران (۱۳۹۶). «آزمون مدل دین‌داری در دانش‌آموزان بر اساس سبک‌های فرزندپروری با میانجی‌گری عزت‌نفس، هوش هیجانی و سلامت روانی»، **دو فصلنامه علمی-پژوهشی، مطالعات اسلام و روان‌شناسی**، دوره ۱۱، شماره ۲۱.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11(1), 56-95.
- Belsky, J., Hertzog, M., & Rovine, M. (1986). Causal analyses of multiple determinants of parenting: Empirical and methodological advances. In M. E. Lamb, A. L. Brown, & B. Rogoff (Eds.). *Advances in developmental psychology* (Vol. 4, Chap. 4). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Bjorgo, L. (2003). *Current attachment styles and attitudes toward motherhood of female college students*. [A DISSERTATION IN PSYCHOLOGY Submitted to the Graduate Faculty of Texas Tech University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of DOCTOR OF

PHILOSOPHY].

- Rice, K. G., & Preusser, K. J. (2002). The adaptive/maladaptive perfectionism scale. *Measurement and evaluation in Counseling and Development*, 34, 210–222.
- Santrock, J.W. (2001). *child development*. Companies Higher Education, The Mc GrawHill Companies, Inc.
- Shepley, R. P. (2001). *Children diagnosed with attachment disorder: A qualitative study of the parental experiences*. [Thesis submitted to the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of MASTERS OF SCIENCE in Human Development].
- Steinberg, L. & N. Darling (1989), “Parenting Style Ascontext: An Integrative Model”, *Psychological Bulletin*, 113, pp. 487–496.
- Van IJzendoorn, M. H. (1992). Intergenerational Transmission of Parenting: A Review of Studies in Nonclinical Populations. *Developmental Review*.12, 76–99.
- Wulff, D.M. (2001), *psychology of religion*, classic and contemporary views, Canada, wiley.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال پنجم، شماره اول، پیاپی ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸ (ص ۱۲۳-۱۳۶)

راهکارهای درمان اختلال خودشیفته مبتنی بر رویکرد شناختی-رفتاری و آموزه‌های اسلامی

Treatment strategies for narcissistic disorder Based on cognitive-behavioral approach and Islamic teachings

حسین رادمرد / دانشجوی دکتری قرآن و روانشناسی، جامعه المصطفی، قم، ایران.
محمد صادق شجاعی / دکتری روانشناسی، استادیار روان‌شناسی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Hossein Radmard / PhD student in Quran and Psychology, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

m.r.ahmadi۲۱۳@gmail.com

Dr. Mohammad sadeq shojaei / Assistant Professor of Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

چکیده

ABSTRACT

Narcissistic personality disorder is a pervasive pattern of secretary in thought and behavior that is associated with feelings of need for admiration and lack of empathy. This pattern starts at an early age and appears in various fields. The aim of this study is to provide narcissistic treatment strategies based on cognitive-behavioral approach and Islamic teachings. The method of this research was qualitative and content analysis. First, studies related to narcissistic disorder in Islamic texts and psychology were collected. For this purpose, articles and dissertations were searched and analyzed in the Iran Dock and Noormags databases from 2011 to 2021, as well as related materials in the Jame Al-Ahadith and Jame Al-Tafsir software. In the first stage, 82 characteristics related

اختلال شخصیت خودشیفته یک الگوی فراگیر بزرگ منشی در اندیشه و رفتار است که با احساس نیاز به تحسین شدن و فقدان همدلی همراه است. این الگو از اوایل جوانی شروع می‌شود و در زمینه‌های مختلف ظاهر می‌شود. پژوهش حاضر با هدف ارائه راهکارهای درمان خودشیفتگی مبتنی بر رویکرد شناختی رفتاری و آموزه‌های اسلامی است. روش این پژوهش کیفی و به روش تحلیل محتوا بود. ابتدا پژوهش‌های مرتبط با اختلال خودشیفته در متون اسلامی و روانشناسی جمع‌آوری شد. بدین منظور مقالات و پایان‌نامه‌ها در پایگاه داده‌های ایران داک و نورمگز از سال ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ و همچنین مطالب مرتبط در نرم افزار جامع الاحادیث و جامع التفاسیر جستجو و تحلیل محتوا شد. در مرحله اول ۸۲ ویژگی مرتبط با اختلال خودشیفته جمع‌آوری شد. تحلیل

to narcissistic disorder were collected. The analysis of traits, their integration and classification, showed that all traits are classified into two categories: "narcissistic attitudes" and "narcissistic behaviors". Also, the analysis of religious texts on the treatment strategies of narcissistic disorder indicated that 23 cognitive-behavioral strategies can facilitate the treatment of this disorder. The content validity report of the solutions based on the experts' opinion confirmed all items.

Keywords: narcissistic disorder, treatment, cognitive-behavioral, arrogance, personality

ویژگی ها، ادغام و طبقه بندی آنها، نشان داد تمام ویژگی ها در دو دسته «نگرش های خودشیفته-مآبانه» و «رفتارهای خودشیفته مآبانه» طبقه بندی می شود. همچنین تحلیل متون دینی در خصوص راه کارهای درمان اختلال خودشیفته حاکی از آن بود که ۲۳ راهکاری شناختی-رفتاری می تواند مسیر درمان این اختلال را تسهیل نماید. گزارش روایی محتوایی راه کارهای مبتنی بر نظر کارشناسان، همه موارد را تأیید نمود.

کلیدواژه ها: اختلال خودشیفته، درمان، شناختی-رفتاری، تکبر، شخصیت.

مقدمه

اختلال شخصیت خودشیفته ابتدا توسط انجمن روان پزشکی آمریکا در ویرایش سوم DSM^۱ معرفی شد و توصیف آن در متن تجدیدنظر شده چاپ چهارم ادامه یافت (DSM-IV-TR)، انجمن روان پزشکی آمریکا (۲۰۰۰). ویژگی اساسی این اختلال عبارت است از الگوی فراگیر نخوت و خودبزرگ بینی، نیاز به مورد تحسین قرار گرفتن و فقدان همدلی که در زمینه های گوناگون وجود دارد و از اوایل بزرگسالی شروع می شود. این اختلال همراه با اختلال شخصیت ضداجتماعی، مرزی و نمایشی در خوشه B (افراد هیجانی و نمایشی) طبقه بندی شده است (سادوک و سادوک^۲، ۲۰۰۱). درحالی که اختلال های مذکور را می توان به تربیت، با عناوین سنگدل، نیازمند و عشوهرگر توصیف کرد، مشخصه اصلی اختلال شخصیت خودشیفته «خودبزرگ بینی»^۳ است.

افراد مبتلا به اختلال شخصیت خودشیفته (NPD)^۴ گرایش دارند که یک خودانگاره نسبتاً باثبات از خود نمایش دهند و به خلاف افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی، گرایش به خودتخریب گری، تکانشگری یا نگرانی نسبت به ترک شدن را ندارد. براساس تشخیص مطابق

1. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders.
2. Sadock & Sadock.
3. grandiosity.
4. Narcissistic personality disorder.

- با DSM-IV، اختلال شخصیت خودشیفته الگوی نافذی از خودبزرگ‌بینی (در عالم خیال یا رفتار)، نیاز به تحسین و فقدان همدلی است که از اوایل بزرگسالی آغاز شده و در زمینه‌های مختلف به چشم می‌خورد و با پنج ملاک (یا بیشتر) از ملاک‌های زیر مشخص می‌شود:
۱. یک حس بزرگ‌منشانه از مهم بودن خود را دارد (مثلاً موفقیت‌ها و استعداد‌های اغراق‌آمیز، انتظار دارد بدون موفقیت‌های چشمگیر به عنوان فردی برتر شناخته شود).
 ۲. درگیر خیال‌پردازی موفقیت بی‌حد و حصر، قدرت، هوش، زیبایی و یا عشق ایده‌آل نامحدود است.
 ۳. معتقد است که فردی خاص و استثنایی است و فقط افراد خاص یا نهادهای عالی‌رتبه می‌توانند او را درک کنند.
 ۴. به تحسین بیش از اندازه نیاز دارد.
 ۵. احساس استحقاق داشتن دارد، یعنی انتظارات نامعقولی دارد که دیگران رفتار مطلوبی با او داشته باشند و یا انتظاراتش را بی‌قید و شرط برآورده کنند.
 ۶. در روابط بین فردی به دنبال بهره‌کشی از دیگران است، یعنی برای رسیدن به اهداف خود از دیگران سوءاستفاده می‌کند.
 ۷. فاقد حس همدلی است یعنی تمایلی به تأیید احساسات و نیازهای دیگران ندارد.
 ۸. اغلب به دیگران حسادت می‌کند و یا معتقد است که دیگران به او حسادت می‌کنند.
 ۹. رفتارها یا نگرش‌های خودپسندانه و متکبرانه دارد.
 ۱۰. از سویی خداوند متعال به عنوان خالق انسان، آگاه‌ترین فرد نسبت به ابعاد شخصیتی انسان است (الاسراء، ۸۴). بر همین اساس می‌توان ادعا نمود که قرآن کریم به عنوان کلام الهی و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان تفسیر کلام الهی است، می‌تواند یکی از مهم‌ترین منابع شناخت ابعاد شخصیت و همچنین تشخیص و درمان انواع اختلالات شخصیت باشد.
 ۱۱. مفهوم خودشیفتگی به دامنه‌ای از آسیب‌های اخلاقی در منابع اسلامی از قبیل عجب، تکبر، تفاخر، تجبر نزدیک است. برخی بر این باور هستند که خودشیفتگی قرابت بسیار بالایی با تکبر در منابع اسلامی دارد، به طوری که می‌توان این دو را به جای هم به کار برد (قدوسی، میردردی‌کوندی ۱۳۹۲، ص ۸۳)؛ اما برخی دیگر معتقدند خودشیفتگی از ریشه‌ها و عوامل درونی صفت تکبر در افراد است (صادقی سرشت، ۱۳۹۴، ص ۴۴). به نظر می‌رسد علی‌رغم قرابت معنایی اما مقایسه مفهومی خودشیفتگی و تکبر هنوز نیازمند دقت و بررسی بیشتر است.

۱۲. در خصوص توجه به آموزه‌های وحیانی در تحلیل شخصیت می‌توان به آثاری همچون شخصیت از دیدگاه اسلام (علی‌اصغر احمدی، ۱۳۷۹)، شخصیت از دیدگاه اسلام (اکبری، ۱۳۸۱)، قرآن و روان‌شناسی (محمد عثمان نجاتی، ۱۳۹۱)، روان‌شناسی شخصیت سالم از منظر قرآن (یدالله پور و فاضلی، ۱۳۹۱)، انسان سالم و شخصیت سالم از دیدگاه قرآن (رجبی ۱۳۹۵)، شخصیت از دیدگاه اسلام، نظریه‌های روان‌شناختی و اسلامی (محمد صادق شجاعی، ۱۳۹۶) اشاره نمود. با این وجود در خصوص اختلالات شخصیت کارهای متنوعی در میان پژوهشگران شخصیت با رویکرد اسلامی مشاهده نمی‌شود. پایان‌نامه بررسی تطبیقی شخصیت در قرآن و روان‌شناسی (همتیان نجف‌آبادی، ۱۳۸۸)، از جمله آثار محدودی است که با نگاهی تطبیقی به این مبحث پرداخته است. بررسی مباحث اختلالات شخصیت مندرج در DSM-IV بر اساس آموزه‌های وحیانی (محمدی و همتیان، ۱۳۹۰) عنوان مقاله دیگری است که به صورت کلی و گذرا سه دسته اختلالات شخصیت را ضمن بررسی در DSM-IV با نگاه به آموزه‌های وحیانی به صورتی اشاره‌وار به تبیین ماهیت اختلالات شخصیت پرداخته است. مقاله اختلال خودشیفته از منظر قرآن و حدیث (فقیهی و همکاران، ۱۳۹۵) نیز تلاش کرده است بدون پرداختن به فرایند درمان و به صورت مروری فهرست از ویژگی‌ها خودشیفته را بیان و از منظر قرآن و روایات تبیینی اجمالی ارائه دهد.

صداقت (۱۳۹۹) پس از بررسی مفهوم خودشیفتگی و مقایسه آن با مفهوم تکبر بر این باور است که تمام ویژگی‌های این دو مفهوم به جز ویژگی حسادت با هم مشترک است. بر همین اساس معتقد است ویژگی اختلال خودشیفته در منابع دینی هشت ویژگی از نه ویژگی مندرج در DSM-V را داراست. موارد هشت‌گانه مذکور شامل داشتن احساس بزرگ‌منشانه، خیال‌پردازی موفقیت، نیازمند به تحسین بیش از اندازه، احساس استحقاق، بهره‌کشی از دیگران، فاقد حس همدلی، حسادت و رفتار یا نگرش‌های متکبرانه میشود.

فقیهی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان اختلال خودشیفته از منظر قرآن و حدیث، بیست‌وسه ویژگی خیال‌پردازی دروغین، بزرگنمایی، حس سزاواری شخصی، قضاوت متعصبانه و مطلق‌گرا نسبت به خود، خودستایی، خودفیبی، سازش‌کاری، توقعات بیجا، انتقادناپذیری، فقدان روابط اجتماعی سازنده، خودبزرگ‌بینی، فقدان عزت‌نفس، حسادت به برتری دیگران، طمع و زیاده‌خواهی، ناراضی‌ت و ناآرامی روحی، شادی ظاهری و غم و اندوه بی‌انتها، رفاه‌طلبی، بخل و خست، واقعیت‌گریزی، فریب‌کاری، دروغ‌گویی، تجاوزگری، ترور

و تخریب شخصیتی، بدگویی و سخن‌چینی، ایجاد تفرقه و اختلاف، تهدید، شکنجه جسمی، بهره‌کشی جنسی، انزوا و گوشه‌گیری، عدم رشد یافتگی را بر مبنای منابع اسلامی ذکر نموده است.

در پژوهشی حافظی (۱۳۹۸) با استخراج چهل و چهار خرده ویژگی مرتبط با مفهوم خودمرکزیت بینی در منابع اسلامی بر این نکته تأکید می‌کند که این مفهوم قرابت بسیار نزدیک با مفهوم خودشیفته‌گی داشته و از جهت ویژگی‌ها، همپوشانی قابل توجهی با اختلال شخصیت خودشیفته دارد. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های مطرح شده در پژوهش مذکور شامل مواردی از قبیل؛ نسبت دادن کمال به خود، خودپسندی، باور به برتری به دیگران، غرور، حسادت، خودرایی، تحقیر دیگران، سرکشی و نافرمانی خداوند، علاقه به شهرت، شیفته مدح و ستایش بودن، خودنمایی، تمایل به زیاده‌خواهی، ظلم کردن به دیگران، انکار حقیقت، شمرد.

یافته‌های پژوهش دیگری با عنوان بررسی مفهوم روان‌شناختی کبر در منابع اسلامی و مقایسه آن با خودشیفته‌گی نشان داد که بخش زیادی از ویژگی‌های این دو مفهوم همپوشانی دارد. در این پژوهش هفت ویژگی بزرگ‌طلبی، انتقادپذیری کم، توقع احترام، فقدان همدلی اجتماعی و خانوادگی، شیک‌پوشی، گفتار متکبرانه، رفتار متکبرانه به عنوان ویژگی‌های متناسب با اختلال شخصیت بر مبنای منابع اسلامی شمرده شده است (قدوسی، میردریگوندی، ۱۳۹۲).

جستجو نگارنده در پژوهش‌های موجود نتایج چشم‌گیری را در خصوص تشخیص و راهکارهای درمان اختلال خودشیفته با نگاه به آموزه‌های وحیانی در پی نداشت. بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به ظرفیت بالای منابع دینی خصوصاً آیات قرآن کریم خلأ پژوهشی مشهودی در این موضوع وجود دارد که می‌تواند موضوع بررسی پژوهشگران روان‌شناس با رویکرد اسلامی باشد. آموزه‌های وحیانی نه تنها، هست‌ها و باید‌ها را در طبقه‌بندی‌ها مورد توجه قرار داده بلکه به دلیل خلقت ویژه انسان و تعبیه معارف و گرایش‌های خاص در سرشت او، توجه به باید‌ها و نباید‌ها را نیز مورد عنایت قرار داده است. بی‌تردید شناخت شخصیت انسان و سپس تشخیص و درمان نابهنجاری‌های آن مبتنی بر شناخت درست و جامع از طبیعت انسان و جایگاه او در نظام هستی است. شناخت انسان سالم و ناسالم و به دست آوردن ملاکی منطقی و علمی در این باره، دغدغه دیرپای انسان بوده است؛ از این رو طبیعی

است که تاریخ اندیشه بشری مملو از اظهارنظر در این خصوص باشد. چنانچه ادیان الهی و مکتب‌های فکری، فیلسوفان، عارفان و پیشوایان دینی و اجتماعی نیز در این باره سخن گفته‌اند (صفارآ و سلمآبادی، ۱۳۹۸). اما با توجه به احاطه الهی به عالم هستی و انسان به عنوان یکی از مخلوقات الهی، این شناخت جامع جز از منبع وحی و با رویکردی قرآنی نمی‌تواند حاصل گردد (حدید، ۳)^۱. هدف پژوهش حاضر، بررسی آموزه‌های قرآنی و روایات و پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی پیرامون اختلال شخصیت خودشیفته و راهکارهای درمان آن است.

روش پژوهش:

به منظور دستیابی به راهکارهای درمانی اختلال خودشیفته از روش پژوهش کیفی استفاده شد. روش پژوهش در این نوشتار تحلیل، روش کیفی از نوع تحلیل محتوایی^۲ است. باردن^۳ (۱۹۸۹) می‌گوید: «تحلیل محتوا عبارت است از مجموعه فنون تحلیل ارتباط، که برای توصیف محتوای پیام و روش‌های منظم عینی به کار می‌رود. در تحلیل محتوا، باید سطوح تحلیل را اعم از محتوای آشکار و محتوای پنهان مدنظر قرار داد و تنها به محتوای آشکار آن بسنده نکرد. به سخن دیگر، روش تحلیل محتوا به توصیف عینی، منظم و ذهنی محتوای پیام از بعد ظاهری و باطنی می‌پردازد (به نقل از قآئدی قآئدی، ۱۳۹۵).

ابتدا پژوهش‌های مرتبط با اختلال خودشیفته در متون اسلامی و روان‌شناسی جمع‌آوری شد. بدین منظور مقالات و پایان‌نامه‌ها در پایگاه داده‌های ایران داک و نورمگز از سال ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ و همچنین مطالب مرتبط در نرم‌افزار جامع الاحادیث و جامع التفاسیر جستجو و تحلیل محتوا شد. در مرحله اول ۸۲ ویژگی مرتبط با اختلال خودشیفته جمع‌آوری شد. سپس ویژگی‌ها، ادغام و طبقه‌بندی و تحلیل شد. همچنین راهکارهای درمان اختلال خودشیفته جمع‌آوری و دسته‌بندی شد. در نهایت به جهت برخورداری یافته‌ها از روایی محتوایی، دیدگاه کارشناسان در دو بعد شاخص روایی محتوایی (CVI^۴) و نسبت روایی

۱. هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ. حدید/ ۳

2. Content analysis.

3. Barden.

4. Content Validity Index.

محتوایی (CVR)^۱ اخذ و گزارش گردید.

یافته‌ها

تحلیل محتوای ویژگی‌ها نشان داد تمامی ویژگی‌های اختلال شخصیت خودشیفته در دو دسته «نگرشهای خودشیفته‌مآبانه» و «رفتارهای خودشیفته‌مآبانه» طبقه‌بندی می‌شود. برخی از پژوهش‌ها در تحلیل خودشیفتگی بر اساس منابع اسلامی نشان می‌دهد، نزدیک‌ترین واژه و مفهوم در منابع دینی به خودشیفتگی، واژه و مفهوم «تکبر» است (صداقت، ۱۳۹۹، حافظی، ۱۳۹۸). بنابراین به جهت بهره‌گیری از مفاهیم اسلامی، طبقه‌بندی مذکور به عناوین «نگرش‌های متکبرانه» و «رفتارهای متکبرانه» تغییر نمود. جدول شماره (۱) این دو دسته را نشان می‌دهد.

جدول ۱- نتایج تحلیل محتوا

نگرشهای خودشیفته‌مآبانه	رفتارهای خودشیفته‌مآبانه
<p>باور به برتری به دیگران، نیازمند به تحسین بیش از اندازه، احساس استحقاق، خیال‌پردازی دروغین، حس سزاواری شخصی، نسبت دادن کمال به خود، توقع احترام، علاقه به شهرت، شیفته مدح و ستایش بودن، خیال‌پردازی موفقیت، خودفریبی، احساس بزرگ‌منشانه، نگرش‌های متکبرانه، بزرگنمایی، قضاوت متعصبانه و مطلق‌گرا نسبت به خود، توقعات بی‌جا، انتقادناپذیری، واقعیت‌گریزی.</p>	<p>بهره‌کشی از دیگران، تجاوزگری، بهره‌کشی جنسی، ظلم کردن به دیگران، رفتار متکبرانه، شکنجه جسمی، رفاه‌طلبی، فقدان روابط اجتماعی سازنده، طمع و زیاده‌خواهی، شیک‌پوشی، خودنمایی، خودستایی، خودبزرگ‌بینی، حسادت به برتری دیگران، خودرایی، سخن‌چینی، فاقد حس همدلی، بخل و خست.</p>

نگرش متکبرانه، مجموعه باورها و اندیشه‌ها در فرد است که موجب میشود احساس برتر بودن، متفاوت بودن و غلبه بر دیگران به فرد دست دهد. همچنین رفتار متکبرانه مجموعه از رفتارها، عکس‌العمل‌ها و اقداماتی است که وی را به عنوان فردی متکبر، خودشیفته متمایز می‌سازد.

از منظر سبب‌شناسی نیز می‌توان علت و سبب برخی از ویژگی‌ها را شناختی دانست و سبب برخی دیگر را عادت و رفتار افراد برشمرد. در حوزه درمان نیز با تحلیل آیات و روایات و پژوهش‌های اسلامی به نظر می‌رسد بتوان مجموعه راهکارهای منابع اسلامی را در دو

دسته شناختی و رفتاری طبقه‌بندی نمود. به عبارتی دیگر برخی از راهکارها با مداخله شناختی در نگرش‌های فرد خودشیفته زمینه بهبود و درمان را فراهم آورده و برخی دیگر با ایجاد الگوهای رفتاری و توصیه به انجام برخی افعال، سعی در رفع رفتارهای متکبرانه فرد دارند.

هدف این پژوهش ارائه پروتکل درمانی نبود بلکه به دنبال تبیین ظرفیت آموزه‌های دینی در ارتباط با بهبود اختلال خودشیفته است. مشاور در فرایند درمان شخص خودشیفته می‌تواند با تکیه بر این آموزه‌ها، فرایند درمان وی را تسهیل نماید. یافته‌های پژوهش نشان داد سبب اصلی نگرش‌ها و رفتارهای متکبرانه را غفلت از معرفت خدا^۱، خود^۲ است. همچنین عادت به الگوهای رفتاری ناسالم متأثر از محیط و زمینه‌های شناختی نیز علت تکرار و نهادینه شدن رفتارهای متکبرانه است. بنابراین اصلاح دیدگاه فرد درباره خدا، ماهیت و حقیقت انسان، معنای زندگی و فلسفه خلقت بایستی انجام شود. همچنین ایجاد دیدگاه صحیحی درباره حقیقت عالم هستی و دنیا می‌تواند زمینه تغییر در نگرش‌های معیوب فرد خودشیفته را فراهم سازد. در بعد رفتاری خاستگاه رفتارهای متکبرانه، احساس حقارت درونی^۳، کینه‌ورزی، حسادت و ریاکاری است (قدوسی و میردیریکوندی، ۱۳۹۲). امام خمینی علیه السلام در شرح چهل حدیث برای حالات خودشیفته و انسان متکبر علی مانند ریا، عجب و حسد را نام می‌برد و اشاره می‌کند که علت همه این ویژگی نیز کمی ظرفیت وجودی شخص و حقارت درونی او است (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۰).

۱. اِذَا أَعْجَبَكَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ سُلْطَانِكَ فَحَدِّثْ لَكَ بِهِ أَهْبَةً أَوْ حَيْلَةً فَإِنظُرْ إِلَى عَظَمِ مُلْكِ اللَّهِ فَوَقَّكَ وَ قُدْرَتِهِ مِنْكَ عَلَى مَا لَا تُقَدِّرُ عَلَيْهِ مِنْ نَفْسِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ يُطَامِنُ إِلَيْكَ مِنْ طَمَاحِكَ وَ يَكْفُفُ عَنْكَ مِنْ غَزَبِكَ وَ يَفِيءُ إِلَيْكَ مَا عَزَبَ مِنْ عَقْلِكَ . هرگاه از سلطه و قدرتی که در آن هستی عجبی پدید آمد، پس ابهت و سرفرازی برایت جلوه داد، به عظمت ملک خداوند بنگر که برتر از تو است و بر کارهایی تواناست که تو را بر آنها توانایی نیست؛ زیرا این تامل، سرکشی تو را فرو نشاند و از تندوی تو بکاهد و خرد از دست رفته ات را به تو باز آورد (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۷).

۲. سُدَّ سَبِيلَ الْعُجْبِ بِعَرَفَةِ النَّفْسِ؛ راه خودبینی را با خویشتن شناسی بر بند. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۸۵) - عَجِبْتُ لِمُتَكَبِّرِ الَّذِي كَانَ بِالْأَمْسِ نُظْفَةً وَ يَكُونُ عُدَا حِيقَةً در شگفتم از متکبر، که دیروز نطفه ای بود و فردا لاشه ای است (نهج البلاغه: الحکمة ۱۲۶).

۳. «ما من رجل تجبر او تكبر الا لذلة و جدها في نفسه». «هر انسانی حالت کبر و غرور به خود می‌گیرد به خاطر ذلت و شکستی است که در درون خود می‌بیند» (اصول کافی، جلد ۲، ص ۳۱۳).

یافته‌های پژوهش نشان داد بر پایه آموزه‌های دینی می‌توان تمامی راهکارها را در دو بخش شناختی و رفتاری ارائه نمود. مهم‌ترین راهکارهای شناختی در جدول شماره (۲) ارائه شده است.

جدول شماره (۲): راهکارهای شناختی درمان خودشیفتگی

راهکار	حوزه
گفتگو در خصوص اینکه مالک حقیقی خداوند است.	در ارتباط با خدا
گفتگو در خصوص اینکه خداوند بر همه چیز احاطه دارد.	
گفتگو در خصوص اینکه قدرت حقیقی از آن خداست.	
گفتگو در خصوص اینکه حاکم و فرمانروایی حقیقی در این عالم خداست.	
گفتگو در خصوص اینکه عالم محضر الهی است.	
توجه به اینکه انسان از ماده‌ای ناچیز و پست به دنیا آمده است.	در ارتباط با خود
توجه به اینکه انسان مالک حیات و ممت خود نیست.	
توجه به اینکه انسان مملوک خداست.	
توجه به فلسفه خلقت انسان.	
توجه به اینکه انسان خلیفه‌الله و تجلی صفات الهی در روی زمین است.	
توجه به اینکه همه اعمال انسان روزی محاسبه خواهد شد.	

مراد از راهکارهای رفتاری واداشتن و مداومت به اعمال و رفتارهای ضد تکبر در برابر خدا و بندگان خداست تا فروتنی و تواضع برای فرد ملکه شود و کبر را از وجود وی ریشه‌کن نماید (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۹). در منابع دینی مجموعه از توصیه‌ها وجود دارد که مستقیم و غیرمستقیم در مسیر درمان ویژگی‌های متکبرانه در انسان توصیه شده‌اند. در این نگاشته برخی از این راهکارها که بیشترین فراوانی را در منابع دینی داشته و به صورت خاص با نگاه درمان بیماری تکبر مورد توجه بوده‌اند آورده شده است. در این میان برخی از توصیه‌ها در حوزه رفتارهای عبادی و برخی در حوزه رفتاری اجتماعی قرار دارند. به نظر می‌رسد هر دو دسته از توصیه‌های عبادی و اجتماعی از نظر میزان اثربخشی در راستای درمان بیماری تکبر در یک سطح مورد نظر بوده است. مهم‌ترین راهکارهای عملی و رفتاری در جدول شماره (۳) ارائه شده است.

جدول شماره (۳) : راهکارهای رفتاری در درمان خودشیفتگی

ردیف	راهکارها
۱	در سلام کردن به دیگران پیشی گرفتن.
۲	به کودکان و زیردستان سلام کردن.
۳	بر روی زمین غذا خوردن.
۴	لباس ساده پوشیدن.
۵	در صدر مجلس ننشستن.
۶	جلوتر از دیگران راه نرفتن.
۷	با فقرا مجالست کردن.
۸	با خادمان و افراد ناتوان بر سر یک سفره نشستن.
۹	مداومت بر نماز و روزه داشتن.
۱۰	سجده طولانی داشتن.
۱۱	مداومت بر مطالعه سیره اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> و اولیای الهی.
۱۲	به هنگام راه رفتن، توجه به حالات بدن و شیوه راه رفتن متواضعانه داشتن.

اعتبارسنجی به دو روش کیفی و کمی مورد بررسی قرار گرفت. به منظور روایی محتوایی راهکارها به روش کیفی، نظرات ۱۸ کارشناس درباره راهکارها جمع‌آوری و تحلیل شد. کارشناسان راهکارهای اصلاح خودشیفتگی از منظر قرآن و روایات را ارزیابی و تأیید کردند. به منظور روایی محتوایی به روش کمی، ضرایب (CVR) و (CVI) محاسبه گردید. همان‌طور که در جدول شماره (۴) آمده است، محاسبات نشان داد که تمامی راهکارها CVI بیش از ۴۲٪ درصد و CVI بیش از ۷۹٪ درصد را کسب نموده‌اند. این بدان معناست که در هر دو شاخص، حدنصاب لازم را خواهند داشت. از این رو روایی محتوایی به معنای تناسب این راهکار در جهت درمان خودشیفتگی نیز تأیید گردید.

جدول شماره (۴): محاسبه روایی محتوایی راهکارهای رفتاری در درمان خودشیفتگی - CVI, CVR

cvI	cvr	میانگین	میانگین	راه کارهای شناختی- رفتاری	
۹۴٪	۸۹٪	۹٫۵	۹	گفتگو در خصوص اینکه مالک حقیقی خداوند است.	شناختی
۹۴٪	۴۴٪	۸	۷٫۴	گفتگو در خصوص اینکه خداوند بر همه چیز احاطه دارد.	
۸۹٪	۷۸٪	۹	۸٫۵	گفتگو در خصوص اینکه قدرت حقیقی از آن خداست.	
۸۹٪	۷۸٪	۹	۸٫۵	گفتگو در خصوص اینکه حاکم و فرمانروایی حقیقی در این عالم خداست.	
۸۹٪	۵۵٪	۹	۷٫۵	گفتگو در خصوص اینکه عالم محضر الهی است.	
۹۴٪	۸۹٪	۹٫۵	۹	توجه به اینکه انسان از ماده‌ای ناچیز و پست به دنیا آمده است.	
۸۹٪	۷۸٪	۹	۸٫۵	توجه به اینکه انسان مالک حیات و ممت خود نیست.	
۸۹٪	۵۵٪	۹	۷٫۵	توجه به اینکه انسان مملوک خداست.	
۹۴٪	۷۸٪	۹	۸٫۵	توجه به فلسفه خلقت انسان.	
۸۳٪	۴۴٪	۸	۷٫۴	توجه به اینکه انسان خلیفه‌الله و تجلی صفات الهی در روی زمین است.	
۸۳٪	۴۴٪	۹	۷٫۵	در سلام کردن به دیگران پیشی گرفتن.	رفتاری
۸۳٪	۵۵٪	۹	۷٫۵	به کودکان و زیردستان سلام کردن.	
۸۳٪	۴۴٪	۸	۷٫۴	بر روی زمین غذا خوردن.	
۹۴٪	۷۸٪	۹	۸٫۵	لباس ساده پوشیدن.	
۹۴٪	۷۸٪	۹	۸٫۵	در صدر مجلس نشستن.	
۸۳٪	۵۵٪	۹	۸٫۵	جلوتر از دیگران راه نرفتن.	
۹۴٪	۸۹٪	۹	۸٫۵	با فقرا مجالست کردن.	
۱	۸۹٪	۹٫۵	۹	با خادمان و افراد ناتوان بر سر یک سفره نشستن.	
۸۳٪	۴۴٪	۹	۷٫۵	مداومت بر نماز و روزه داشتن.	
۸۳٪	۵۵٪	۸	۷٫۴	سجده طولانی داشتن.	
۹۴٪	۵۵٪	۹	۸٫۵	مداومت بر مطالعه سیره اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> و اولیای الهی.	
۱	۷۸٪	۹	۸٫۵	به هنگام راه رفتن، توجه به حالات بدن و شیوه راه رفتن متواضعانه داشتن.	

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس تعریف شخصیت تمایز بین شخصیت بهنجار و نابهنجار را می‌توان در میزان سازمان‌یافتگی آن جستجو کرد. شخصیت وقتی سالم و بهنجار است که از سازمان‌یافتگی بالایی برخوردار باشد. در مقابل، شخصیت ناسالم فاقد سازمان‌یافتگی است و میزان اختلال در آن با میزان بی‌نظمی‌اش ارتباط مستقیم دارد (شجاعی، ص ۱۳، ۱۳۹۶). بنابراین هر چند غالب افراد از نظر صفات و شیوه عملکرد فردی و اجتماعی افراد سالم و بهنجاری هستند اما افرادی هم هستند که از لحاظ شناخت، احساسات، هیجان‌پذیری و یا عملکرد میان‌فردی و کنترل‌تکانه دچار اختلال هستند (باچرا، ۱۳۸۹). همان‌طور که گذشت اختلال شخصیت خودشیفته از جمله اختلالات فراگیر شخصیت محسوب می‌شود که بازگشت به همان عدم سازمان‌یافتگی است (مک فارلن، ۱۳۹۷).

هدف پژوهش حاضر دستیابی به راهکارهای درمانی اختلال خودشیفته بر مبنای منابع اسلامی است. بر این اساس پیش از بیان راهکارهای می‌بایست مؤلفه‌ها و ویژگی‌های اختلال خودشیفته بر اساس منابع اسلامی مورد بررسی و جمع‌بندی می‌شد. این پژوهش مبنای خود را در این بخش مطالعات انجام‌گرفته از سوی سایر پژوهشگران در این حوزه قرار داده است. بر همین اساس نتیجه بررسی اولیه ویژگی‌های خودشیفتگی با رویکرد اسلامی نشان داد ۸۲ ویژگی وجود دارد که برخی از این ویژگی‌ها به‌نوعی تکراری و برخی دیگر قابل ادغام و همپوشانی دارد. پس از کدگذاری محوری و انتزاعی، تمامی ویژگی‌ها در دو دسته «نگرش‌های خودشیفته‌مآبانه» و «رفتارهای خودشیفته‌مآبانه» طبقه‌بندی شد. از آنجائی که نزدیک‌ترین واژه و مفهوم در منابع دینی به خودشیفتگی، واژه و مفهوم «تکبر» است (صداقت، ۱۳۹۹، حافظی، ۱۳۹۸). بنابراین به جهت بهره‌گیری از مفاهیم اسلامی، طبقه‌بندی مذکور به عناوین «نگرش‌های متکبرانه» و «رفتارهای متکبرانه» تغییر نمود.

سپس راهکارهای اصلاح و درمان اختلال خودشیفته جستجو شد. بررسی آیات و روایات و برخی از متون اخلاقی-عرفانی نشان داد، منابع دینی در این خصوص به‌طور ویژه راهکارهایی جهت اصلاح ارائه نموده است. تحلیل منابع دینی در این بخش به‌صورت کلی ۲۳ راهکار را ارائه نمود. تحلیل محتوای راهکارها درمان خودشیفتگی حاکی از آن است که برخی جنبه شناختی و برخی جنبه رفتاری دارند. به عبارتی دیگر برخی از راهکارها با مداخله

شناختی در نگرش‌های فرد خودشیفته زمینه بهبود و درمان را فراهم آورده و برخی دیگر با ایجاد الگوهای رفتاری و توصیه به انجام برخی افعال، سعی در رفع رفتارهای متکبرانه فرد دارند. طبقه‌بندی راهکارهای مذکور در دو بعد شناختی و رفتاری در جدول شماره (۲) شامل ۱۱ راهکار و (۳) شامل ۱۲ راهکار گزارش شده است.

گزارش‌های محتوایی نیز حاکی از آن است که همه راهکارهای مذکور در دو بعد شاخص و نسبت‌روایی محتوایی مورد تأیید است. بنابراین بر اساس آنچه گذشت می‌توان ادعا نمود بر پایه آموزه‌های دینی بتوان مجموعه راهکارهایی را در دو قالب شناختی و رفتاری به منظور بهره‌گیری مشاوران در ارتباط با مراجع مبتلا به اختلال خودشیفته ارائه نمود. این راهکارها در واقع تأمین محتوای مشاور در ارتباط با مراجع خود با ویژگی‌های اختلال خودشیفته است که می‌تواند در راستای بهبود و تسهیل درمان مبتلا مورد استفاده قرار گیرد. یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های اخلاق اسلامی همسو است به عنوان نمونه فیض کاشانی در درمان ویژگی‌های متکبرانه به دو مرحله اشاره می‌کند؛ اول اصلاح انگیزه‌های درونی تکبر، و تغییر شناخت‌هایی که موجب تکبر شده و سپس برقراری ارتباط صحیح با انگیزه‌های بیرونی (صالحی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۳۵۷). در مرحله اول، به شناخت درمانی توصیه می‌کند. از آنجا که ریشه حالات متکبرانه، شناخت‌های ناکارآمد فرد نسبت به خود و رابطه خود با خداست، وی در محتوای شناخت درمانی، این‌گونه توصیه می‌کند: «اما درمان علمی این است که خود و خدایش را بشناسد و همین شناخت، او را در برطرف ساختن حالت تکبر بس است». در حوزه درمان رفتاری، نخستین درمان رفتاری، الگوبرداری یا یادگیری مشاهده‌ای از رفتار کسانی مانند پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم‌السلام و افراد صالح است که تکبر در آنها راه ندارد. همچنین انجام رفتارهای عملی متناقض تکبر (رفتارهای متواضعانه) از قبیل انجام عبادات، سجده، صدقه دادن و شیوه راه رفتن، می‌تواند نقش مهمی داشته باشد (همان، ۳۵۸).

منابع

• قرآن کریم.

• انجمن روان‌شناسی آمریکا (۱۳۹۳)، *راهنمای تشخیصی آماری اختلالات روانی*، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: انتشارات روان.

• باجر، جیمز و همکاران (۱۳۸۹)، *آسیب‌شناسی روانی*، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: انتشارات ارسباران.

- سادوک، بنجامین (۱۳۸۱)، **خلاصه روان پزشکی کاپلان و سادوک**، ترجمه حسین رفیعی و خسرو سبحانیان.
- صالحی، عید العلی (۱۴۰۹ق)، **راه روشن**، ترجمه کتاب المهجه البيضاء فی تهذیب الاحیاء فیض کاشانی، قم: ناشر موسسه تحقیقات و معارف اهل بیت علیهم السلام.
- صداقت، مجتبی، (۱۳۹۹)، **پایان نامه خودشیفتگی و راه های اصلاح آن در منابع دینی**.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۲)، **الخصال**، محقق: علی اکبر غفاری، انتشارات جامعه مدرسین.
- صفآرا، مریم و سلم آبادی، مجتبی (۱۳۹۸)، بررسی شخصیت بهنجار از منظر قرآن و روان شناسی، **مجله پژوهش در دین و سلامت**، دوره ۵ شماره ۲.
- فقیهی و همکاران (۱۳۹۵)، اختلال شخصیت خودشیفته از منظر قرآن و حدیث، **مجله پژوهش دینی**، شماره ۳۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
- قدوسی، سید ابوالفضل و میردربکوندی (۱۳۹۲)، بررسی روان شناختی کبر در منابع اسلامی و مقایسه آن با خودشیفتگی، **مجله معرفت**، شماره ۱۹۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، محقق: علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، **مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول**، انتشارات دار الکتب.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، **بحار الانوار لجامعه لدرر الاخبار الأئمه الطهار**، انتشارات احیاء التراث العربی.
- محمدی آشنایی، علی و همتیان، محدثه (۱۳۹۰)، بررسی اختلالات شخصیت مندرج در DSMIV براساس آموزه های وحیانی، **پژوهش های معارف قرآن کریم**، شماره ۱۰.
- مک فارلن، ملکالکم (۱۳۹۷)، **خانواده درمانی اختلالات شخصیت**، ترجمه شاه مرادی و همکاران، انتشارات دانژه.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸)، **شرح چهل حدیث**، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- نجاتی، محمد عثمان (بیتا)، **قرآن و روان شناسی**، ترجمه عباس عرب، انتشارات بنیاد پژوهش های اسلامی.
- نراقی، محمد مهدی (۱۳۷۹)، **جامع السعادات**، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- همتیان، محدثه (۱۳۸۸)، **پایان نامه بررسی تطبیقی شخصیت در قرآن و روان شناسی**، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

Contents

Formation of obsessive-compulsive disorder based on Islamic sources.....7

Hussein Alipour / Rahim Narouei Nosrati / Muhammad Reza Ahmadi

Predicting suicidal ideation based on students' lack of self-awareness and self-esteem.....29

Mohammad Heydari / Reza Mahkam / Massoud Noor Alizadeh Mianji

The positive relationship of mothers with adolescents 'self-esteem with regard to mothers' religiosity.....55

Hossein Sadeghian / Ja'far Jadiri / Hassan Taqiyan

Speech and listening skills from the perspective of religious teachings.....77

Ismail Fadavi Soomeh Sarai / Muhammad Reza Ahmadi / Jafar Hoshiyari

The Relationship between Piety and Parenting Styles, Considering the Parent's Perfectionism...103

Hassan shokri / Mohammad Reza Jahangirzadeh / Ali Sadeqi Seresht

Treatment strategies for narcissistic disorder Based on cognitive-behavioral approach and Islamic teachings.....123

Hossein Radmard / Dr. Mohammad sadeg shojaei

In the Name of Allah

Islam & Psychological Research

Two Quarterly Journal of Psychology

Vol.5, No. 11

Spring & Summer 2019

Proprietor: Akhlaq & Tarbiat High Education Institute

Managing director: Dr. Mohammad Javad Zarean

Editor in Chief: Dr. Mohammad Reza Ahmadi

Deputy Editor: Mohammad Farhoush

Executive Secretary: Hadi Ershad Hosseini

Editorial Board

Dr. Hadi Bahrami Ehsan: *Tehran University*

Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Javad Zarean: *Academic Institute for Ethics And Education*

Ayatollah Sayyid Mohammad Gharavi Rad: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

Dr. Ali Fathi Ashtiani: *Baqiyatallah University*

Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Kaviani: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

Hujjat ul-Islam Dr. Rahim Narouei: *IKI*

Hujjat ul-Islam Dr. Mahmood Nozari: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

ADDRESS:

The High Institute of Ethics and Education

No. 13, Shahid Shahbazi Street, Shahid Sadooqi Blvd, Qom, Iran

Postcode: 3716715545

Tel: +982532918444

Fax: +982523922239

www.ipr.ueae.ir

pajoohesh.ueae@gmail.com

فرم اشتراک دو فصلنامه

مشخصات متقاضی حقیقی

نام خانوادگی: نام:
میزان تحصیلات: رشته تحصیلی:
مبلغ واریز شده: تاریخ و شماره فیش بانکی:
آدرس و کد پستی:
صندوق پستی: تلفن:

امضاء متقاضی

مشخصات متقاضی حقوقی

نام مؤسسه: واحد درخواست کننده:
مبلغ واریز شده: تاریخ و شماره فیش بانکی:
آدرس:
کد پستی: صندوق پستی:
تلفن: دورنگار:

امضاء مسئول و مهر مؤسسه

از متقاضیان حقیقی و حقوقی دریافت مجله درخواست می شود پس از تکمیل فرم اشتراک، هزینه مربوطه را به شماره حساب ۱۰۳۵۷۰۴۰۳۰۰۰ بانک صادرات شعبه صدوقی، به نام «مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت» واریز نموده و اصل یا تصویر فرم اشتراک و فیش بانکی را به وسیله پست، دورنگار یا ایمیل به دفتر فصلنامه ارسال نمایند.

حق اشتراک سالیانه برای دانشجویان: ۲۰۰.۰۰۰ ریال و تک شماره: ۱۰۰.۰۰۰ ریال

حق اشتراک سالیانه برای عموم: ۲۴۰.۰۰۰ ریال و تک شماره: ۱۲۰.۰۰۰ ریال